

هذا كتاب

# بحر الغرائب

مجموعه

# ذكر وختم

الأسماء الحسنی

تالیف:

ثقه الاسلام آقاي شيخ

محمد هروی طاب نراه



هذا كتاب

بحر الغرائب

مجموعه

ذكر وختم

الأسماء الحسنی

تالیف:

ثقه الاسلام آقاي شيخ

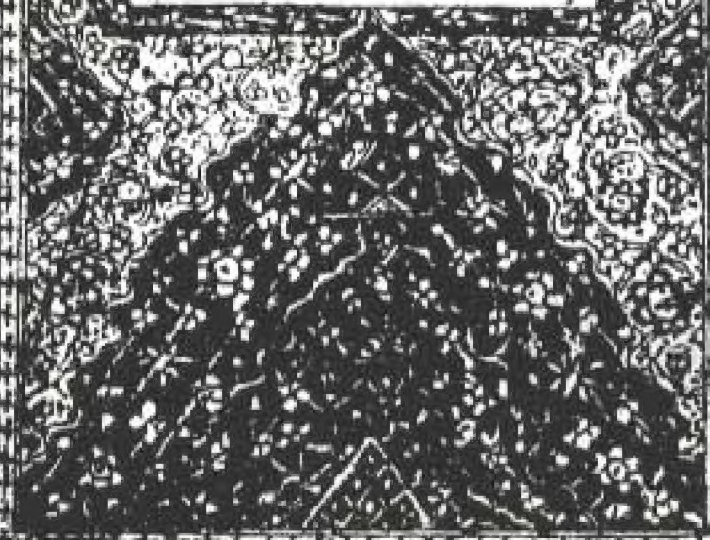
محمد هروی طاب نراه



سید احمد علی

[illegible]

فِي بَابِ مَعْدِي الْكَلَامِ



هَذِهِ سَائِلُ الْعَرَبِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
تَحْمِيدُ لَوْلِيهِ وَهُوَ الَّذِي لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالصَّلَاةُ  
عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ بِالْأَسْمِ وَالْإِسْمِ قَالَهُ وَأَصْحَابِهِ الَّذِينَ سَلَكُوا  
طُرُقَ الْمَسْجِدِ مَا بَعْدَ بَرَزَائِهِ بِرَأْسِ بَابِ عَقْلٍ وَبَابِ عَمَلٍ  
فَمَا نَدَّكَ أَكَا بَرِ الْأَسْمَاءِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَتَبَ وَرَسَّالَ  
بَطْنِ بَنِي مُزَيْنٍ وَأَنَا نَوَسْتُهُ فَنَدَّ بِالْأَسْمَاءِ الْخَالِدَةِ فِي الْأَسْمَاءِ  
عَوَامٍ رَاكِبًا أَشَانِ بَرَزَائِهِ وَبَابِ الْحَيِّ الْمُبَرِّكِ وَبَابِ نَبِيِّهِ  
ضَعِيفٌ مُحَمَّدٌ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي سَعِيدٍ الْمُرَوِّى كَمَا أَكْرَأْتُ قَدْ خُذَ  
حَرْفُ مَطَالَعَةِ شَرْحِ الْأَسْمَاءِ اللَّهُ كَرَّمَ وَابْنُ بَرَكَانَ بَرَكَانَ



# اَبْنِ بَیْهَقِیَّةِ النِّکَیَّاتِ

باب بیان فرموده بودند بخدا الله تعالی بر ضمیر منیر چون شکه  
نقش نیست بمقتضا کلامه انما المؤمنون اخوة شفقت برود  
چنان اقتضا نمود که بیانات مفصله و اشارات مشکله و طرق  
جبریه اکابر این فن را در شرح خواص این نامه خداوند جل  
ذکره مشروحاً بکمال بر قیم در آوردم تا در بد و نظری بر هر  
کس واضح و هوید گردد و کافیه خواص عامه عوام را از خوا  
ص انبیا که در خطی او فی روزی گرد آمده است و وف جرح بود  
و نامساعد روزگار دوزن و تضاد استقام و تراکم صفت  
بیم و مشقت گیر و زحمت مرض بلا ی قرض که معطل بود  
سنت فوض استجلیتی طراف و جوانب را فرو گرفته نما  
آدر بمیخی عن شمایی بدینوا سطر مدنی از پرتیب این رساله  
محرورم شدگانا انکه بنابر سله من بعضی از خواندین برین بسیج  
اضرار برخیزان نشان راه یقین توفیق و فوق گشته و ما بنا  
و انجام ان کو میشد و با بسیج دنیا مشالهای و شن و روشن  
طریق هر یک از مشایخ این فن را در کیفیت تکبیر در این رساله  
مستدفع نمودم و صور لوح بر بیاض برداشته امید از حق

نمودم و باین گونه و تالی و تالی  
بلا اینجائی و در این از این و این  
و در این استجالی و این و این  
مثل این غیری از این و این  
از این کار نموده باشد لطفاً این  
از این لطفاً این و این  
فانست که این رساله را این  
کشتی است و این رساله را این  
عنا و در این رساله  
بسیج در این رساله  
نمودم و در این رساله  
باشد من این رساله  
این خبر و این رساله  
افغانا قاده و این رساله  
مؤلف و این رساله  
عبد و این رساله



# در بیان و نحو احوال کتب مبارک

و بقرآن آنکه مقبول خاطر خطیر و ملحوظ ضمیر هریک  
 از ناظرین گرداند و جمیع همگان را بجهت مطالعته سئال که  
 موسوم است به بحر الفرائد بتبیین خواص و معانی خود  
 مشرف گرداند بآنکه این آیه که لَّذِينَ احْسَنُوا الْحُسْنَىٰ زَیَادًا  
 والله الموفق والمعين چون اگر اکابر و رکن خویش ابتدا با اسم  
 الله نمودند آنکه اسم ذات است مستجمع جمیع صفات اما چون  
 در کلام مجید و فوقان چند چنین واقع شد که هُوَ اللهُ الَّذِیْ  
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ و بعضی از کمال اولیایرانش که اسم اعظم عبارت از  
 این اسم است اینصغیر بضماعت ابتدا بخاصیت این اسم نمود  
هو الکریم المعبود با سوره سبحانه هورا اهل تحقیق اسم  
 اعظم گفته اند لیل آنکه اسم است و حروف نقطه ندارد و  
 هیچ حال و دانی و بی نگریم و بی خواند که از و معنی حاصل و  
 غیر هود لیل دیگر آنکه اسماء عظام را نود و نه تبیین فرمود  
 اند و مقدم بر همه هوست پس اسم اعظم هوبود و خدا دارد  
 شد است از بهترین موجودات و سرور کائنات علیه فصل  
الصَّلٰوةُ وَاكْمِلْ لِنَفْسِكَ که اِنَّ لِلّٰهِ تَعَالٰی سَعَةً و تعین اسم

احسن

ملاحظه آنکه اینها جمیع کتب است  
 الحقی اکثر اعطی و در خط آنکه هوبود  
 انها در خط واقع گشته و اگر کسی بخواهد  
 مکتوب و دعوات و در مطالعاتش  
 مسئولان و در جمیع کتب دنیا و آخرت  
 و معنی معبودم بتبیین خواص و معانی  
 بخت انعام و متعالی کتب است  
 کتب الفرائد و بعضی از کتب است  
 و از برای مؤلف و الدین ایشان  
 طلب مغفرت نماید و این رساله  
 بر سر باب یکین نامیده است و در  
 مختلفه ایالات و سوره کلمات  
 و در خط و سوره مختلفه کلمات  
 ما توره از خط انتم نامیده است  
 الله علیهم اجمعین بآیات  
 و در خط و سوره مختلفه کلمات  
 از عین و آبان و







قَبْرِ سَيِّدِ كَلْبِ الْإِسْلَامِ الْإِمَامِ الْإِسْلَامِيِّ

مستجابست خواص بسیار برای آن ذکر نمودند که این مختصر کجاست  
ندارد هرگز خواهد پذیرفت و سلاطین امر کردند تا نام خلافت  
او کردند و هر چه بگویند بگویند از قول او و تجاوز نمایند قبول نکند  
کرد و صفات ظاهر و باطن او بمنزله سده که هر که را چشم بروی  
محبوبی شود و از علم باطن خدای تعالی او را کرامت فرماید از اینها  
او را با کمال معرفت بیرون بر نماید که در ساختن بعد از نماز  
یکبار بخواند بشرطیکه چون نماز تمام کند هم چنان متوجه قبله برود  
سجاده بخواند و در راه بخواند بی نماز و بی طهارت بخواند یا خوش  
و خضوع و بجا آوردنست خواندن امر ذات دینی و دنیوی و حاصل  
کردن و حصول مقصد کلی در فرشت این آیات است حضور رسول و  
هر که در عمر خود یکبار بخواند چنان بود که تمام فرزند اید گرفته خوانند  
و از زمین شود از جمع کاهها اگر چه چند نیک بنیایان قطرها باران  
و بر کهای رختا بود باشد و با غنما در دست خوانند سینه او را  
مبتدا کنند رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که از وی  
داند روز پنجشنبه روز دارد و این آیات بر کاسه چینی نویسد و با  
باران یا آب چمنه بنویسد و روز باران آب بکشد چنان شود که هر

[illegible]

يَكْفُرُ عَنْ رَأْسِهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# در شرح کلام لا اله الا الله

بشنو باد گیرد و اگر کینه را سحر کرده باشند یا عقدا لک از این  
 ابغورند دفع گردد و اگر کینه از اینها نبویسد و با خود دارد از  
 بلاها گوناگون ایمن شود و بر چشمش منظر و منصور گردد و در نظر  
 و ضعیف شریف نشین نماید هر که او را نبیند و شنید و اگر کسی را  
 علت فوج نباشد یاد رد که در زمان نندارد و لطیفانند و در جمع  
 پیش از صبح از اینها بشارت و غفران بر طرف چینه نویسد یا با  
 گلاب بپوشد و بنام خدا بخورد و از آن هر ضعیف یا بد هر که دید  
 و بعد از نماز بماند بیکار بخواند از همه بلاها ایمن بود و متحول  
 و خوشحال باشد و بزرگان روزگار مطیع و مستخار و گردند و خدایند  
 جل و علاه صفای فرشته بفرستد که آن روز تا شب بزرگام دارند  
 بتیان و نکات و اقامت ملائکه و پریها و جمله بلاها از خود دفع کنند  
 و هر که از آن ضربت بماند و در کار خود فروماند و متخیر شود اینها  
 چهل بیکار بعد از نماز جمعیه بخواند گشایش بخواند برادر و مقصود خود  
 واصل شود و اگر کینه خواهد که اکابر و سلاطین را مطیع خو گرد  
 باید روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روز داند و هر روز غسل کند  
 و اینها را تراند بر آب آمیز و بکار بخواند و دخل و بخور رسد

کرد و در مدارت باران بپوشد و شامی  
 روزی و صفای باطن است و ختم  
 سوره مبارکه فاتحه الکتاب یا علی  
 مرحوم مجلسی علیه السلام و در جیبی دیگر  
 از علمای مشرفین است و از اینها  
 رسد است آنکه اندک اندک  
 از روز جمعه شود و در این ساعات  
 بنام خدا نیت و در این ساعات  
 عمل کرد و در وقت غایت از این  
 صبح و پنجشنبه حضرت فاطمه از خواب  
 صلیب بگوید الحمد لله و رب العالمین  
 علی بن ابی طالب و بیکصد مرتبه صلوات  
 بر سر آل و انبیاء و ائمه  
 نماید بر آن نحو که چهل و یک مرتبه  
 حمد التمام بخواند و چهل و یک  
 بعد از آن نام بلا را بخواند

محمد زیدی

محمد بنی بزرگ

محمد بنی بزرگ

محمد بنی بزرگ

محمد بنی بزرگ











وَأَمَّا بَشِيرُ بْنُ هَارُونَ فَكَانَ مُؤْتَصِرًا بِأَخِيهِ الْبُرْجَانِيِّ فِي يَوْمِ الْقِتَالِ

مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ تُذَبِّحُوا لَهُ لَأِلهَ إِلَّا  
 أَنَا فَاتَّقُوا اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَأَنَا اللَّهُ  
 فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْ وَذُرْ  
 النَّونَ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ يَنْقُذَهُ عَلَيْهِ فَنَادَى  
 فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ  
 فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ بَنَيْمُ الْمُؤْمِنِينَ  
 إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا وَمَا  
 أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ سُوْرٍ إِلَّا نُوْحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا  
 أَنَا فَاعْبُدُونِ فَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
 الْعَرْشُ الْكَرِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْقُدْرَةُ الْأُولَى  
 وَالْآخِرَةُ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ  
 إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ  
 وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَذْكَرُ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ  
 هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ  
 إِلَّا هُوَ فَلَا تَتُفَكَّرُونَ أَنَّهُمْ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
 ذَكَرُوا اللَّهَ رَبَّهُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنْتُمْ تُصَرِّفُونَ



بجھائی ہوئی لڑکی

محمد بن المفضل بن عبد الله

بکھڑا جیو مطلب



خَاتَمُ مُسْتَكْبِلِ الْأَلْبَانِ

غَاثِرِ الذَّنْبِ قُلُوبِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ  
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهُ الْمَصِيرِ ذِكْرُ اللَّهِ رَبِّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ  
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَكَلِمَةُ تَوْفِيقِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ  
مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُجِيبُ  
دُعَاءَ الْمُتَدَبِّرِينَ بَابُكُمْ الْأَوَّلِينَ فَإِنِّي إِذَا جَاءَ نَهْيُكُمْ  
ذِكْرُهُمْ فَأَعْلَمُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرُ لِدِينِكُمْ وَلِلدِّينِ  
وَالْمُؤْمِنَاتِ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ غَالِمُ الْغَيْبِ هُوَ  
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ  
السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِمُّ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ  
عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ  
الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ  
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَى اللَّهِ قَلْبُ كُلِّ الْمُؤْمِنِينَ رَبُّ الشُّعَرَاءِ  
وَالْمُغِيرِ لِلْعَلَمِ الْأَعْلَى فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
أَجْمَعِينَ وَجُونَ تَوَانِدًا بِمُضْغِفِ شُكْرٍ إِنِّي نَعَمْتُ بِمَا أَوْفَدَ  
كَلَامِي بِهَا نَوْعًا أَوْ غَيْرَ غَنَائِي لَطْفُ رَحْمَتِي خَالِدِي  
رَحْمَتِي فَرُودُكُمْ أَكْرَدَ مُشَوِّعِي بَنُو كَرَامَتِي وَنَايِي بَنُو

نماید و در رکعت نماز حاجت بگذارد  
 بعد از حمد هر سوره که خواهد بقصد  
 از نماز هفت بار سوره حمد را بخواند  
 و صد بار صلوات بفرستد و  
 بخواند بعد از هزار و پانصد بار صلوات  
 بفرستد و هفت بار باز حمد را  
 بخواند و هزار و پانصد بار صلوات  
 از خداوند بخواند که با حاجات  
 مقربان است و بعضی گفته اند زمان  
 خواندن بوی خوش بخورند و اینها  
 از دوزخ چنانچه نماید و جمع هم خوب  
 است و اگر در هیچ یک نرسد و در بعضی  
 مبادت انبیا و اولاد است و در بعضی  
 کتب وارد است اینها را در وقت  
 قریب باید التماس نمود چنانچه  
 یازده

جنگل کا درخت



وَالَّذِي هُوَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

که نام او را بر زبان جاری کرد و در امت پیسین چنین بود آ  
 که با اجابت نمیتوانستند که نام ملک تعالی بر زبان بگویند و امو  
 بودند و اندیا و در سل ایثار از جرأت بودند ندانند و سقا  
 مرین امت است که بر نام که خواهند خدایتها را بخوانند پس  
 دستور در هر حال که باشند از قبض بطویم و امید است که  
 مناسبان باشد و وقت عذر خواند و دعوی صغیر و کبر و  
 و نکیر و خام مجموع و قول بزرگان علما و مشایخ این فیه یاریم ما  
 خواصان ظاهر گردد و مقصود حاصل ایدان الله تعالی و خواص  
 اسماء الله بیضا است و بیجا کردن برینه ادم مشکل که خدا تعالی  
 کلام مجید و قرآن مجید فرموده است که قل لو کان البحر مدا  
 لکلاماً و لیتقدا البحر قبل ان تنفد کلماتی و لو جئنا بمثله  
 مدداً ما انحر یعیل و تبحر و رسید در این نسخه مذکور خواهد  
 ان شاء الله تعالی امید بکرم بزرگان انکیر و این بنده از مختصر  
 این علم عار بودم و این مختصر از کتب باب مایست جمع کردم اگر چه  
 عامیانه باشد قلم خود نگشود و بالله التوفیق نویسنده غلام  
 تعالی جل جلاله هو الله الذی لا اله الا هو

یاورد و بفرستد و هیچ مشکلی  
 انجا باشد و دعوی نبی است  
 جهت هر حاجت از عطا الله تعالی  
 که مدد صفت و قدرت خداوند  
 در یک کلمات رسیده و توحید را  
 بدون تکلم با خضوع و خشوع  
 معنی نمائش که حاصلش این است  
 شود ایضا بخیر و بهر که مدد  
 صحت و قدرت و صفتی است  
 باین خود که الله الصمد و اله و یار و یار  
 نمائید و هر قدر بخواهید تمام  
 باران فور و یک بار و است و این  
 خدا که اولاد است و الله علی النکاح  
 تا آخر و بخواند و مکان خلوت  
 با طهارت و در شبانه مراد حاصل  
 که است اینها و عیب مذکور  
 که بنده و ذریه جلیل

بجمله هر حاجت و مطلق



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این جمله سه نام است هو الله اسم ذات خدای عز و ار پرستش  
 که موضوعش جمیع صفات و کمال پستیدگی و ایرامنا عظام  
 ذکر اهل توحید است بزرگان گویند که هر که در یکبار و دو  
 هزار بار بگوید یا الله یا هو و تک اسماء و مت نماید خداوند  
 از اهل حقین گرداند و عظام اهل تحقیق و در اهل توحید  
 و آنچه خواهد بود کشف شود از حجاب که الله اسم ذات است و اسم اعظم  
 اعظم است و اهل تحقیق اسم اعظم اسمی گویند که هر که از او بیفتد  
 همان اسم الله شود مثلا از الله الف کم کنند الله شود و اگر یک لام از او  
 دور کنند اله شود و اگر الف و یک کم دور کنند له شود و اگر الف و  
 هر دو لام حذف کنند هو شود و هو اسم اعظم است و خدا اسم الله محض  
 و دلیل نبی است و دلیل چند از قرآن پروردگار و دانند و گفته اند  
 که اسم اعظم خدا نیست است که ابتدایان با الله و ختم آن به هو باشد  
 و این چند کلام نقطه نبوی اگر معجز یا غیر معجز نویسند مما که هست  
 شود و عیان شود خوانند و در کلام مجید خدای عز و جل است  
 بسم الله الرحمن الرحیم اول رسول بقول الله لا اله الا هو و هو  
 ال عمران لا اله الا هو سیم در سورة الفنا الله لا اله الا هو

بن نوشت بخواند و بعد از آن  
 سیزده مرتبه دعا یا مفتح  
 یا باخر که در یک نیت  
 خداوند کورست بخواند عظام  
 ربوبیه و انور و او را و ده  
 شود ختم این است که در کتاب  
 معبر از کتب علماء شیعه بنظر  
 خیر رسید که در این سر غیر  
 الکون و فغانست هر که  
 خواند آن و وفای او و  
 و بعد عاکذ دعا یا مفتح  
 است و فاعلان یا بن خوانند  
 که ابتدا از انکست که در کتاب  
 نماید و بعد و فاعلان یا بن  
 کند و ختم یا انکست را بعد  
 کند و میان دو صبر و صبر  
 میخواند از عظام

و این دعا

در کتاب

و این دعا















صلى الله عليه وسلم

و چون این فرد کند هر حاجتی که دارد بزرگ و مقرون گردد و بزرگ  
این است که ابتدا با الله و ختم باسم الله العظیم میشود و سایر  
اسماء ربانی گفته اند که اگر فی المثل گدائی که در تبارش هرگز بزرگ  
نبود نباشد خواهد که بسلطنت رسد و مولکی بوفویض کند  
باید که در روز و از روز ترک حیوان کند و روز دارد و طهارت بجلال  
کند هر روز غسل کند و جامه پاک درپوشد از اول غسل سخن  
نکند تا بعد از آنکه دو رکعت نماز بگذارد و همچنان بر دو سجده هر  
باز آید اگر سه بخواند چون این نام مذکور باین شرط قیام نماید  
صد نایک البتة مراد باید مقصود حاصل گردد و آنچه خواهد بود  
رسد در ریشک نباید و در دو مرتبه بصلوات صلوات  
چنین بود و قصه طویله دارد مناسب این نمیشود اهل تحقیق گویند  
که هر که را توفیق حق گردد که هر روز هزار بار بگوید الله خدا  
او را از احتیاجات بقیه بگذراند این اسم مستطاب است که مستطابند  
هنوز بدیده کمال نرسیدند و بعد از این اسم شصت و شش و اگر  
کنی را طلب خواه و بزرگی باشد یا خرد و فرادرس هر رجل بر طلس  
شش و شش سرچ کند یا حرف اسم خود و در تاج محو سازد

مجلس

بسم الله الرحمن الرحيم

3000







در سر و خو الفط حلاله

کند و نمود و نیز باین اسم را بگوید مستحبا الدعوه کرد و چشمها  
مغفرت از دل و سر برزند از علوم لدی با نصیب گردد و اگر  
دو اسم را با نام خود عذ گیرد و در سر زهره در مرتبه پنجم  
پنج عدد بنهد طریقی است که از جمله عدد شصت طرح کند تا  
بر پنج قیمت کند و یکم در خانه اول نهاده تمام کند اگر کسر  
باشد بدستور که نمودیم درج کند مقبول القول گردد و متعلقا  
زهره متحرکی گردند دارند این مرتبه را از عالم غیب فتوحا  
رسد و این خوشدل و خرم گذرانند و در هیچ مجلس و درد نگردد  
و هر چه خوانند یاد گیرند و این مرتبه را خواص بسیار است مثلا نام محمد  
خواستیم با ایند اسم عدد گیریم عدد مجموع صد بود یک شد  
عدد طرح کردیم صد و یک تا بی فائد بر پنج قیمت کردیم قیمت یک  
شد کسری که عدد ناند و نهایت و یکم اضا کردیم و اگر کسری و شصت  
یک در خانه شانزدهم اضا کند اگر نماند شد در خانه هفدهم اضا  
کند اگر چهار باشد یکی در خانه ششم اضا کند چون تمام کند  
مقطر ساخته ریخته با خود دارد به نیت ای قرض و حصول  
خارجت بیا و آخرت برآمد مرا ذاکله و جزو امانا باشد که هر روز

انشاء الله حكيم من نور  
مكة و مصر عظمي و مهلكا خطري  
يتر ايد كه از علاج از خان خاند  
لايد يكصد و چهل بار اين سخن  
بوسيل اتصال بخواند و عجز  
جمله ضرر و ناكل و شر و نماز  
جاي و عجز از ان در خط خلاص  
نمود و هر ملك و هي و غير  
ختم كن و براني امير ايشان  
صفت و مشكلي كه از رازي قد  
و هر حاجت و خطبي كه داشته  
داشت صفت منبر ملافا صفت  
ملوك و عابد الله مع قوا كفايت  
كه در ختم همه ملكه كه بخواند  
نصف روز او و سالانجا كه گمان  
نمائند باشد در ملكوت عجز  
كه نيز اين نود و ايام

جہانگیر علی

۱۰۰

三



у	12	19	20	1
уу	у1	уу	01	у2
у.	у1	у	1	1у
у0	уу	уу	уу	у9
у	9	10	12	уу
у1	уу	у.	у1	у1
11.	1у	уу	у	1.
у2	уу	у9	у9	у0
уу	0	2	12	11
0.	у.	у1	уу	уу

کم از نود و نه بار  
نخواند شکل اینست  
و بزرگ فرمود که  
هر که هر روز صد  
بار بخواند هو الله  
الذی لا اله الا هو

ویدین مذ او مت نماید خط او را از اهل یقین گردانند و تمام  
اهل تحقیق درجا اهل توحید بنسند آنچه خواهد بر او کشف  
شود و اگر بعد و در مرضیابیست بهت بهفت موی خطا  
خواند بنیاست تا بگوید که کند من هذا بخورد نیز فهم گردد تا  
روز پیوسته چنین کند البته فهم و جفا شود که هر چه بخواند یاد  
گیرد و هرگز فراموش نکند اگر مربع پنج در پنج که ذکر او کردیم  
شیر زهر بنویسد بر آن کودک بنده البته ذرا عقل و ادراک  
بمراقبت رسد که اهل عالم متحیر و گردند و شیخ فرمود اندک فکر  
تا خلوص اعتقاد تمام بعد از ثابا ماند صد بار بنویسد عالم  
الغیر اللهاده خدا بیجا او را از اهل یقین گردانند و از اهل

کے

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

محمد بن عبد الله بن محمد

[illegible]



کشف شود چنانکه اسرار عالم صورت و معنی بر او روشن گردد  
مشکلاتی و جزو از قاری این اسماء بگشاید و در هر کار  
که شروع کند دفع پیدا و از مضایقه برمند گردد و شیخ گفته که  
نوزده روز بعد اصل اسمای بکار بخواند عداصل اسماء را  
هفتصد مرتبه یا است کشف و خواصش شود و او مطلع شود  
نیک و بد تمام اهل کورستان و هم شیخ گفته که بعد کبیر بترش  
دو نوزده روز شبانه روز بعد کبیر بخواند بر حقیقت و قایل عالم  
مطلع گردد و بر تمامان کنیزان خداوند است عالم شود و عدا کبیر  
عدا کبیر است عدا کبیر مع صد و هفتاد هزار مرتبه  
بگوید و وسیع فرمود است که اگر تیر شود که در نوزده روز  
چو اکند از الخیا کند و ایام مذکور بعد کبیر سه نوبت  
تکرار کند و عو و صد بخواند و در همین خواندن عدا کبیر  
بجمل چهارده و چهار صد نوبت است کشف غریب خاص و عا  
مستور گردند حکام زمانه و محتاج بمشور و گردند و از این  
بمرتبه شود که از مشر عالم نامه عزرا الا ماشاء الله بر او مکتوب  
شود و بر احوال عالم مطلع گردد و غلبه و نصب سلاطین را بگوید

13







# در شرح کلمه بیّن الرحمن

روا کردند و شیخ ابن حجر عسقلانی از خواجہ ابیاس یافتہ در کفایت مہتمما  
 مسلمانان شرح این اسم بیّن است و بزرگے فرمودہم درین مبحث  
 کہ چند مشکلان غریبہ اموریکہ بعد از نماز عصر جمعہ منویہ  
 قبلہ بوزد بسم اللہ الرحمن الرحیم قیام نماید چون بانکہ نمازشنا  
 بشود و بر سجدہ حاجت خاقد حاجت خدا شود اذان تمام کند  
 و دو دستہ ابرداشتہ صلوات فرستد و مومنین مومنان را  
 فراموش و فراموش خواند بر اہرمہم کہ باین زدند و مینماید  
 مراد از حاصل شود از بزرگے اسما و ہم بزرگے فرمود کہ از استاد  
 چنین یاد دارم کہ علی اسمی از اسما خدا باشد بزرگوار تر از این اسم  
 نیست بزرگے اگر بزرگے بود مقدّر کلام خواور و بر اول ہر  
 سورۃ مکتوب کند و حضرت رسالت صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم  
 اندک فرمود اند کہ من قال بسم اللہ الرحمن الرحیم سرّ لم یخبر  
 من فی نوری در در و اینچند عبد بن مسعود است کہ حضرت  
 فرمود اند کہ ہر کہ بگوید این اسم را یکبار یا بارہ نامند از  
 کافران بکند و ہمیشہ فرمود کہ ہر کہ بچند بار دعا بخواند  
 بود از بلا ہا و آیین و دنا ز مکر شیطان دست بر چہاد و ہما

بخواند و جمع مہتمما از روی کمال  
 شود و اگر این بودہ را کسی بوزد  
 و یا خود را از سر و روی باین  
 باشد در نظر خلق یا جنب بود  
 و در کمال او را در دست دارند و حق  
 سوا الحاد در کار ختم الفان  
 دارد است کہ ہر کہ در ہر کمال  
 شود این سخن را سر و جنب خواند  
 خلاصی نماید انشاء اللہ سبحانہ  
 و الحمد للہ از حضرت ماثور است  
 ہر کہ این سخن را سر و جنب خواند  
 بہر و بکار بخواند حاجت او برآید  
 و بلا او در منزل و الم شمع ایندی  
 از جنبش و دست در مال و مال  
 ہر کہ بخواند و در حق است  
 ہر کہ بخواند و در حق است



بجفت در وقت نوبت

بجفت و سفت نوبت

بجفت و سفت نوبت

از کفستان تا خفا باشد و بعد از آن  
کردن باین چهار نوبت است  
روزی بر سبیل است و اگر یک روز  
فوت شود شب فضا نما بدین عمل  
و از مجرای بطنی است علیک تا بطن  
خفا بچرخد و مکرر کردن سوره و الذاریه  
در هر وقت از روز و شب و هر وقت  
علت مریضی خفا باشد کرد و در وقت  
و غایت بر وقت و کفایت کرد و  
ابواب خفا و مریضی باین عمل  
مریضی با بر صورت و بطن باین عمل  
مصلحت است و باین عمل از خفا و نوبت  
از باین وقت و نوبت و نوبت و نوبت  
مصلحت است و باین عمل از خفا و نوبت  
از باین وقت و نوبت و نوبت و نوبت

# در سر کلام الیه

با این طریق نویسد و با خود دارد اما اگر در سر افتاد نویسد

بسم الله الرحمن الرحيم	۱۸۹	۲۰۲	۱۹۹	۱۹۶
الرحمن الرحيم بسم الله	۲۰۰	۱۹۵	۱۹۰	۲۰۱
الرحيم الرحمن الله بسم	۱۹۴	۱۹۷	۲۰۴	۱۹۱
الله بسم الرحيم الرحمن	۲۰۳	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۸

باساعات معنوی خاص عظیم از دو فکر کمال نیرنگ را با خود  
دارد و در وقت هر روز هفتصد هزار مرتبه نکر  
میکنند هر طریقی را که خواهد تواند گشود و همه مشکلات  
اش را کرد و بعد از فراغ این باید که بکشد به و دست و پا و بجز  
والحمد فوسل سبحان الدعوی کردند و در وقت بزرگشاد کرد و  
صفا باطن و از حاصل کرد و هیچگاه بزرگ مشکل نکرد و  
فتوحات و رسید از بکر این شاد و از این نیرنگ باید که از این  
باشد معطر است با خود دارد و غیر از دارد که گاه خاصه و گاه  
قادر بر این کند و این نیرنگ خاصه است و شیخ فرمود که هر  
و هر دعا که در اول اللهم یا الله باشد از بطن بکر است  
و از دعویان خود تر و مضوی باید و جمیع بزرگ و حکم و عزت



















# در سر کلمه مبارک القدر و السلام

رسد این نیت به وقت قریب کن باشد که یاد سازد عالم  
میتواند و کن باشد که در عالم صور و خواص الکبر و خل  
شعبه بنیادنا الله تعالی و مربع الملك نیت القدر  
**جل جلاله** یعنی پاک از هر عیبی نصاح حضرت امام هاشم  
علی الهوسه الرضا علیه السلام فرمود اند هر که هر روز  
زوال یکصد گفتا بار بگوید دل و صا گردد و از شرف  
و وسوسه شیطان مان پاید و بک از بزرگان فرمود که اگر  
انتم ناظر ببال و مصطفی گردد از کد و داف و قضا و اهل محقق  
گویند که هر که هر روز یکصد نیت مرتبه بخواند از بیمار ظاهرنا و  
صحت یابد و هر که روز جمعه یکصد نیت نوبت بگوید  
رب العالمین و الروح بخورد و صفی لانکه پیدا کند و مربع  
نیت السلام یعنی پاک و عیب نگوشتن نهایی حضرت  
امام هاشم علیه السلام فرمود اند که هر که یکصد نیت نوبت  
نیت بخواند بر نیت صحیحان پیا از پنج خلاص شود اگر سببه  
میچند تو بر شرف خواند بدشمنی هدا بخورد مهر یا گرد و اقل  
تجربو گویند که خواند احسا این اسم کند اول خود را مقصود نیت

یا	م	ل	ک
ل	ک	یا	م
ک	ل	م	یا
م	یا	ک	ل

۲۲	۲۵	۲۸	۱۵
۲۷	۱۶	۲۱	۲۶
۱۷	۳	۲۳	۲
۲۴	۱۹	۱۸	۲۹

این کلمات را در هر روز  
بعد از نماز بخواند  
و در هر وقت که بخواهد  
از هر عیبی پاک شود  
و از هر دشمنی خلاص شود  
و از هر بیماری شفا یابد  
و از هر فقری غنی شود  
و از هر غمی آزاد شود  
و از هر غمزه ای پاک شود  
و از هر غمزه ای پاک شود

ق	د	و	س
و	س	ق	د
س	و	د	ق
د	ق	س	و

۴۲	۴۵	۴۸	۳۵
۴۷	۳۶	۴۱	۴۶
۳۷	۵۰	۴۳	۴
۴۴	۳۹	۳۸	۴۹

بجهه مبارک القدر و السلام

بجهه مبارک القدر و السلام















# در بیان کلمات و کلمات

۳۳

عَلَيْكُمْ بِالْيُوسُفِ بْنِ قَوْفٍ وَبِجَمِّهِمْ هَكَذَا أَيْتٌ دَر مَرْتَبِ جَمَّا  
 دَر جَمَّا وَضَعُ كُنْدُ دَر سَرِ افْتَابِ بِبَطْرِ بِي بِاِخْوَدَارِ دَر  
 خَلَا بُو غَزَنُ كُنْدُ دَر دَر جَمِّ سَلَا طَبِ بِاِغَزَبِ دَر حُرْمَتِ بُو مَقْصُولِ  
 الْفُلُ كُرْدُ دَر مَادِ شَمْنَا دُونِ كُرْدُنْدُ بَاهِرُ كِه مَجَادِلَةُ نَمَّا  
 غَالِبُ كُرْدُ دَر وَضِيعِ وَبِزِ اَوْدَاغِ بَزْدَارِ دَر مَرْتَبِ آيَتِ  
 وَا كَرْدِ اِيْنِ اِيْرُ كِه دَوَافِرُ وَهَنْدُ فُوْدُ هَشْتِ اَشْتِ دَر سَرِ  
 جَمَّا دَر جَمَّا هَدَا دَر سَرِ زَهْرُ وَضَعُ كُنْدُ بَدِ مَثَالُ كِه مَوْدُ شَدِ  
 اِنْخَوَاصُ دَر هَدُ كِه سَلَا طَبِ بِطَبِجِ يِ كُرْدُنْدُ كَابِرُ وَاشْرَافُ نَمَّا  
 خَلَا بُو مَسْحَرُ كُرْدُنْدُ خَوَاصُ بِبَا دَر دَوَاغُنْمُو بِاِ افْتَابِ اَفْرَا  
 نَفْعُ هَلْ جُونُ مَرْتَبِ زَهْرُ بِاِخْوَدَارِ دَر دَر اِيْمُ خَوْشَالُ كُنْدَانْدُ  
 وَمُتَاوَفُهُمْ عَقْلُ دَر دَر اِيْمُلُو حَاصِلُ كِه بَصَرُ اَعَالِمُ دَر  
 دَر كُنْدُ كُرْدُنْدُ تَبَرُفُ مَاجَمَا بِبِشَرُ كِه بِنَا دَر اِيْمُ فَرَا بِنْدُ عَقْلُ  
 زَمَادُ دَر نَظَرُ دَر دَر اِيْمُلُو بِبِخَرُ خُو دَر اَفْرَا كُنْدُ اِيْنِ هَر سَرِ لَوْ خَا  
 مَثَالُ دَر دَر مَوْدُ بِيْمُ نَابِرُ دَر وَشَمَا مُشْكَلُ نَكُرْدُ دَر مَآبَا بَا بِيْدُ كِه دَر  
 وَشَمَا نَفْسُ عَدُ كُرْفَانُ مَاطِلُهُ نَابَشُدُ بِخَوَرِ سُوْرُو خُو دَر  
 بِبُو خَا خُو شِ مَقْطَرُ سَا زَدُ وَا لَوْ خَا غَرَبِ زَدُ وَا بِيْشَرُ اَوْدَاغِ نَابَشُدُ

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على  
 سيدنا محمد وآله  
 وبعد  
 فبسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على  
 سيدنا محمد وآله  
 وبعد

۷۱۷	۷۳	۷۲۲	۷۲۴
۷۲۸	۷۲۳	۷۱۸	۷۲۹
۷۲۲	۷۲۵	۷۲۲	۷۱۹
۷۳۱	۷۲۰	۷۲۱	۷۲۶

ع	ز	ی	ز
ی	ز	ع	ز
ز	ی	ز	ع
ز	ع	ز	ی

۱۶	۲۹	۲۶	۲۳
۲۷	۲۲	۱۷	۲۸
۲۱	۲۴	۳۱	۱۸
۲۰	۱۹	۲۰	۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على  
 سيدنا محمد وآله  
 وبعد  
 فبسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على  
 سيدنا محمد وآله  
 وبعد

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم



كَلَامُ زَكِيَّا الْعَبْدِ



و اگر این ایراد را با اسم غیر بر عهد بگیرد و یا بنوشد و شش بر لوح بنویسد  
 پنج بر مس نقش کند و شش در هزاره با نام خود و نام هر کس که  
 خواهد هم در شش بر آن لوح بکشد یا خود دارد مثلاً این  
 عهد و عهد نام خود و عهد نام یکی از سلاطین یا حکام یا نام  
 مجموع حکام کند مثال نمایم آن لوح که شیخ از بر خود عمل کرده  
 بود تا بر دو دستش مشکل نگردد و عهد کردیم یا غیر از هفتصد و سی و  
 عهد نام حصار الشاه عبدالحمید و والد او دولت و سی و سه و  
 عصر و والد او چنان صد شخصت یک مجموع هزار و شصت و  
 چنان پیش و از این جمله شخصت کردیم هزار و پانصد شخصت و چنان  
 این را انداز اینچ قسم کردیم قسمی سیصد و نوزده بود چنان عدد  
 داشت این عهد را در لوح مس نقش کند یا خود دارد و یک از اگاه  
 گفت چنان کردم و مجدداً سلطان حاضر شد بنده تعظیم نکردی  
 کرد که بوصف شایسته از مقام معهود بگذرانیند مرا بر خود  
 متقدم نشایند و در دیگر روز من خواند پیش گرفت و من جهت  
 استاد تعظیم کردم بحد که چون ز آمد می برخاسته و دستها  
 و زانها را مرا و زانها را منع کردند گفت ای شاه من است بگرد

۱۵

[illegible]

بجھڑ غزنوی سلطنت

淡月



محمد مصطفیٰ بن عبد اللہ



٣٠٨	٣٠٩	٣١٠	٣١١	٣١٢
٣١٣	٣١٤	٣١٥	٣١٦	٣١٧
٣١٨	٣١٩	٣٢٠	٣٢١	٣٢٢
٣٢٣	٣٢٤	٣٢٥	٣٢٦	٣٢٧
٣٢٨	٣٢٩	٣٣٠	٣٣١	٣٣٢
٣٣٣	٣٣٤	٣٣٥	٣٣٦	٣٣٧
٣٣٨	٣٣٩	٣٤٠	٣٤١	٣٤٢
٣٤٣	٣٤٤	٣٤٥	٣٤٦	٣٤٧
٣٤٨	٣٤٩	٣٥٠	٣٥١	٣٥٢
٣٥٣	٣٥٤	٣٥٥	٣٥٦	٣٥٧
٣٥٨	٣٥٩	٣٦٠	٣٦١	٣٦٢
٣٦٣	٣٦٤	٣٦٥	٣٦٦	٣٦٧
٣٦٨	٣٦٩	٣٧٠	٣٧١	٣٧٢
٣٧٣	٣٧٤	٣٧٥	٣٧٦	٣٧٧
٣٧٨	٣٧٩	٣٨٠	٣٨١	٣٨٢
٣٨٣	٣٨٤	٣٨٥	٣٨٦	٣٨٧
٣٨٨	٣٨٩	٣٩٠	٣٩١	٣٩٢
٣٩٣	٣٩٤	٣٩٥	٣٩٦	٣٩٧
٣٩٨	٣٩٩	٤٠٠	٤٠١	٤٠٢
٤٠٣	٤٠٤	٤٠٥	٤٠٦	٤٠٧
٤٠٨	٤٠٩	٤١٠	٤١١	٤١٢
٤١٣	٤١٤	٤١٥	٤١٦	٤١٧
٤١٨	٤١٩	٤٢٠	٤٢١	٤٢٢
٤٢٣	٤٢٤	٤٢٥	٤٢٦	٤٢٧
٤٢٨	٤٢٩	٤٣٠	٤٣١	٤٣٢
٤٣٣	٤٣٤	٤٣٥	٤٣٦	٤٣٧
٤٣٨	٤٣٩	٤٤٠	٤٤١	٤٤٢
٤٤٣	٤٤٤	٤٤٥	٤٤٦	٤٤٧
٤٤٨	٤٤٩	٤٥٠	٤٥١	٤٥٢
٤٥٣	٤٥٤	٤٥٥	٤٥٦	٤٥٧
٤٥٨	٤٥٩	٤٦٠	٤٦١	٤٦٢
٤٦٣	٤٦٤	٤٦٥	٤٦٦	٤٦٧
٤٦٨	٤٦٩	٤٧٠	٤٧١	٤٧٢
٤٧٣	٤٧٤	٤٧٥	٤٧٦	٤٧٧
٤٧٨	٤٧٩	٤٨٠	٤٨١	٤٨٢
٤٨٣	٤٨٤	٤٨٥	٤٨٦	٤٨٧
٤٨٨	٤٨٩	٤٩٠	٤٩١	٤٩٢
٤٩٣	٤٩٤	٤٩٥	٤٩٦	٤٩٧
٤٩٨	٤٩٩	٥٠٠	٥٠١	٥٠٢
٥٠٣	٥٠٤	٥٠٥	٥٠٦	٥٠٧
٥٠٨	٥٠٩	٥١٠	٥١١	٥١٢
٥١٣	٥١٤	٥١٥	٥١٦	٥١٧
٥١٨	٥١٩	٥٢٠	٥٢١	٥٢٢
٥٢٣	٥٢٤	٥٢٥	٥٢٦	٥٢٧
٥٢٨	٥٢٩	٥٣٠	٥٣١	٥٣٢
٥٣٣	٥٣٤	٥٣٥	٥٣٦	٥٣٧
٥٣٨	٥٣٩	٥٤٠	٥٤١	٥٤٢
٥٤٣	٥٤٤	٥٤٥	٥٤٦	٥٤٧
٥٤٨	٥٤٩	٥٥٠	٥٥١	٥٥٢
٥٥٣	٥٥٤	٥٥٥	٥٥٦	٥٥٧
٥٥٨	٥٥٩	٥٦٠	٥٦١	٥٦٢
٥٦٣	٥٦٤	٥٦٥	٥٦٦	٥٦٧
٥٦٨	٥٦٩	٥٧٠	٥٧١	٥٧٢
٥٧٣	٥٧٤	٥٧٥	٥٧٦	٥٧٧
٥٧٨	٥٧٩	٥٨٠	٥٨١	٥٨٢
٥٨٣	٥٨٤	٥٨٥	٥٨٦	٥٨٧
٥٨٨	٥٨٩	٥٩٠	٥٩١	٥٩٢
٥٩٣	٥٩٤	٥٩٥	٥٩٦	٥٩٧
٥٩٨	٥٩٩	٦٠٠	٦٠١	٦٠٢
٦٠٣	٦٠٤	٦٠٥	٦٠٦	٦٠٧
٦٠٨	٦٠٩	٦١٠	٦١١	٦١٢
٦١٣	٦١٤	٦١٥	٦١٦	٦١٧
٦١٨	٦١٩	٦٢٠	٦٢١	٦٢٢
٦٢٣	٦٢٤	٦٢٥	٦٢٦	٦٢٧
٦٢٨	٦٢٩	٦٣٠	٦٣١	٦٣٢
٦٣٣	٦٣٤	٦٣٥	٦٣٦	٦٣٧
٦٣٨	٦٣٩	٦٤٠	٦٤١	٦٤٢
٦٤٣	٦٤٤	٦٤٥	٦٤٦	٦٤٧
٦٤٨	٦٤٩	٦٥٠	٦٥١	٦٥٢
٦٥٣	٦٥٤	٦٥٥	٦٥٦	٦٥٧
٦٥٨	٦٥٩	٦٦٠	٦٦١	٦٦٢
٦٦٣	٦٦٤	٦٦٥	٦٦٦	٦٦٧
٦٦٨	٦٦٩	٦٧٠	٦٧١	٦٧٢
٦٧٣	٦٧٤	٦٧٥	٦٧٦	٦٧٧
٦٧٨	٦٧٩	٦٨٠	٦٨١	٦٨٢
٦٨٣	٦٨٤	٦٨٥	٦٨٦	٦٨٧
٦٨٨	٦٨٩	٦٩٠	٦٩١	٦٩٢
٦٩٣	٦٩٤	٦٩٥	٦٩٦	٦٩٧
٦٩٨	٦٩٩	٧٠٠	٧٠١	٧٠٢
٧٠٣	٧٠٤	٧٠٥	٧٠٦	٧٠٧
٧٠٨	٧٠٩	٧١٠	٧١١	٧١٢
٧١٣	٧١٤	٧١٥	٧١٦	٧١٧
٧١٨	٧١٩	٧٢٠	٧٢١	٧٢٢
٧٢٣	٧٢٤	٧٢٥	٧٢٦	٧٢٧
٧٢٨	٧٢٩	٧٣٠	٧٣١	٧٣٢
٧٣٣	٧٣٤	٧٣٥	٧٣٦	٧٣٧
٧٣٨	٧٣٩	٧٤٠	٧٤١	٧٤٢
٧٤٣	٧٤٤	٧٤٥	٧٤٦	٧٤٧
٧٤٨	٧٤٩	٧٥٠	٧٥١	٧٥٢
٧٥٣	٧٥٤	٧٥٥	٧٥٦	٧٥٧
٧٥٨	٧٥٩	٧٦٠	٧٦١	٧٦٢
٧٦٣	٧٦٤	٧٦٥	٧٦٦	٧٦٧
٧٦٨	٧٦٩	٧٧٠	٧٧١	٧٧٢
٧٧٣	٧٧٤	٧٧٥	٧٧٦	٧٧٧
٧٧٨	٧٧٩	٧٨٠	٧٨١	٧٨٢
٧٨٣	٧٨٤	٧٨٥	٧٨٦	٧٨٧
٧٨٨	٧٨٩	٧٩٠	٧٩١	٧٩٢
٧٩٣	٧٩٤	٧٩٥	٧٩٦	٧٩٧
٧٩٨	٧٩٩	٨٠٠	٨٠١	٨٠٢
٨٠٣	٨٠٤	٨٠٥	٨٠٦	٨٠٧
٨٠٨	٨٠٩	٨١٠	٨١١	٨١٢
٨١٣	٨١٤	٨١٥	٨١٦	٨١٧
٨١٨	٨١٩	٨٢٠	٨٢١	٨٢٢
٨٢٣	٨٢٤	٨٢٥	٨٢٦	٨٢٧
٨٢٨	٨٢٩	٨٣٠	٨٣١	٨٣٢
٨٣٣	٨٣٤	٨٣٥	٨٣٦	٨٣٧
٨٣٨	٨٣٩	٨٤٠	٨٤١	٨٤٢
٨٤٣	٨٤٤	٨٤٥	٨٤٦	٨٤٧
٨٤٨	٨٤٩	٨٥٠	٨٥١	٨٥٢
٨٥٣	٨٥٤	٨٥٥	٨٥٦	٨٥٧
٨٥٨	٨٥٩	٨٦٠	٨٦١	٨٦٢
٨٦٣	٨٦٤	٨٦٥	٨٦٦	٨٦٧
٨٦٨	٨٦٩	٨٧٠	٨٧١	٨٧٢
٨٧٣	٨٧٤	٨٧٥	٨٧٦	٨٧٧
٨٧٨	٨٧٩	٨٨٠	٨٨١	٨٨٢
٨٨٣	٨٨٤	٨٨٥	٨٨٦	٨٨٧
٨٨٨	٨٨٩	٨٩٠	٨٩١	٨٩٢
٨٩٣	٨٩٤	٨٩٥	٨٩٦	٨٩٧
٨٩٨	٨٩٩	٩٠٠	٩٠١	٩٠٢
٩٠٣	٩٠٤	٩٠٥	٩٠٦	٩٠٧
٩٠٨	٩٠٩	٩١٠	٩١١	٩١٢
٩١٣	٩١٤	٩١٥	٩١٦	٩١٧
٩١٨	٩١٩	٩٢٠	٩٢١	٩٢٢
٩٢٣	٩٢٤	٩٢٥	٩٢٦	٩٢٧
٩٢٨	٩٢٩	٩٣٠	٩٣١	٩٣٢
٩٣٣	٩٣٤	٩٣٥	٩٣٦	٩٣٧
٩٣٨	٩٣٩	٩٤٠	٩٤١	٩٤٢
٩٤٣	٩٤٤	٩٤٥	٩٤٦	٩٤٧
٩٤٨	٩٤٩	٩٥٠	٩٥١	٩٥٢
٩٥٣	٩٥٤	٩٥٥	٩٥٦	٩٥٧
٩٥٨	٩٥٩	٩٦٠	٩٦١	٩٦٢
٩٦٣	٩٦٤	٩٦٥	٩٦٦	٩٦٧
٩٦٨	٩٦٩	٩٧٠	٩٧١	٩٧٢
٩٧٣	٩٧٤	٩٧٥	٩٧٦	٩٧٧
٩٧٨	٩٧٩	٩٨٠	٩٨١	٩٨٢
٩٨٣	٩٨٤	٩٨٥	٩٨٦	٩٨٧
٩٨٨	٩٨٩	٩٩٠	٩٩١	٩٩٢
٩٩٣	٩٩٤	٩٩٥	٩٩٦	٩٩٧
٩٩٨	٩٩٩	١٠٠٠	١٠٠١	١٠٠٢

كَلَامُكَ الْعَبْدُ

Y A

نو خرد منزل گذاشته که شاید تعظیم کمتر کند که از حد اعتدال  
 نرفته بود با وجود آن همچنان مواضع بود و این از مجربانست  
 و صور لوح من اینست و بنحی دیگر که از این لوح بداند بود  
 که مجموع عمو را انداز هرگز نیرین نمی آمدند و خانه چون  
 بند میوایشند با جمیع پرندگان این کار را به نامها بر می آمدند  
 مناظر منکر دند که شیخ عبدالحجید میگوید و پیش از این لوح  
 این نبود و من از این میجو میبشد و ضد کردم که انوار و یکبار  
 نما باشد که این شهر که شود و باز ملا خطان نمود که بی درجه و دقیقه  
 دو متر زهر ز عا کرد بودم و اگر که را این شهر شود و این  
 بند دیگر اگر که بعد بعد نماز صبح پیش از سخن گفتن نویسد  
 این بخواند و باد برد و گفت خود مدبر و در و نما اعضا نما الدنور  
 هیچ بلائی بوی سده شیخ عیسی در جواهر القرآن و در ذکر  
 این آیات که اگر که المثل آسمان بر زمین بشاید خوانند این اثر هیچ  
 اسبب سده محفوظ باشد در شرح کثیر قرآن شیخ سید  
 گفته است اگر که خواهد از جمیع فایده ها استفاده کند این اثر  
 کند الحیا یعنی دارند خلقا بدان حضرت امام رضا علیه السلام

[illegible]







# در سر کلمه مبارکه الحاق

۳۷

و کسانیت که طالب خشنود دوام جاه و دولت و مطمحش  
بر عدا باشند و دنا و متغنا بند العزیز الجبار المشکیر و طریقی  
دعوی این است اما آن که و در سلخه هر روز بعد تکبیر یا بعد  
کبیر بخواند بعد طلوع صبح یا بعد نماز صبح پیش از سخن  
گفتن با طهارت شوی قبله هر عدد که خواهد خواهم بالف  
و لام تیر نفی خواجه بیاید و دعا و عد تکبیر مع صد و متو  
متفران و پانصد است این سه هم مرکز اند و خوف است  
و مکر و در و شر و مکر یا بقیلت و تلبیس هر و مکر  
در لوح در و در و خوف و ضعیف کنند یا خود از اندر کاغذ  
ز در بناج نگاه دارد غیر و مکر و کرد و بطریق که وصف  
کرد و مربع کبرایت الحاق یعنی افزاید و هر چه بر مقد  
و اندر که شاید افضل حقیقت بنده هر که در شب اسم بیاید  
گوید حسیبها و تعاف فرشته خلق کند تا روز قیامت عباد  
میکند و ثواب از دنامه اعمال آن بند ثبت میکنند حضرت  
امام علیه السلام فرمود اندر که مضیقه یا کار نماز که ناخدا  
مینویسد از خلل منویم است یا کار که خلل و بلاطین

نفع خود و بدست آوردن علم  
مانند سلطان حاصل شد  
اینها از خود و غیره و از اینها  
عاجات و علو درجات و علو  
اهل علم و عطا این هفت مورد را  
در ایام حضرت یاران و تلبیس بخواند  
هر یک را هر روز و در هر روز  
که در ایام حضرت یاران و تلبیس بخواند  
دو شب از اینها بخواند و هر روز  
چهار شب از اینها بخواند و هر روز  
یا بعد از هر روز

۱۵۸	۱۷۱	۱۶۸	۱۶۵
۱۶۹	۱۶۴	۱۵۹	۱۷۰
۱۶۳	۱۶۶	۱۷۳	۱۶۰
۱۷۲	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۷

همچنین حاجت دهد اگر اهل علم را

هر روز و نماز شب

هر روز و شب و در هر روز

۲	ت	ک	ب	ر
۳	ر	م	ت	ک
ت	ک	ب	ر	م
ر	م	ت	ک	ب
ک	ر	ب	م	ت







٨٥٨

مهر یا و مواضع باشد تا حضرت خستیا خلقی محکوم و متقا  
 و گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند هر که هر چند خستیا  
 گوید بر این نام و خستیا در قبر و دانشها نگذارد و مؤمنانند  
 بخستیا گویند هر که یک هفته هر روز بگوید خواند خداوند جل  
 جلاله فرشته خلق کند تا روز قیامت او کند سیخ  
 فرمود که این سوره از رب العالمین است که اگر کسی آن را بخواند  
 بر حق و مومنان که راه نماید یا از او طالب حقیقت باشند شیخ  
 الذبیحی گویند هر روز نایز نوبت بر این مومنان خواند لطف  
 خداست تا در دنیا و آخرت هم فریاد او باشد و بیرون دوزخ  
 او گردد و در قبر مؤمنان و در حدیث آمده و باشد بر بیعت  
 المصون یعنی خستیا گویند هر چیز بصیر محصور و مشکک است  
 و اگر داند از یکدیگر و حضرت امام علیه السلام و دیگر  
 فرمودند هر که عقیقه طایفه نند باشد باید که هفت روز  
 روز دزد و دزدان را بگوید تا بگوید صد دل بخواند  
 و بربانند و سپاسند خستیا او را و لک صاحب گرامت نماید  
 و اگر نگوید هر روز و روز دزدان بگوید یا شد و نیز روز دزدان



وَمَا كُنَّا بِالْغَفَّارِينَ

19

هر که طالب فصاحت و بلاغت شعر گفتن دانست و طلاق  
لسان بود بداند که این اسم بعد تکبیر مع صد و پنجاه بار  
روزگار گردد و بعد تکبیر این اسم دویست و هشتاد و  
ناباید که چون بمقتور رسد با بخت نتواند خواند هر روز  
صد مرتبه و ششصد بخواند که نکند آه و نشو و نسد بود  
مفتوح حاصل و مربع این الفاظ یعنی پوشانند و شینا  
و معاینه دکان از انواع گناه و تفصیل حصار امام رضا علیه  
السلام چنین فرمود هر که بعد نماز عصر و دوازده و صد  
بگوید یا غفر الله لی دویست و نه مرتبه بخواند و هر روز  
او را نذراند بعضی خواند اندا یا بخت روزگار فرموده اند این  
تکبیر و غفر یا غفر الله لی که دوازده بار در روز و چهار بار در  
خفته و آفتاب و در دست زدند بیکن بگره آیند در حق و  
دعا خیر کنند اگر انعام یا نحو بصر بر دوازده ایمن و اما طریقه  
مغزی یاد و نوع است و عامل بخت است ما نوع آخر افضل  
از اول و مربع این الفاظ یعنی شکند کردن فرزند  
کعبه یا انواع ریخ و خوار افل حقیقت گویند هر که نماید این

م	ص	ق	ر
ق	ر	م	ص
ر	ق	ص	م
ص	م	ر	ق

9.8	9.9	1.2	1.9
1.1	9.	9.0	1..
9.1	1.4	9.5	9.10
9.0	9.3	9.4	1.5

دفعه  
بجای آمد و هر وقت باید  
و ملاک حیات عین و نفس  
این برادر است که اگر کند و هر وقت  
کند از برای حق مانا علی  
و کثر مال برای جهت دفع غیب  
و اندک عفو و اگر کسی  
از این

ر	ا	ف	غ
ف	غ	ر	ا
غ	ف	ا	ر
ا	ر	غ	ف

۲۱۹	۲۲۲	۲۲۸	۲۱۲
۲۲۷	۲۱۳	۲۱۸	۲۲۲
۲۱۴	۲۲۰	۲۲۰	۲۱۷
۲۲۱	۲۱۶	۲۱۵	۲۲۹

কল্যাণ

33

卷之四















# دینش کلیمه میا کدالیزاق

ع م

و خوشنود خدا سبحان جل جلاله مرتب سازد این اسم را عکس کند  
و اسم خود را نیز عکس کند و از مجموعی که کند باقی بچهار قسم  
کند در مرتب بطریق شیخ وضع کند مثلاً اسم یا و ه با بیست  
بسیع عدد اسم محمد بود و دو و مجموع صد هفتاد بود  
عکس طرح کردیم صد باقی ماند و بیست و یک بقیه باشد  
و اگر ماند یک بطریق وضع کردیم تا اسما باشد و مرتب

۲۹	۳۲	۳۵	۲۱
۳۴	۲۲	۳۸	۳۴
۲۳	۳۷	۳۰	۲۷
۳۱	۲۶	۲۴	۳۶

لوزاق بخور و در دهند  
هر روز خوار بدان ملک که عطا  
اوست باشد این نیت که فرشتهها  
بر کشتهها میخوانند و از بزرگ

این اسم دانند در خوشهها پیدا شود بر هر خانه نامی نوشته است  
که در زق کیفیت بر اهل تحقیق گویند که هر که احصا این اسم کند  
باید که طهارت و شرا از بندهها خدا در بیخ ندارد و غم و در محو  
و اهل طریقت گویند که چنانچه طریقت را خود در هر که صد بار  
بگوید این اسم بیاندازد و در روز راه دزدانخانه نباشد و عمو  
این متاکسایت که تنگ و در و در و پیش حال تابند این

غایب و مخفی کند و اگر ملکی  
و دشمن باشد و تنفر و باغی این  
عمل را در این قسم بخوابد و در محراب  
ایستاده و نیت که از جهت تو ای  
در روز چهارشنبه آخر ماه صفر  
از سوره الفتح و سوره الفتح و الفتح و الفتح  
با و نظر افکند و فلان صاقل احدی را  
فقط بخواند از زمانیا یعنی روز اول  
ختم از آنکه بخور و در دهند و در  
سوره فاتحه و هفت بار بخواند و هفت  
سوره فاتحه و هفت بار بخواند و هفت  
ملک صلواتی بخواند بعد از آن در راه  
الرحمن را بخواند بعد از آن در راه  
بکار رسیده و او حید را بعد از آن در راه  
بار و فاتحه بخواند و صد صلوات بخواند  
مؤمنان که سر و زنگنه که در راه  
گردد و محبت و صفت زرق و جلال  
و یا رسیده و صفت زرق و جلال  
بخواند

خبر از دست

خبر از دست

خبر از دست



# در شیر کلمه مبارکه الی ذاق

۲۵

مرغ را با خود دارند بعد کبریا بعد تکبیر را وقت نمایند  
 هر روز پیش از صبح و بایجو و اطراف جوانب عالم دهند و تا نگر  
 کردند در نیاید نیست و در همه ذرات عالم و عد تکبیر این اسم  
 هزار و هشت صد و چهل و پنج مرتبه هر که چهل و نه مرتبه و چهل و  
 تکبیر بخواند خدا تعالی او را چند دنیا کرامت نماید که صف  
 نتوان کردن و توانگر گردد و چهل و یک مرتبه و شصت و  
 متناوب است و اگر هر روز یا بعد بتواند خواند باید که چهل  
 شب و روز چهل مرتبه و چهل و یک مرتبه بخواند و در آخر مرغ  
 بر تشر کنند با خود و در جوار بچین تمام شود و رکعت نماز قبول  
 غم و استیحا دعا بگذارد و دعا کند صد بار خداوند خدا  
 تعالی صفت چشما با و در زانوی فرماید انشاء الله تعالی و مرغ را

۶۲	۵۸	۵۲	۷۶	ر	ز	ا	ق
۸۴	۷۴	۶۴	۸۶	ق	ر	ز	ا
۷۲	۷۸	۹۲	۶۶	ق	ا	ز	ر
۹۰	۶۸	۷۰	۸۰	ز	ر	ا	ق

الفشاح گنایند هر کار نیست هر که خواهد احصا این اسم

بخواند تا طبع است حسنه و ثواب  
 کافیه در دعا عذرا را با حق حضرت  
 و سوره زینب که هر کس بپندارد  
 نماز صبح و در جمیع اوقات  
 در بار این سوره و اجود و صد بار  
 صلوات بفرستد یا از هر کس  
 صلوات علی النبی اکرم الله وجهه  
 هر که در وقت که در آنست  
 شکر و اذکار و دعا و استغاثه  
 را در این کتب و خواهد کرد و گوید  
 بجهت دوست داشتن هر روز  
 ده مرتبه بعد از نماز صبح بخواند و در  
 حق را شاهده نماید و از شیطان  
 اینها بعضی از علما و اهل دعا  
 گفته اند که اگر کسی این سوره را از  
 راه هر حاجتی بخواند آن حاجت  
 برآورده شود



عَنْ زَيْنِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ سَأَلْتُ النَّبِيَّ ﷺ عَنْ الْفَقْرِ



کند باید که کار و بخت که او را پیش آید و نباشد مفتح الا بواب  
بداند که ابواب خست او را نیم گشاده است حصار امام رضا علیه السلام  
فرمودند هر که هر روز بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه بگوید  
و دست بپینه فرو آورد زنا و غفلت دل او برود و هر که  
که او را پیش آید و یک از کار گوید هر که هفتاد بار بگوید  
هر روز هفتاد و نه مرتبه بگوید بخواند که سر حد تکبیر او را  
فتحی و قسوه که هرگز قبض و بطنه بیند در این روز از عالم غیب  
خروج متواتر رسد چند خصایا بطریق مطلق و بی انقیاد  
اما باید که از قرآن عین اسم باز نماید و بعد از این دو روز  
نویسند که هرگز نگویید شرح این اسم چنانکه خواهد آمد و مربع این است

١٢٢	١٢٥	١٢٨	١٣١		ح	ا	ت	ف
١٢٧	١١٥	١٢١	١٢٨		ف	ف	ح	ا
١١٦	١٣٠	١٢٣	١٢٠		ف	ت	ا	ح
١٢٤	١١٩	١١٧	١٢٩		ا	ح	ف	ت



۸ کتابخانه کتبات

Figure 1

عالم الترواحیة اذ اند بحقیقت خود را در بر هیچ کس از انجا  
نکند و متواضع باشد تا عالم اعلام او را بر علوم عالم گردانند  
نام رضا علیه السلام فرماید هر که این اسم را در دل خود بسیار  
از غم اندیشه فراموش کرد و اگر خواهد که از امرهای آگاه شود و  
مستغنی و ضو سازد و دور گشت از بنگار و بیدار سازد  
نویس بخواند این اسم و بار و ضو صلا و بگوید تا در خواست و عالم  
غیب آن مرید نماید اگر این اسم در میان نویسد یا خود از وقت  
از نماز و شبها جمع صلا و صلوات فرستد بعد از آن یک تن  
چهار صد و پنجاه نویسه بخواند مع صلا و صلوات هر روز صلا  
یک و پنجاه و بیانی نهد و صلا و صلوات و تحفه و تحفه بخواند بار  
بار صلا و فرستد تا کار چنان ساخته گردد که قادر خود را در حقیر  
و صفات اطراف و ظاهر و حاصل گردد و اگر همین او را در خاتم  
تقریر کند در آنکس اند و در قتل خود لوح نگام کند و  
بروی کند مراد است و بخوبی و جمعی میگرداند اهل حقیقت گویند  
این اسم است که کوزگان از بزرگترین اسم گویا و دانان گردانند صاحب  
و هو این اسم را خدا تعالی مفرستد کرامت فرماید لوح این

مذہب عالمی

56  
P.P.  
J. J.  
J. J.

بسم الله الرحمن الرحيم



# کتاب فیض القابض

۴۸

۳۷	۴۰	۴۳	۳۰	ع	ل	ی	م
۴۲	۳۱	۳۶	۴۱	ی	م	ع	ل
۳۲	۴۵	۳۸	۳۵	م	ی	ل	ع
۳۹	۳۴	۳۳	۴۴	ل	ع	م	ی

القابض یعنی خداوندی که انچه خواهد بیدار خشک  
 خوش چشم نام رضا علیه السلام فرموده اند که در این  
 قوس باشد و از او ترسد این اسم را سه مرتبه در شب و روز بار  
 بخواند البته در شصت و شصت روز ملاک شود و از او را که در اصل  
 حقیقت گویند هر که چهل روز این اسم را در چهل لقمه نان نوشید  
 بناشتا بخورد خدا بیجا او را از خوف بوج و عذاب ابراهیم گرداند  
 و این عمل مناسب نیست که اول بگوید در آمدن باشد این اسم  
 که ملک الموت بقوت این اسم جانندگان قبض میکند و او این اسم  
 بگوید جانی را که بر از جگر دفع دشمن عدو نکبیل است و عدو نکبیل  
 و هزاره هفت است مع صد و مؤخر پنج هزار و چهار صد  
 و هزار است بگوید خبر بشاد و هزاره هفت و شصت است مع صد  
 پنج هزار و چهار صد و هشتاد است اگر بگوید خبر بشاد خواند و از

ما که در این کتاب است  
 برشت خاک بخواند و بطور دشمن  
 اندازد و طوطی گوید در کار و بیچار  
 خواندناختن و سنگین بابد و اگر  
 بخواند این سور و سلا و ست نامید  
 بخواند این سور و سلا و ست نامید  
 از هر روزی شصت و شصت روز  
 این را و عذر بگوید و شصت روز  
 معصوم این باشد و شصت روز  
 کسی بخواند و در روزی و یک بار این  
 او بر داشت و در روزی و یک بار این  
 سوره را بخواند و در روزی و یک بار این  
 نکر کند و خواند و او در روزی و یک بار  
 خداوند باشد و او در روزی و یک بار  
 سوره الفاتحه بخواند و او در روزی و یک بار  
 معصوم باشد و او در روزی و یک بار  
 و اگر سببش بر او نماند باشد و او  
 و بخواند و او در روزی و یک بار







# در شرح کلیه نیازهای ایستادگی

۵۰

عادت است در این سه شبانه روز یکبار و دو بیت خود و شش عدد  
 پیش از خواب اگر خواند اگر تواند بیعت را در مربع چهار در چهار  
 طریقه سفید کند در محراب خود در پیش سجاده داده و در هر روز  
 میکند برنگین نقره بجز و تکبیر مغیره قشقرک کند و دست را بر  
 وقت خواندن در خاتم نگاه میکند خوشا آنکه آنکه که در دو هم  
 بظاهر و هم بباطن در ایستادگی باشد که سلاطین عسود بر  
 خود نظر خواند این بحسب نیاز و خواست باشد یا که اولیا  
 چندا اگر ام و سخاو کند که اهل دنیا نتوانند کردن نشاط و  
 خرمی در باطن خود دانند و هر مغیره که اصحاب دعوت علافا  
 کند مفرح و شادمان شود و مربع قشقرک کند این که کار او  
 در بر خلائق کشاد شود و دیگر خود را عین بدست آید

۱۷	۲۳	۲۹	۳		ط	س	ا	ب
۲۷	۵	۱۵	۲۵		ا	ب	ط	س
۷	۳۳	۱۹	۱۳		ب	ا	س	ط
۲۱	۱۱	۹	۳۱		س	ط	ب	ا

که قبل از عود هر روز دو بیت و دو بیت که عدد تکبیر

خواند

بخواند و حاجت خود را بخواند  
 بر آید و این سخن را که هر که در این  
 سر شش بار بخواند هر چه در دلش  
 بخواند بر آید و هر چه در دلش  
 بود است و هر چه در دلش بود  
 کند و بداند و هر چه در دلش  
 این بود و بداند و هر چه در دلش  
 خواند و بداند و هر چه در دلش  
 بکلمات و آیه و دعوات و مانت و  
 آنکه طاعت از شیخ خدای عز و جل  
 از خود نقل است که هر که را بخواند  
 آید و بداند و هر چه در دلش  
 بخواهد فعل کند و بداند و هر چه  
 از شیخ خدای عز و جل و بداند و هر چه  
 حضرت رسول و غیره تصور نماید  
 و نظر در آید و هر چه در دلش  
 آید

بخواند و بداند

بخواند و بداند

بخواند و بداند











# در شرح کلیه مناجات کتب الی رافع

بد نرسد اگر خواهند کتب بخوانند یا بشان راجع شود  
و خواص اینهاج بسیار است اگر در دنیا او یکوشتم بطول  
انجامید مختصر کردیم و اگر اسم خلیل چهار حرفی باشد و مکرر  
نداشته باشد بدین طریق که اسم احمد نوشته شد و وضع کند  
و مربع در صفحه مقابل نموده شد الی رافع یعنی دانند که  
خواهد از مرتبه سفلی با علا درجه زرفت این نامیت که انما  
برکت یافتن است و راستاده و ناپادشاهان از املکت انبرکت  
و بزرگ این اسم در سید است اهل تحقیق گویند هر که خواهد  
که احسا اسم رافع کند اول باید نقد که تواند از ارض خلق خدا  
تعارف و از دنا حضرت رافع زایت و ولت او را برافزاید شیخ طریقه  
گوید هر که نیم شب یا نیم روز اسم رافع را صد توب بخواند و بر این  
مد و متنا بد حصص او را از برکت این اسم و خلق برینند  
مکرم گرداند بد خدا و از توانگر و آنچه خواهد دعوت این  
اسم مناجات اهل جا است نصیبا و چون این اسم ورد سازد در  
عمل و دولت مستقیم ماند و روز بروز زیاده کرد و ضارح  
این اسم گوید هر که صد بدست روز شبانه رود نه عند تکبیر عند

و هو العزیز الباقی  
از این و در این کتاب و  
خلاصه و در دفع دشمنان و  
او را بدین نام و در بار خدایا  
این را بدین نام و در بار خدایا  
که حضرت رسول خدا را  
چون در کار و در دنیا و در دنیا  
یا خالص یا خلص یا خلاص یا ایا  
بجای هر مطلب یکبار صد بار  
یا بدین مطلب صد بار و خواهد  
در کتاب مناجات و در دعا و در دعا  
چون از الله و از الله و از الله که  
کتاب بدین گوید هر که صد بدست  
یا خدایا یا خدایا یا خدایا یا خدایا  
یا خدایا یا خدایا یا خدایا یا خدایا











# در شرح کلمات معنی المعنی

۵۴

یا معنی یا غیره در هر شیء سه عدد نیکبیر و در وقت غدا  
 و در هر شب از روز در آخر در عوید چهل یک نوبت یا نوبت  
 میگوید یا غیره یا معنی یا غیره یا نوبت یا نوبت  
 منوال یا او در خط او را غیره یا نوبت یا نوبت  
 بر گویند یا نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 هرگز خوانند که نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 کند که خوردن عادت سازد و عادت یا نوبت یا نوبت  
 نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 سخن گویند از کثرت یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 اختلاف نکند چون را یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 سه نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 حرف او را یا نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 نفس کند خوبتر و نیکوتر بود و یا نوبت یا نوبت  
 و نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 بدین نوع نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 باشد و شرط یا نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت

جز

میزان است که در وقت غدا و در وقت  
 میگوید یا نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 در وقت یا نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 کلام از سخن یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 فلان از سخن یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 بدقت و در وقت یا نوبت یا نوبت یا نوبت  
 و نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت یا نوبت

نوبت یا نوبت

نوبت یا نوبت

یا	م	ع	ز
ع	ز	یا	م
ز	م	ع	یا
م	یا	ز	ع

۲۹	۳۲	۳۵	۳۱
۲۴	۲۲	۲۸	۲۳
۲۳	۳۷	۳۰	۲۷
۳۱	۲۶	۲۴	۳۶

۳۵	۳۸	۳۳	۳۰
۳۲	۳۰	۳۴	۳۲
۳۴	۳۳	۳۷	۳۱
۳۹	۳۹	۳۶	۳۴



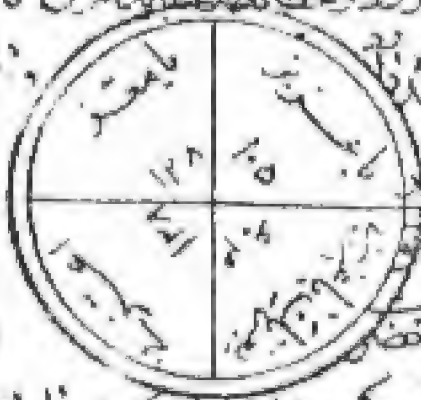




# در سر کتب مبین المذک

۵۸

لوحی از چها اشغال نقره نقره کند و کتبها چاه فهم بخور  
 بسوزد و این مهر بخورد و در پیش چاه نماز خود بنهد و اشیا  
 بخواند و اینچه نظر کند که در دستش و اصل شود و این مهر را  
 برکت و مقصودش نام هر کس که در دستش اندازد یا در پیش و بخورد  
 او دهد ضایع گردد و خطا نکند و خطا نکند که این مهر را از نظر زبان



و با پاک پوشید و  
 تا بخورد و در پیش  
 المذک  
 از آنکه خواهد خضر  
 فرمودند این نام است مظلومان از برکت این نام از ظالمان امان  
 یابند هر که خواهد احصا این اسم کند تا بداند اول خود را بر طریق  
 شروع راست کند از خلافی شروع از او بظهور نیاید از انحصار  
 عزت دشمنان و برادریل و خوار گرداند اصل طریق که بیند هر که  
 خصم خود باشد جا برویها و ظالم و خایف باشد ضو شود  
 و دور گشت تا بگذرد و سر ببرد و مقصودش بفریب  
 اسم را بضرع تمام بخواند و از خود جل جلاله در خواهد

در این مجلس تمام بخواند و در این مجلس  
 بر آورد و در این مجلس تمام بخواند و در این مجلس  
 ادا و آگاه و در بعضی از این مجلس  
 التور را با وضو کرده اند و این مجلس  
 این مجلس را از برای جمع کردن  
 هر دو مقصود و حسن و در این مجلس  
 مجرب است بخورد و در این مجلس  
 سبب بخورد با حق و اوقیت با ملک  
 با دینی خداوند و دینی حلال و  
 با دین است و با دین و دین حلال و  
 با دین است و با دین و دین حلال و  
 فضای خواج و حاج و حاج و حاج  
 مسکنه اولیاء الله و مسکنه  
 علما و شایگان و مسکنه  
 و ان بکست که در ملک و حاج و حاج  
 سبب و در دین و در دین و در دین  
 لا بر آن احد و با وضو و ملک  
 در این مجلس و در این مجلس  
 بکون

بکون غایت و در این

بکون غایت و در این

بکون غایت و در این



# فَیْزِ شَیْرِ کَلِمَةِ مَبِیَّاتِ الْمَدِکُ

تعا ورا این گزیدند و خصم و از خوار و ذلیل باز مرید که باشد  
مغرور گرددند شیخ متغیر گوید اگر کجند خصم نباشد باید دست  
از خاکسته نایب بگردان قصد لایحه کرد یا شهر خصما محاصره  
نباشند در دفع ایستاد غایب نباشد قوت مقاومت نداشته باشد  
باید که پیشتر و از این اسم زد در هر شب بار و روزه هزار نوبت بخواند  
به نیت دفع انحصار الله شمس انحصار مقهور گرداند بخوار و ذلیل  
از غمگینان و گزیدند اگر حصاد غم مهلاک او خواهند چون  
بچهار روز رساند دشمن مهلاک گردد به نیت بزرگوار این اسم  
گویند بخیر عطار در این اسم است قیاسا قواید بشمار این  
اسم رسد اگر خواهد که دعوی بخیر عطار کند اگر غایت نیت  
گردد و قواعد نگاه داشته شصت روز و اگر مثل بطور غایت  
نکرد باشد روز و در هر شب بار و روزه هزار نوبت بخواند  
و دعوی عطار در خاطر دارد و نیت قدرت کند چون  
شرایط نگاه داشته باشد و در هر یک صور عطار در حاکم  
گردد و با حصاد دعوی نیت نماید الا در شصت روز یا نبود و در  
تمام شود عطار حاضر شد و از گوید ای بنده خدا بشما تورا

و غایت شهرت

بجست ملاکات

بجست هر طایفه حاجت

بگویند که گفتند الله دهر النعمان  
العیالی و بعد از مصلحت سبک و الاصل  
العیالی و حاجت از این عالم  
دعایانند که حاجت بگویند این عالم  
نی و نیت و در نیت منوالی از عالم  
معمول از آن که خلف نداده و بیکند  
خلف منجیات که هیچ شیشه در آن  
غیب نیست که سبب منوالی  
در گوشه خلوت بنشیند و در هر  
شب هزار و پنجاه مرتبه الحمد لله  
انقلع رجائی عن الخلق و الحمد لله  
انحصار الله الحمد لله الحمد لله  
بزرگوار و ملاکات حاجت  
اشای که با یابین رسیدگان این  
که بشود در نیت که بکشد و نیت  
نزدیک باشد و در نیت منوالی  
نیت و شیشه با خود



# در شرح کلیه امثال السميع

از دهن من مقصود خید که بد مزاج من و ست تو را طلب است  
 و علم و هنر و عطار و قبول کند مراد از عطار و ملاک عطار آن  
 که حاضر و بگریز باید که حساد و عوشت طلبد مبالغه نماید  
 عطار و نیکه بد و هدا که هیچ و نوشته باشد در خواست کند  
 تا اسم بد و مراد حساد و عوشت که عطار و خواهد این است  
 باز بخوند صور عطار و ملاک عطار حاضر گردد و هر که  
 کند این خواص این اسم است اگر حساد عوشت نماید گوید بطریق  
 یافتن شاید و در مژگانند و مقصود این لوح یافتن است

۱۸۵	۱۹۸	۱۹۵	۱۹۳	یا	م	ذ	ل
۱۹۶	۱۹۱	۱۸۶	۱۹۷	ذ	ل	یا	م
۱۹۰	۱۹۳	۲۰۰	۱۸۷	ل	ذ	م	یا
۱۹۹	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۴	م	یا	ل	ذ

السمیع بخت شونک مراد از بخت بلند اصل حقیقت  
 گویند هر که خواهد حسا اسم کند باید که زبان و گوش از  
 و غیبت نماید و در دنیا لایحه گفتن شنید و نصیر بر آید  
 که اسمی از دهن که نابشر بطریق او اند و مستحق الدعوی گردند

بسم الله

جمعه غایتی باید بود و غنیمت  
 روز و داد و اگر شنبه و شنبه روزی  
 شنبه را دهنه بگریز و عطار و ملاک  
 عطار و مال حلالی و ملاک  
 که کوه و ناخوار از عطار و ملاک  
 دو کف نماز کبی بنیت ساجد  
 صد و بیست و نه کعبه  
 صد و بیست و نه کعبه  
 لکین و بعد از اتمام هر دو  
 بگو لا اله الا انت و هو اللطیف  
 انجیب بختی است اگر که  
 پیش باید و دعا می شود که  
 و بعد از این سه بار عطار و ملاک  
 مراد و در این کعبه با  
 عطار و ملاک عطار و ملاک  
 کتاب با سوره السوره که  
 عطار و ملاک عطار و ملاک

بختی غایتی

بختی غایتی







بخش هفتم

بخش نهم

بخش دهم

قالا لان و دشمنان این امر را حفظ  
و می فرمایند اندک شود است لایله  
ایا انت منجانك فی گفت من  
الطالین ختم باریک است  
انما المؤمنین علی انفسهم  
راحتی کو باید برای طلبی و دوست  
که در اینجا در دزدان است که در  
شد و از برای هر طلب شریعی در  
مسجد یا در خلوت و از دره هزار بار  
بگوید یا علی البیضاء بعد و این  
کلمه است اعظم خداوند است و در  
غفلت دارند از این امر و بیخود  
حاجات و چهل و چهار بار این دو  
بار را بخواند که در جمله تحریکات  
و حضرت رسول در وقت دشواری  
این دو اسم را بسیار  
مخوانید

# در شرح کلیه مباحث و کلمات

۶۲

نظر خالق عز و جل گویند اگر کسی را بستر گردید بر کاغذ مهر فی سطل  
بنویسد در جاود قیوس فی نگاه دارد که هیچ مفسوس ناخود  
شهری فریاد باشد مگر شایسته و الایه و در دیگر و در حال  
هند نزد پادشاهان اجرت و مقر بگرد و در خلایق کم  
سود و هر که از این بد غرض دارد و ممانعت خلوت پیش و گناه  
و هر کار و هر کس که متوجه شود بمقصود رسد در کار و عمل خود  
فتح یابد که مقصود آن نبود باشد حصص مولانا شریف المله و  
البر و چند جا این آیه را آورده اند و در هر یک و در هر یک  
خواص گفته اند از جمله فرمود اند که اگر کسی شک و تردید  
و غلبه بسیار و مرض را باشد این مرتبه را با خود دارد فتح کار  
او ظاهر گردد و روز بروز ترقی در کارها او باشد تا بداند که در  
نگاه دارد و موسم گرفته که خواص بسیار دارد و جسد کند که طرح  
کنند و غلط نکنند و ممانعت نا عامل را مشکل نگردد و شیخ  
فرمود هرگاه بعد کین این آیه را مداومت نماید و خلوت او را هر  
احتیاج بیرون اند نباشد که در جمیع طهارت و اگر کسی خسته گفایت  
ملکی مضرت است بعد قیام نماید مقصود او حاصل شود و مضطربا



# در شرح کلیات مباحث اللمع

۶۳

ملک تواند کرد اما در این نسخه شرح اختصار کنیم و این لوح را  
کتاب یا چند لوح دیگر خوانند و خواص و شروح نوشته شده است  
و اگر زیاده خوانند جو غم نخواهد القرآن کند و مرتع اینست

۱۹۲	۱۹۵	۱۹۸	۱۸۵		نویس	نویس	نویس	نویس
۱۹۷	۱۸۸	۱۹۱	۱۹۶		نویس	نویس	نویس	نویس
۱۸۷	۲۰	۱۹۳	۱۹۰		نویس	نویس	نویس	نویس
۱۹۴	۱۸۹	۱۸۸	۱۹۹		نویس	نویس	نویس	نویس

۴۴	۴۷	۵۲	۴۷		س	ی	ع	س
۵۱	۳۸	۴۳	۴۸		ی	ع	س	س
۴۹	۵۴	۴۵	۴۲		ع	ی	س	س
۴۶	۴۱	۴۰	۵۳		س	ع	ی	س

و در خواص القرآن و در آنکه اگر کسی این نسخه را بخواند  
بیش از غفران بنویسد بشود با کلام صاحب مطهر بود  
او از حق تعالی آید اگر بر صفت خانه بنویسد بر خراب گردد و اگر  
نوشته از آمدن حاج خدا که قوم خود گردد و اگر با بنویسد در  
وضع کند و با خود دارد اما رعایت شایسته کند تا فراموش

بخواند و از این بار خیر و عجب  
و بار و معانی و دست در دزد  
و در هر دو سبب و هفتاد و پنج  
سبب این نامه را خواند و عجب  
کافی با عجب و بافتاح و از دوز  
خبر استغفار در هر دو سبب  
مذکور است که هر که باشد با این  
نامه و در هر دو سبب و عجب  
شود عجب است استغفار از هر دو  
و اگر با این نسخه را بخواند  
بیش از غفران بنویسد بشود با  
کلام صاحب مطهر بود و اگر  
نوشته از آمدن حاج خدا که قوم  
خود گردد و اگر با بنویسد در  
وضع کند و با خود دارد اما  
رعایت شایسته کند تا فراموش

بخواند و از این بار خیر و عجب  
و بار و معانی و دست در دزد  
و در هر دو سبب و هفتاد و پنج  
سبب این نامه را خواند و عجب  
کافی با عجب و بافتاح و از دوز  
خبر استغفار در هر دو سبب  
مذکور است که هر که باشد با این  
نامه و در هر دو سبب و عجب  
شود عجب است استغفار از هر دو  
و اگر با این نسخه را بخواند  
بیش از غفران بنویسد بشود با  
کلام صاحب مطهر بود و اگر  
نوشته از آمدن حاج خدا که قوم  
خود گردد و اگر با بنویسد در  
وضع کند و با خود دارد اما  
رعایت شایسته کند تا فراموش



محمد بن ابی بکر بن محمد بن ابی بکر

三

الحسين بن علي

بجمله اصول دولت و حق و نیک  
محل و لا فقه الا بالله بدست  
موفق گردد از حضرت شاه قاجار  
از کتب ابرار و مال الصالحین  
جایزه باین کلمه مبارک  
و کمال درجه و منزلت  
جمله فرزندان و خدمت  
جوانان و خدمت  
از جمله مشرفان  
هستند و شایسته  
و در صلبه و در طو  
باین آیت  
خبر و کمال  
بفرستد و در  
جهان و در  
باین حق

قَبْرِ هَيْبِ كُلِّ مَيَاوِ كَيْدِ السَّمِيعِ



بلند گردد و در ضیاع بی شرف محتاج نگردد بجه واسطه سابقه  
مردم لوداغی در آن روز قیام متواتر شدند و مقبول القول  
گردد و اگر بخوانند این ایوانی که هست عصر قیام نماید در هر  
روز جمعه چهار روز است و هست بخت بخواند خدا اش را و  
بایست که برساند اگر خود صلاحی بی نیازی باشد اگر در این  
هفته در خلوت خواند و دعا دیگر بطریق و از دنیا نماید و  
یک هزار و نه نوبت این بخواند چون جمع ششم شش سلاطین  
و کابر روزگار و پادشاهان و پادشاهان عالم گردان  
این را خواص بسیار گفته اند و این که می بینیم که از حقیر اگر چه  
و از برف ابریم القواعد من البیت اینهم که بنات قبل  
منا انک الی جمیع العالم و اگر این را از اوله سفید و در  
باین طریق نویسد و بگردن خود نسوزد بپند و در حاکم  
طرد و بر طرف نماید و شرب نیسان بپوشد و در آن ایوان  
و آخر و سر را بکشد و مرغ نر و نر و نر و نر و نر و نر و نر  
معاذ خوار و در عالم غیب از اعلام گردانند بمقصود  
و این هم از برکت التبع است و اگر کتاب این مضمون روز پنجشنبه









عجله استخوانها

بجهره عجله

بجهره عجله

ما ز صبح سرور ز غایت و شوق  
رو بطلد با و منو بخواند و در اول  
دور کشت نماز طبع بخواند و قبل  
سبحه قتل و انچه نیستد در روزهای  
دیگر نماز ندارد اما صاحب کمال  
در سبب بفرستد و طلب نماید که نماز  
داگر را اول شریع نماز بداند و بعد  
بعد از اکل است و بنا بر این طلب  
ما قبله بین التماس و کمالنا عجله  
لا یلینا و آخر ما و کمالنا عجله  
و کمالنا عجله و کمالنا عجله  
صحنه عجله و کمالنا عجله  
بخواند الله تعالی انچه عجله  
عجله و کمالنا عجله و کمالنا عجله  
التم دعا و کمالنا عجله و کمالنا عجله  
شانه عجله و کمالنا عجله و کمالنا عجله  
الشیان عجله و کمالنا عجله و کمالنا عجله

# در شی کل مایه البصیر

ع

صد نیکو نب بخواند یقین او در دست گردد بنظر اعنایت  
مکاشفا امر را تمام الله تعالی و دیگر اهل خفیت گویند هر که دعا  
بر زبانش کند و توفیق نماید که دست انابت بزرگراه صحرای  
و دعا کند این دل ناید از خود دعا یا سمیع یا بصیر گوید البته حقا  
دعا او را با حاجت مقرون گرداند و در دعا التماس نمود از جمله  
شرایط است و دعوائی اسم مستجاب نیست که در کارها فراموش  
ناباشند امری که بر ایشان مشکل گشته و در راهها خسته گرد  
شد باشند شیخ متذکر گوید که چهار روز هر روز بخواند  
تکرار کند و بعد تکبیر شیخ متذکر گوید که هر روز شصت و شصت  
تکبیر و هشت هزار و سیصد و بیست و پنج صدمه و موخوشان  
هزار و شصت و بیست و پنج است شرایط که خوردن که گشتن که خفتن  
و نظرات غارم نگاه داشتن اگر بقیه شود دست خواند اگر با  
در خلوت باشد یا جمیع مرادات بر دنیا و صفا ظاهر و باطن  
مهمی مقصد که طلب جلد بعد دعا او گرد و کارها بر کمال اوج  
گردد و او را لاجرم غلبه حاصل شود که هرگز از پیشتر گذرد و بهتر  
موانع و خوف که نام او را بداند بزرگوار این اسم و بعد از صبح



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



هر روز شانزده هزار و شصت و پنج نوبت که عدد کبیر است بخواند و اگر بیشتر کند بعد از هزار و شصت و پنج نوبت بخواند و تا حالت مستقیم گردد و مقیم نماید و معاویه سعی بر افروزد

۷۴	۸۳	۹۲	۵۳		ب	ص	ی	ر
۸۹	۵۶	۷۱	۸۶		ی	ر	ب	ص
۵۹	۹۸	۷۷	۶۸		ر	ی	ص	ب
۸۰	۶۵	۶۲	۹۵		ص	ب	ر	ی

الحکم فی ذلک و قد اکتد بحکم خویش تا خلق را از  
باطل این نایت که متغیر است بر کسین قریاضه انداجو الذمیک  
هر که درین شب چند بگوید که از خود برو و از حق باطن و در  
انوار خود گرداند دراز عالم غیبی و گشاده گردد اگر نیاز بان  
نیام نماید معافا باطن و ظاهر نماید از ان شود که بود و قریب بخودند

12	11	22	9		م	ك	ح	ب
22	10	15	20		ح	ب	م	ك
11	26	17	12		ب	ح	ك	م
18	12	12	25		ك	م	ب	ح

[illegible]

بجہد و مطالبہ

五



# در شی کلیمه مبنا العدل

۸

العدل یعنی خداوند دانست که دار و دانست گناه روزگار  
برعد و مقدا انجیر انینا نیست که سحر فرعون بهر کتا نیتا سلا  
شدند هر که خواهد که دعوی این اسم کند باید که تا خدا بشا عدل  
و احسان پیش گیرد تا حصر عادل بود هد هر چه مستحقان باشد  
و نخواهد که از جز عدل و احسان ظاهر شود و اعتقاد کند که امور  
و احکام عادل بر عدل احسانها دانست و هر که ظلم کرد سایر  
کبریا حصر عادل نگردید است من جمیع الوجوه اهل تحقیق گویند  
هر شب بحیر این اسم و بر نیفت و یکبار ده نان حلال بنویسد  
بخورد حصر عزرا و از کار نامر مونا باز دارد و خلائی نامر  
لو گرداند دل و را حصر ماسرا و خود گرداند برانست و روزی که  
و قلبه دل و را ابر دارد و ظلم از ناظر او بدد و دعوی  
این اسم کلمه راست که بظلم ظالمان جور بخیزان که هزار سال  
ناشد پی پیغوز بصد و شر بپند کوزید و گوید این اسم  
قیام نماید پیش از کلام بعد از اذان و فراموش شام حصر مال عالم  
انرا بران ظالمان مبتلا گرداند و جباران را مقهور سازد و اگر چه  
نماز صبح که هنوز درین نیا تکلم نکند بعد تکبیر و توبه نکند

کند

رسید او در دایم حضرت روز  
بکشید هر کس و رسا عتلا و عدل  
نماز صبح چهار صد و هشتاد و نه  
سوره فاتحه پنج دفع و سوره یس را بدین  
روش صد بار حلال و الحکم  
بیت و سوره یس گوید یا الحکم  
فقال مال به طاعت کرامت نماز  
روز و سوره یس رسا عتلا و عدل  
سوره یس گوید یا فانیض و عدل  
هر چه بد را که خواهد عتلا و عدل  
چهار شنبه رسا عتلا و عدل که با عدل  
چهل و یک بار بگوید یا سنا لعدل  
روز دبا و لغز و با عدل اول صبح  
چشمه هر که دو ساعت با عدل خداوند  
هشت سوره یس گوید یا عدل خداوند  
اعتلا و عدل مال با عدل و حقیقت  
خداوند و عدل و حقیقت  
چهار سال

چهار سال

چهار سال

چهار سال







# شرح کلمه مبارکه اَللّٰهُمَّ

۷۰

و نیز بگوئی سَفِّتِ نوازش قلم نماید تا ایزدگار او را مظهر  
خود گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود اند که هر کس هر روز  
هشتاد و نوبت بخواند این اسم را از هیچ مقصود نا مراد نگردد  
و مدام او کفایت شود شیخ معترف فرمود فکر کن که هیچ نداشته  
باشد از شما مبحث در پیش خال بود باد و رافاد باشد  
از دیار رود و شما با غایب داند یا در خیر نباشد یا بد  
که از علاج عاجز باشد یا مراد داند که بدینان شوالیست یا نه  
که کفایت عیبش این جمله که گفته شد بخواهد که ساخته  
بدینانست که غسل کند با وضو کامل سازد و در کف نماز  
با خضوع و خضوع کند چون سلام باز دهد هیچ نا بر و بیجا  
با طلب سلام متوجه قبله صدق بگوید اَللّٰهُمَّ بِنَبِّیِّکَ عَلَیَّ  
و مراد آن حاصل گردد و مدام کفایت شود و مقاصد نوعی  
شود که در تصور نباید که از اکابر در خواص این اسم فرمود  
فیها اسرار عجیبه و اعجاز جلیل فی التفسیر فی انبان جمیع ما یطلب  
فی الخلو امر البکاشفا و البلیا و اماره اربعه الکالیة الظاهره  
و الباطنیة و حصول تیرة الحجة دفع التذلید الا لام یسکر

در حدیث

مبارکات بسیار که از آل قاضیا  
عنا آتانا بمعنی غفرنا لکم  
و در ذلک العلوم الثانیة و التثانیة  
و ان کنتم الحضور و التثانیة  
ما یصلیک خالق الله و رزاق  
مفلس که در این اسم بگوید  
یا علی یا محمد و در دیار بار  
صلوات بر کوی باب الحیدر و در  
الا الله محمد رسول الله بگوید و در  
بار صلوات بفرستد بعد از صلوات  
بار دعا بگوید و مؤمنان و کفار  
با و ظالم که التبرکات المبرکات  
نکو بگردان بعضی از ائمه و در  
شد که هر که از سببان ما را ملکه  
مقصود عبادت بود باشد در کار خود  
درماند باشد و هیچ و بیجا  
از کار دانا ند  
صلوات

هر کس که بخواند

هر کس که بخواند

هر کس که بخواند











# شرح کلمه مبارک الجبر

۷۳

خواهد که احصا این اسم کند بدعوت این نام قیام نماید و آن را  
که بایندگان خداست ظاهر و باطن را پا ک گرداند و اندیشه بد  
از دل بیرون کند و با همه کس بر فوق و مدا و شفقت و مهر و  
سلوک کند تا خضر خیر او را از اسرار قلوب باخبر گرداند  
و عمو این اسم شایسته آنست که بعد فعلی گرفته باشد حضرت  
امام رضا علیه السلام فرمود اند هر که این اسم بیست و یک بار در  
شب طواف و سجده و تلاوت و بلاهای ناگهان بپزداید تا معده  
معین کرده اند شیخ ابوالعباس فرمود هر که بیست و یک بار بخواند  
تا بیست و یک روز از شر نفس و جلد حیوان و مکر خصما محفوظ ماند  
و دانا شود بر سر دشمنان که باشد از ضمایر و اندیشه که در خاطر  
خلایق باشد از سر خواص اینها و غیره واقف شود و عدالت کثیر  
انتم دو هزار و چهارصد و شصت و شصت و عدالت کثیر مع صد  
موت و چهار هزار و هشتصد و چهل و دو عدالت و تربیت

۲۲	۲۰۵	۲۱۰	۱۶۵		ر	ی	ب	خ
۲۰۹	۱۹۴	۲۰۱	۲۰۸		ب	خ	ر	ی
۱۹۷	۲۱۲	۲۰۳	۲۰۰		خ	ب	ی	ر
۲۰۴	۱۹۹	۱۹۸	۲۸۱		ی	ر	خ	ب

عمر بن الخطاب

عمر بن الخطاب

عمر بن الخطاب

ماهی بود و باشد و متاخر  
این کلمات را بخواند یا وضو در وقت  
دیدن تکبیر و غیره یا بعد از نماز  
علی یا فاطمه یا صاحب الزمان  
از یک کلمه لا اله الا الله و بیضا  
گفتند از وی مطلب که بخواهد  
شد از برای هر مطلب که بخواهد  
انصاف در معنی کتب دارند و اشک  
اگر که با وضو در خلوت بخواند  
و تا شب یکصد و بیست و یک بار  
چهار هزار و چهارصد و بیست و یک  
ربع و بیست و یک بار یا بیست و یک  
موت و بیست و یک بار یا بیست و یک  
از برای او بیست و یک بار یا بیست و یک  
از بیست و یک بار یا بیست و یک  
و غیره و غیره و غیره



# در شرح حکمت مینا و کبریا حکیم

۷۲

الحکیم بجهت برد بار و ناچر کنند و عفویت عاصیا مباد  
 که غایب شدن از ان عالم قدیم مکنی باشد تمام مخلوق قادر  
 قدرت و بند عاصیا و مجرم از دست قدرت او شوند گریخته  
 اهل نجات گویند که مرتب و مرکب شداد و طهارت مخلوق و اقامت  
 عالم برکت این است اهل طریقت گویند هر که خواصده که  
 احصا این اسم کند اول باید که باب علم آن ختم خوف و نشأ  
 و هر چند خلایق و طریقت عایت نکند که تحمل و برز بار  
 شای خود سازد تا اگر گنیه و نراییا زارد بر او شقیقت و رحمت  
 نماید قهر نکند غضب نکند و گوید باز خود کمال توانائی  
 قدر بر غضب و عرش برینندگان افران خود علم میزند  
 و گویند بخواب میرساند و هر چند گناه و بیهوده میکند و بر  
 بر سر ایشان بپوشد و در وقت استراشان جبر می کند تا شام  
 حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که هر که بر او گشتن خشن  
 باین شایدا بر بگوید الحکیم خشم سلطان بجلد مبدل گردد  
 و اگر در وقت بدین گشتن جبهت برکت ذاعت این اسم در کاغذ  
 بنویسد و آن را بپوشاید بهر زمین که رسد در آن برکت زیاد

مستند

که با بقا و خبر بکرم قادر و باری است  
 و در ذالک امرش قطره و عدل ندارد  
 خست و متلا و بجهت و حکمت و قدرت  
 دونه نام هلالی و دردی و غلزار  
 متلا و غیره و چون متلا نام شود  
 مطلب هم آورد و خواهد شد از آن  
 الله عظیم ندارد و بقیه و از آن  
 شجره و بندگان در بگفتند که اگر  
 خورشید و صورت و طلبگاه و فقر  
 من و سلاطین و بندگان در دین  
 مجلس و در وقت استراحت و باین  
 را در صانع کرد و در هر وقت خواهد  
 عده بخواند باشد تا بر خواصده  
 بود و معذرت و بکشد و شاد  
 با و بپوشد و استراحت باین  
 الحکیم الله و اید لا اله الا هو  
 الرحمن الرحیم و بگویند

جهت برکت

جهت برکت و شکر و ستایش

جهت برکت و شکر



# شرح کلیه ذکاء الحلیم

۷۵

شود و از حاصل متمتع و بر خوردار گردد و از خوردن عذراف  
 ساله مانند و عوا این اسم مناسب گمانه باشد که عوف از ظالم  
 باشد با جور جبار این اسم را بسیار خواند و مع شود از دشمنان  
 ظالم و اگر مد او مت نماید بعد از هر نماز هفت نوبت  
 زایل گردد از خوئی بد و کبر و حسد بخل و پاک گردد از افلاک  
 ذمیه و او مبرا هیچ عقوبت بد را از خود نیست شیخ مغرب  
 فرمود که هر که بر این اسم را یک نوبت فاتحه الکتاب یا از نوبت اسم  
 الحلیم بخواند و بر آن دست خدایتان بپاورد و از شفا دهد این  
 بزرگان از مود اند و اگر کسی را میسر گردد که نود و نه روز بعد  
 نکسیر بخواند بشر آید و کور او را بود خلی که اگر جباران عالم پر  
 جور و ظلم کنند و آن صبر کنند بر بار و رزد و حلم او بر تیر  
 رسد که سلاطین عرصه بر خط فرمان او هستند چون از  
 مطیع مسخر و گردند اگر تقوا را رعایت کند بر تیر رسد  
 رسد صفا باطن و جلالت علم و خواص است او را میسر  
 بلکه نزد قایل عالم مطلع شود اما او را در ختم این اسم همین باید  
 که اگر گنجهای عالم بر او ظاهر سازند نظر ندان کند از همه چیز باز

کند فکری که باشد با این  
 راند احدی را غالب شود و از  
 که با او است غیرت است و از این  
 از علل و فواید آن که در این باب  
 هفت خاصیت است و هفت در دست  
 و قدرت و جاه و حشمت و در  
 حسی الله و لا اله الا هو و لا  
 و نور رب العزیز العظیم و عدد این  
 را بعد از دو خواندن آن گفته اند که هر که  
 هر روز هفتاد بار بخواند و از هر  
 دنیا و کتاب شود و اگر بخواند  
 را بخورد و در این اثر را بداند  
 را در حق لفظ اولی و اولی  
 نام علی از این ایضا  
 چهار دفعه بخواند و شنب  
 چهار دفعه بخواند و شنب  
 چهار دفعه بخواند و شنب







شیخ کلہ مینا العظیم

✓ ✓

که وهم وادراک او را در یابدان نایست که ملائکه و رسل از  
این نام بیچاره اند اهل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این  
کند باید که نفس خود را خازن ذلیل اند و امر و فرمان خداوند  
عظیم را من الوجوه کردن نهاده نظم کند خلاف فرمان و نکند  
ناحضر عزت او را معظم کند بجا که هر که در دروا و نظر کند  
اخیلا و برا عظمت کند او را در اکر نکند و شیخ فرموده  
هر که مذمت نماید بخواند این اسم در باطن خود را بگوید  
و حسنه او را عظیم القدر گرداند در میانندگان خود عزیز  
و مکرم گرداند و دعوی این اسم متکلفانست که طالب مرتبه و <sup>عظیم</sup>  
وجا و بزرگی و عظمت باشند آنها که بدین مرتبه نیسند  
خواهند که در آن مقیم باشند اگر کسی خوار و ذلیل باشد و <sup>اهل</sup>  
کاذب و غیر فضیلت سدید باشد که اهل سرخ و بطلا این <sup>جنام</sup> اسم

۵۲	۵۵	۵۸	۴۵	ع	ظ	ی	م
۵۷	۴۶	۵۱	۵۶	ی	م	ع	ظ
۴۷	ج	۵۳	۵۰	م	ی	ظ	ع
۵۴	۴۹	۴۸	۵۹	ظ	ع	م	ی

5

3

محمد بن عبد الله بن محمد بن عبد الله

محمد صالح

[illegible]



# در شرح کلیات کلام العظیم

۷۸

در جهاد و شرافت اب بدان بنویسد اگر مقیر نشود بر کاغذ  
هم پیشو که بناد بکشد بنویسد عظیم را اما باین روش که در  
نمود شد ناخود دارد و اگر این مرتبه دیگر ناخود دارد که ع  
از تکبیر مکتب خاصه سید العلماء است بنهاد بطریق فوق که  
شد طرح کنند که بنهند عداوح فصد و درج و در  
هفتد کمر او دامت این مرتبه با خود دارد و هر دو بار  
عد تکبیر بخواند شیخ مغرب فرماید که هر که ایند عو کند و  
ناخود دارد و چهل روز سلطنت و زمین بیابان است که  
سلطنت او دوام کرد و آخر و حج او نازل شد از برکت عظیم  
نکریم بر اسم بود و حکما جمل و این مرتبه از یکد بودند و بد  
از عجایب غریب عالم فار خود را بد جاعلی می رسانند و  
از این نام هر روز یکبار تکبیر بخواند تا اتمام ذرات عظیم  
و در عظیم امور و حضر عظیم نصیر نکند پس لازم بود بر ولایت  
عد تکبیر آوردن عد تکبیر و هزار و بیست و یازد  
عد تکبیر هزار و صد بیست و دوات عد تکبیر مع صد  
مؤخر شصت و دوازده است مجموع هفتاد و سه و بیست و

الغیر

عظیمه دفع کل البیوت و دفع کل  
انوار فتوح قناح از برای کمال  
مهاشات و حصول منزلت کمال  
جود و در سبک بطلان دفع  
این کلمات را در و هر دو و بیست و  
بار بخواند این است و گفتنی است  
و گفتنی است نصیر از کفر با این شیخ  
و گفتنی است علما و گفتنی است  
و گفتنی است شیخ علی الشیخ  
و گفتنی است که در و بیست و  
خلاصی از عداوت و در و بیست و  
نظر آید از کد و در و بیست و  
باب بیع السماوات و الارض مانع  
خدا شفا من و من السماوات  
انتم و هذا الزمان و کل ما  
انتم و هذا الزمان و کل ما  
من السماوات و الارض و کل ما  
من السماوات و الارض و کل ما  
من السماوات و الارض و کل ما

محمد کاظم

محمد خاوری

محمد باقر















# در سر کلام مینا العبد

بملوک و سلاطین باید خواص را در امانت و نوشتن باید  
که اقداب و برج اسد باشد تا نوزده درجه حل و قمر باشد  
ناظر بود و از نحسین و در باشد خراف هیچ کوکب نباشد و  
چهر کتابت این لوح و حسا و بخورد بوزد و در جاش بر  
و خلوت باک و تنها جایز دارند و با حضور دل نویسد اگر بایز  
روز هر روز سه هزار و سیصد مرتبه و سه نوبت بعد  
از نماز بگوید و ما بر دم که اختلاط کند و در خلوت بخورد  
و نماز جماعت بگذارد و بخورد و اگر تواند در این راه هر  
غسل کند دایم جامه های پاک در پوشد چون از نمازها بیجا  
فارغ شود بخواند آیه الکرسی قیام نماید تا خبر گردد باطن و از  
علم الهی و علوم غریبه عجایب غریب عالم و خواص این  
اطاعت سلاطین و اوقاف شود و دوستی خلافت چنانکه  
هر کس را بپندارند روزی در سخن بوده باشد مطیع و گرد  
نام او شنود محبت گردد و محبوب مخلوق شود و هیچ کس او بد  
نرود و در امور دنیا حاکم خلافت شود و هر کس که توجه  
اسلام آورد و ایند بخوبی قضا قوی هر شب که کند اما

ملک بماند و در دستش باد  
بگوید یا منطوق الایمان الیک  
مقصودش خالص و پاک و اگر در سخن  
شیرین و شیرین کند و دست بدعا بر  
تا شیرین کند این را سبب  
دوازده مرتبه بگوید یا منطوق  
و از او طاعت و بیاورد و عظم  
و در کمالی مطیع باشد عظم  
شاید هیچ کس را با حق بگوید  
از دعا و استدعا باز و در این  
مقصود حاصل شود و پاک و در این  
و دستور عمل کند البته مقصود  
و چون دعا تمام شود بگوید یا  
بگوید یا ارحم الراحمین و بعد  
نوبت صلوات بفرستد و بعد  
بگوید یا منطوق یا الله و علی  
کنند و دعا و دعا  
استغفار

خداوند بزرگوار

خداوند بزرگوار

خداوند بزرگوار



# در شرح کلیه مبانی الکیبر

۸۳

باید که بعد از دعوت هر روز صدقه نوبت بگوید که عدد  
نام است و اگر خواهد زیاد خواند باید که در شبان روز بعد  
تکبیر حر و موقوفه اسم که بکشد و یکصد شتاب بکشد  
مع صد و موخر بخواند این عدد نیز اثر تمام دارد و در نسخه  
آورد که هر که از جهل زیاد دولت خود یاد بگیرد هر روز  
بازده نوبت بخواند طلب خایه و رفت کند بیاید آنچه مقصود است

۲۵۸	۲۶۱	۲۶۴	۲۵۰		ی	ل	ع	ال
۲۶۳	۲۵۱	۲۵۷		۲۶۲	ع	ال	ی	ل
۲۵۲	۲۶۶	۲۵۹	۲۵۶		ال	ع	ل	ی
۲۶۵	۲۵۳	۲۵۵	۲۶۰		ل	ی	ال	ع

الکیبر یعنی حکم بزرگ و پاک ذات و از صورت و لیا و شبهه  
مثال شیخ جلال الدین فرموده که روزی از شیخ بزرگه سوال  
کردم چون که شرح این اسم نوشته شد است شیخ فرمود  
که از هیبت این نام اسمها و زمینها و عرش و کرسی و بهشت  
و لوح و قلم بفرمان برد و ثابت اند هر که خواهد که دعوی این اسم  
اعظم کند باید که حشر کبیر را بزرگ خواند و بزرگ دانند هیچ

باید که بعد از دعوت هر روز صدقه نوبت بگوید که عدد  
نام است و اگر خواهد زیاد خواند باید که در شبان روز بعد  
تکبیر حر و موقوفه اسم که بکشد و یکصد شتاب بکشد  
مع صد و موخر بخواند این عدد نیز اثر تمام دارد و در نسخه  
آورد که هر که از جهل زیاد دولت خود یاد بگیرد هر روز  
بازده نوبت بخواند طلب خایه و رفت کند بیاید آنچه مقصود است

باید که بعد از دعوت هر روز صدقه نوبت بگوید که عدد  
نام است و اگر خواهد زیاد خواند باید که در شبان روز بعد  
تکبیر حر و موقوفه اسم که بکشد و یکصد شتاب بکشد  
مع صد و موخر بخواند این عدد نیز اثر تمام دارد و در نسخه  
آورد که هر که از جهل زیاد دولت خود یاد بگیرد هر روز  
بازده نوبت بخواند طلب خایه و رفت کند بیاید آنچه مقصود است

باید که بعد از دعوت هر روز صدقه نوبت بگوید که عدد  
نام است و اگر خواهد زیاد خواند باید که در شبان روز بعد  
تکبیر حر و موقوفه اسم که بکشد و یکصد شتاب بکشد  
مع صد و موخر بخواند این عدد نیز اثر تمام دارد و در نسخه  
آورد که هر که از جهل زیاد دولت خود یاد بگیرد هر روز  
بازده نوبت بخواند طلب خایه و رفت کند بیاید آنچه مقصود است







# کتاب الکبیر

۸۵

بار بخواند و اگر زیاده خواند مایه نیست و بنا بر خاتمی انصراف  
خالص و بیاعتناست و نظرات خو چون شلیت و نند  
و شرف سعد بن نصر کند و وفایم را بران خاتم باین طریق  
اما باید که چون خاتم تمام شود روز یکشنبه یا دوشنبه یا سه

۵۷	۶۱	۶۴		۵۰	ر	ی	ب	ک
۶۲	۵۱	۶۶	۶۲		ب	ک	ر	ی
۵۲	۶۶	۵۹	۵۵		ک	ب	ی	ر
۶	۵۳	۵۲	۶۵		ی	ر	ک	ب

پیش از صبح غسل کند و آب و آن را در خانه خلط و شر و وضو  
بگذارد و استغفار گوید و در دو فرستادن نگاه خاتم در انگشت  
کند و بوی استاده و عود کند باید اول تا بظیم و وضو دل بگوید یا  
کبیر یا کبیر و در جین عود و رقص خاتم نظر می کند و صفتی هم  
مدعی می کند و در آخر هر مجلس می گوید یا کبیر یا کبیر و چند  
نوبت در دو فرستادن دلا و آخر هر دو فرستادن سب  
اجابت غایت و در عود کبیر شرح این اسم نوشتند و عمل می  
اند و بعضی از بزرگان فرموده اند که ندانم سار و صبیح و شبان

همین را استخوانند و دعا می خوانند  
در آن روز و در جین عود و رقص  
کتاب الکبیر را در آن روز و در جین  
عود و رقص خاتم نظر می کند  
و صفتی هم مدعی می کند و در آخر  
هر مجلس می گوید یا کبیر یا کبیر  
و چند نوبت در دو فرستادن سب  
اجابت غایت و در عود کبیر  
شرح این اسم نوشتند و عمل می  
اند و بعضی از بزرگان فرموده  
اند که ندانم سار و صبیح و شبان



محمد بن عبد الله بن عبد الوهاب

محمد باقر کمالی و کرمه

جنتی اور جنتی

جميع علماء است و از انا نیست که  
 دزد و شنید در دیوار است و بیچار  
 چهار دانه یک بر چند می و مفت  
 دانه را بدست راست و می و مفت  
 دانه یک است چپ و یکهای دین  
 راست و باطن است و دست  
 چپ باطن است گذاشت و عقده و  
 و گشت نما از طاعت بگذارد و در هر  
 بنا از یکهای طاعت است و هر یک  
 ملوای بفرستد یک بار است که علم  
 او شنای و صلوات و شایر میشود  
 مجموع مسجود و شایر میشود  
 و عدد یکهای طاعت است که یکی  
 ده مرتبه چهار ضرب و پنجوازی که یکی  
 که بر او شایر شود و یکی که یکی  
 و بعد از آن دست برد و حاجت بخواهد  
 ملوک از خدا بخواهد  
 که

کتاب فی کلہ صیغۃ الخط

بعد از خواندن نود اجابت است و عدد اول هفت هزار است  
الجهنم یعنی نگاه دارند هر چیز را بخیر است و بود اینست  
که نوح پیغمبر علیه السلام از برکت اینها از عذاب طوفان نجات  
یافت هر که خواند احصا این اسم کند اول باید که دل و چشم را  
و دست خود را از جمله منشا و خطایان نگاه دارد تا حاضر حفظ او  
از غیبات محفوظ دارد و شیخ میگوید هر که خواست از غرق شدن  
و سوختن افس و سردی و یون و دیگر حرام ایمن بود این اسم بنویسد  
بنویسد سنا و بر باز و بنزدان نکبات ایمن بود حضرت امام رضا علیه  
السلام فرمودند هر که بعد از این اسم که نه صد و هشت است  
مکره در روز جمعه بماند بنویسد بخیر باز یک طومار کند  
و بر باز و بنزدان و سوسه شیطا و خوف سلطان و بیم سباع و ما  
و غنم و حیوانات فاسد را مانع باشد بود باشد و شیخ فرموده

۲۳۸	۲۵۷	۲۶۶		۲۴۷	ح	ف	ی	ظ
۲۶۳	۲۷۲	۲۸۵	۲۹۴		ی	ظ	ح	ف
۲۳۳	۲۷۲	۲۵۱	۲۴۲		ظ	ی	ف	ح
۲۵۴	۲۳۹	۲۳۶	۲۲۹		ف	ح	ظ	ی

55











وَرَبِّ سَبْعَ كَلِمَاتٍ أُنْزِلَ فِيهَا الْحَقُّ



از جمله افاضات پناه و شرف و شهنشاه و مکاران و قهر و  
و یکدمان و سحر و خوار و پناه و یکدمان و شرف و شهنشاه و مکاران و قهر و  
ازمان محفوظ باشد پیوسته در کف غایت و جزو غایت  
حققت باشد باطن و او بود جبهه و سلافت و سلافت و سلافت  
نماست ایند که خرد و از یکبار نگاه دارد که اسم غلام است و  
حضر غریب جل جلاله حافظ و ناظر است اما باید که خاطر از  
اندیشه دور دارد و بنوعی میگوید که اگر وضو نداشته باشد  
کند اگر بیشتر نشوینم کند بد وقت غایت و قضا حاجت  
الواح از خود دور کند و غریب دارد نامقاصد بیک و بیک  
میتواند و در آن مدام بنامد و بعضی عدد تکبیر الحفیظ  
شهر و یکصد هفتاد و چهار عدات مع صد و موخر و  
فرد و یکصد و چهل و هفت عدات عدد تکبیر الحفیظ  
فرد و یکصد و چهل عدات مع صد و موخر و هزار و یک  
چهل و هشت عدات عدد تکبیر الحفیظ و هزار و نه صد و  
چهل عدات مع صد و موخر و پنجاه و نه صد و هشتاد  
عدات عدد اصل الحفیظ و نه صد و هشت عدات







در سر کلمه مینا الحیدر

—

موسیر کوزه پستی خوانند یا غرقا تمام و با بند درون کوزه  
دعای می کنند از آن آب بنیاشامد جمله علتها اندکوزد  
بود و در بنیاشامد کند از دکان او را صبر کرامت نماید  
نشک پیرو اگر بعد تکبیر قبول شیخ که در از د فتر روی  
نمود عداست مع صد و مؤخر رخاله بان خواند از دکان  
نگاه دارد در قلیلا الصبر که او در حین جوع عطش قدر  
از آن حال بابت میکند و بگوید از این تمام حاصل کرد  
عمره و از آن بعد موطن باز رسد و از آن کام و توانگر امام جمیع

۱۳۷	۱۳۶	۱۳۵		۱۳۵	م	ق	ع	ت
۱۳۲	۱۳۱	۱۳۰	۱۲۹		ی	ن	م	ق
۱۲۷	۱۲۵	۱۲۸	۱۲۵		ن	ی	ق	م
۱۲۹	۱۳۴	۱۳۳	۱۳۲		ق	م	ن	ی

الحبيب محمد خدای پسند بگذاشت خلافت و روضا  
کردن حاجات دفع بلیا ایضا نیست که کرام الکاتبین بگزار  
بندگان بزرگوارین اسم خلاص فی اینست و حضرت امام رضا  
السلام فرمودند هر که از حقه دفع دشمن قوی و کند در

علی بن ابی طالب  
 رضا خوانده شد و در این  
 بل حضرت خود در فرار از عجم  
 و ابتدا از دوزخ جدا گردید  
 هم کند در میان کوه و مانند  
 همه تا آنکه به نسیان رسید  
 بکشته و از اینها اندوخته  
 از آن با صفت سینه باقی  
 همان نسیان است از آن  
 چنانکه از آنرا ال و از آن  
 حضرت اقا جبر علیه السلام  
 که جان سپرد و خود را در  
 هم خوانده و از خود جدا کرد  
 از آنکه از آن جدا شد و در  
 و بپای خود اندک و از این  
 و آنرا از آن جدا کرد و از  
 و آنرا از آن جدا کرد و از







# دشمن کلاه مینا الجید

۹۲

در اسد یا حمل باشد چنانچه ناظر و قمر از منقوش سانساط نبوی  
و ناخود دارد و هر روز بیت و یکونیت بخواند بر خود دینا اگر همه  
دشمن او گردند هیچ وقت بفرزند او اگر شش و بیست و شش روز  
باشد او را از سلطان بیم بخواهد و این مزج ناخود دارد و چون در

چشم بر باد	جبه	رتبه	من کل مرتبه
اسم میخواند اندک حکا	مرتبه	من کل	رتبه جبه
با او سخن گویند هر چه گوید	رتبه	جبه	مرتبه من کل
در جوار خداست اشک	مرتبه من کل	جبه	رتبه
بر درجه و مهر مان گردند			

و از نظر او ساله بر و آید باید که با او چندین شفق  
مویخت نماید چندانکه خلاق از او حیران باشند این از سحر  
الجید است اگر بر اطلال سبز بطل نوید بخت و قوت مبارک

ح	س	ی	ب	۵	۱۹	۲۵	۳۱
ی	ب	ح	س		۲۹	۷	۱۷
ب	ی	س	ح		۹	۳۵	۲۱
س	ح	ب	ی		۲۲	۱۳	۱۱

مجدد بار خواند در هر روزی  
تا پانزده روز و ابتدا از روز  
چهارشنبه نماید و بیست و شش  
ختم در آن روز اما اگر خواست  
در خلوت صد روز نماز صبح و شکر  
در یک هفته هر روز از نماز صبح و شکر  
از شش روز جمعه تا یکشنبه  
یک هفته بخواند و در روز چهارشنبه  
نوع کند و یکشنبه نماید و در روز  
پنجشنبه از نماز صبح و شکر  
بکار منتهی بخواند و در روز  
الوهاب هر که در عهد چهارم  
در سحر گوید این اسم را بخواند و خدا  
عفی کرد و در هر روز در این سحر  
دست کند و دستها را بلند نماید  
ضمیمه این اسم را بخواند و در  
ضرر از او را ببرد



# در شرح کلام مبنای الجلیل

۹۴

الجلیل یعنی خدا بزرگوار بذات جمیع صفات این است  
 که همه مخلوقات از هیبت و جلالت این نام میترسند و اصل  
 حقیقت گویند هر که خواهد که احصا این اسم کند اول  
 باید که بعین یقین بریند و بفهم یقین بدانند که جلالت  
 و عظمت بزرگوار خالصه حضرت جلیل خیا راست و صفت  
 بند مشکت و ضعف و چندان مشکت و عجز خور ظاهر  
 کند و ظاهر و باطن خود مشابه مسکینان سازند و حضرت  
 جلیل و را حشر گردانند تا طایفه حضرت بیشتر موجود  
 صلی الله علیه و آله فرمود اللهم اجنب مسکینا و صبی  
 مسکینا و اخری فی زمره المساکین و حضرت امام رضا  
 فرموده اند هر که هفت روز بنویسد این اسم را بمشک  
 و زعفران و گلاب و شکر بر نان و بخورد و هر روز یکبار  
 کند و را بود در میان خلایق اغراض تمام از برکت این نام دیگر  
 فرموده اند هر که هفتاد و سه نوبت بنویسد این نام بمشک و زعفران  
 و گلاب کاغذ بقلم باریک و بربار و راست بنویسد و بر خا  
 نقره که ریخت و طلا باشد نقش کند بحروف تکبیر و در

او فضا شود بخود دفع فقر و نیاز  
 و در ویشی و حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
 که هر که در شبانه روزی صد بار  
 این دعا بخواند التبت علی کرم وجهه  
 و سبب است لبس  
 الرحمن یا کبری الخیر یا ذا اللز  
 یا قاضی الحاجات یا ارحم الراحمین  
 الحمد لله رب العالمین و سبب است  
 آنکه حاجت کار بر وی رساند باشد  
 که هیچ کس نتواند و نرسد یا در وقت  
 غلامی که نتواند بخواند خدای تعالی را  
 زیرا با این کلمات بخواند خدا را اجابت کند  
 او رسد و حاجت او را اجابت کند  
 انا انبیت انبیاء و انبیت کل کرم  
 و معاذی عنین کل شیء و یجوز  
 کل دعوی آنکه هر که طالب  
 شرح ضابطه آن  
 روز

در شرح کلام مبنای الجلیل

در شرح کلام مبنای الجلیل

در شرح کلام مبنای الجلیل



دَرْسِ کَلِمَاتِ مَبْنِیَّاتِ الْجَلِیدِ



چپ کند و روز بعد تکبیر میخواند مجرب است بر اثر آن

۱۸	۲۱	۲۴		۱۰	ج	ل	ی	ل
۲۳	۱۱	۱۷	۲۲		ی	ل	ج	ل
۱۲	۲۶	۱۹	۱۶		ل	ی	ل	ج
۲۰	۱۵	۱۳	۲۵		ل	ج	ل	ی

و خدمت طلب خواه میا خلاق و تقرب نزد سلاطین  
همیشه باشد از او در دل خلاق و اعدا و اگر خواهد که بداند  
این اسم قیام نماید بعد تکبیر زاید تکبیر خواند عدد  
تکبیر دویست و نوزده است مع صد و مؤخر چهار صد  
هفت است دعوت این اسم مینا کاینکه سرور و بزرگ  
گشته باشند و میا خلاق و خواهند که همچنانا مانند خود  
دعوت در نفس خاتم گاه که نظر کند و دیگر گاه را مسلم  
خواند این اسم که ایشان متجلی گشته باشند بصفاء عظمت  
و بزرگواری حضرت اکبر علیه السلام پاکت و صف  
نیکو دارد و در کنند جو و تقصیر از بندگان گاه که  
بر میان دعا کار این نام است که هر که بخواند و نیت باشد

15

2

مجلس











# در سر کلمات الفب

۹۸

هر حال اینتا باشد که حضرت شعب علیہ السلام بچرا گوشتند  
میرفت این نام بیستامی گفت هر کتا این نام بسلامت ماندند  
تحقیق گویند هر که خواهد که احصا این اسم کند باید که خدا را  
در منها و اشکارا ناظر و نگه بخورد و اندواید و منتهی باشد تا  
از قول فعل مانند یسر صا شود که مرض حضرت عزیر باشد  
حضرت رفیق بد دل و دانا نظر بملك ملکوت گرداند حضرت  
امام رضا علیه السلام فرمود داند هر که زاده شده و خواهد  
نوبت بخواند از سر او این شود شیخ گوید هر که بخواند این اسم  
مداومت نماید چند آنکه تواند یافت حال فرزند از و نصوص  
و خیال از این میرسد باین که در و زافات بلیت ساله خواند  
کسی را عود جیلد یا پیر ضاحال بود این اسم را دایم خواند و ملخصا

۷۷	۸۳	۸۹	۶۳		ر	ق	ی	پ
۸۷	۶۵	۷۵	۸۵		ی	ب	ر	ق
۵۷	۹۳	۷۹	۷۳		ب	ی	ق	ر
	۷۱	۶۹	۹۱		ق	ر	ب	ی

الحسب یعنی خدای اجاب کنند است از که خواهد این نامی

که اسمیل

در دل حاضر دارند و الحاح لب است  
در دعا و امر حال طلب کنند و  
استجاب بخیل نماید و از دعا  
کردن ملول نشود و در دعا گوید  
ملیون ملا خطه ملتین و حق است  
و در اول و آخر دعا صلوات بر علیها  
و در آخر این شریعت و ادایان  
ملاحظه این غایت است باین  
در نایب و غایت نیاز بجای  
در ختم صلوات نیاز بجای  
در حاجت و در کس نماز بجای  
عبارت حمد سوره باین است  
الله لطیف بعباده و چون سلام  
و حق القوی علی العزیز و صلیب  
و عدد بیا بسند و صلوات بر علیها  
در نه باین اسم را بگوید یا الحسب  
و بعد بگوید عدد و حاجت بخواند  
که ان شاء الله ثم باین  
مفرد

هر کتا این نام

حضرت رفیق بد دل

هر کتا این نام



# در سر کلام ربنا الحبيب

۹۹

که اسمبیل علیه السلام میگفت کار در گلووی کار نکردی حق  
از خسته افتد از نشاء و نجایافت چو کسی خواهد که احصا این اسم  
کند باید که هر حاجتی که حاجت خود را بر او عرض کند یا بگوید  
که تواند اجابت کند و نمیدانگرداند و حاجت خود را بجز خدا  
نگوید حاضر عزاجا شایر آورد کرداند حاضر امام رضا  
فرمودند هر که صد بار بگوید حاجت خود عرض کند یا  
او بگوید بر آورد کرد و هر که دایم مداومت کند این بود از نیکب  
دنیا شیخ ابوسعید مرکی در آخر هر عبادت و شریار بگوید یا  
سیر تع یا حبيب بود دعا و اجابت کرد و شیخ شهاب الدین  
فرمود هر که این تع یا بخورد دارد در هر حال از بلا ایمن و اگر  
کسی دانه می کار بود و در حصول آن مضطر گشته چه یا بگوید

۱۳	۱۶	۲	۶		م	ج	ی	ب
۱۹	۷	۱۲	۱۷		ی	ب	م	ج
۸		۱۴	۱۱	۲۲	ب	ی	ج	م
۱۵	۱۰	۹	۲۱		ج	م	ب	ی

در یک مجلس این نام را نود هزار بار بخواند البته آثار و اجابت ظاهر

نماز و منبر کند اگر بخورد در هر روز  
شود باز در کتب نماز بخوان طریقی  
باید و اسم مذکور را در هر روز  
مربوب بخواند و حرف و حقیق و غیره  
نموده ام بجهت هر حاجتی که  
در کتب نماز مذکور است در هر روز  
صلی الله علیه و آله و سلم اگر دارد  
خواند یا بگوید یا بگوید یا بگوید  
ده مرتبه صلوات و بنشد و بنشد  
بگوید یا شفیق الله العظیم و اکرم  
الیم و در حاجت که داشته باشد  
از خدای نام طلب کند که برآورده  
بشود یا بگوید یا بگوید یا بگوید  
از اوقات خستگی که باشد در وقت  
نماز حاجت بخواند و بعد از نظام  
طلب

در هر روز

چهار بار

بخواند



مهر خصول قلم

مهر خصول قلم

مهر خصول قلم

روبی راست از بر سنان افکند  
بگذارد و صد بار بگوید یا غفری  
تا دوازده روز بقیه آنکه در کتب  
وقت باشد هرگاه منسوب در وقت  
۴۴ رسد عمل از سحر و جادو  
الله عز و جل است اجتناب  
نماز قل الله اعظم غریب تواند  
و کلمات در دست کتب بعد از حمد  
سوره نوح و بعد از بخواند و ده مرتبه  
ایستاده بگوید یا غفری  
بعد از سر برداشتن از رکوع و سجده  
و در سجده بگوید یا غفری  
ده بار و بعد از سر برداشتن از رکوع  
سجده ده بار و بعد از سر برداشتن  
عزیز بگوید یا غفری  
ده بار و بعد از سر برداشتن  
عزیز بگوید یا غفری

# در سحر کمالی

۱۰۰

کرد و اگر منبر نشو نوزده هزار نوبت بگوید و در تحفه شای  
آورد اند هر که خواهد که مستحی الدعوی شود بشرایطی که مذکور  
شد هر روز شصت و شش نوبت بگوید و در آخر این بخواند که  
اَسْتَجِیْعُ عَوْنَهُ کُلَّهَا اِنَّا اِلَیْهِ اِلْجَالُی وَاَلَا کِرَامُهُ عَوْنَهُ  
مَسْتَعَاذُ لَوْ اَسْعَفَ نِعْمَ خُذَا کُتَابَهُ اَسْتَعِیْزُ بِرَحْمَتِهِ  
وَقَهْرِهِ عَدْلُ اَوْزَانِهِ اِنَّ هَذَا مِنْ جِبَلِهِ اَسْتَعِیْزُ بِرَحْمَتِهِ  
که عرش برکت این نام قائم است اهل تحقیق گویند هر که بخواند  
احصا اینها کند باید که بکبر و حسد و بخل از من جمیع الوجوه و  
دور گرداند و آنچه دارد ببیند گاه خدا بیعتنا نکند طعام  
دهد تا خدا بیعتنا نیست یا آخرت و گساده گرداند و جمعی  
اکابر گویند هر که خدا بیعتنا ملاذات باشد از قناعت نکند  
و در رجوع مال حریص باشد چون بیک نام مداومت نماید مانع گردد  
و بیک اکابر فرمود هر که آمدنش تنگ بود و شکر کند این اسم  
بر نقش بر ورنیک نقش کند اگر میسر نگردد بر کاغذ نقش کند  
و با خود داند و مداومت نماید و چهار روز از افراخ گرداند  
و با شایسته و سهولت مایه رساند بعد از آنکه هر روز بخواند

مهر خصول قلم







هذه نسخة كتابها من قبل

مفتی محمد باقر

هذه نسخة كتابها من قبل

وَقِيمَ الْوَكِيلُ وَدَعَا كُنْتُ بِهَا  
 بِرَبِّهِ وَبِخَيْرِ مَا يَكُونُ لَكَ خَيْرٌ  
 وَلَا تَقْعُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّي الْقَلِيلُ الْقَلِيلُ  
 بعد از سلام بابت و بیخ بار و صلوات  
 می رسد و حاجت خود را از خدا  
 بخواهد که مستجاب کند و اگر چه  
 شده است اینجا از جمله مستجاب  
 برای قضا حاجت خود کند باز در  
 بعد از حمد و درود می خواند و بعد  
 بار و صلوات می رسد و بعد از سلام  
 از سلام ده بار صد بار و بعد از آن  
 رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
 در حد ده بار و بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
 و ده بار بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
 بَلَّغْ إِلَيْنَا رَحْمَتَكَ وَفَضْلَكَ  
 عَنْ يَوْمِ نَلْقَاكَ  
 آمین

# در سر کلمات حکیم

زوال نرسد اینها را بسیار بخواند و زاد زانند که عظمت و  
 ایت پیدا شود و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که  
 چهار هزار و شصت و نه بار بگوید نیکوکاران را اگر در اهل  
 گویند که در این عجایب غرایب کجاست هر که اینها را بخواند  
 قرض و بیهوده و مرض و غریب تنگ معیشت در دین و دنیا  
 این نباید که مدت و وقت بکراین بماند اهل حقیقت گویند  
 خواهد که احصا این اسم کند اول باید که بان را عرض نگاه  
 دارد و در کارهای مخافا بدخل نشاند و بداند که هر چه  
 اراده حضرت حکیم بود موجود گردانید و جمله موجودات را  
 چنانکه میخواست آفرید و هر چه بخواهد دارد و هر چه بخواهد  
 نمیشاید پس باید که بهر حال رضا بقضا دهد تا حضرت  
 حکیم حقیقت عیان از او منکشف گرداند و دعوی این اسم  
 کسانیست که خوانند و علم حکمت شروع کنند و آنچه دانند  
 در نریند و کوشند بدین اسم قیام نمایند هر چند پیش  
 خوانند نایده یا بند از آنچه خواهند اینرا عدد معتبر نباشد  
 چنانکه بنقل صحیح آورده اند که در روز مرد بنزد حضرت  
 آمد







# در سرمد بر کلمات حکیم

۱۰۴

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْكِبَرُ  
 فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَلِلَّهِ الْمُحَدَّرِ  
 السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْعِظَةُ فِي  
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَلِلَّهِ الْمُحَدَّرِ  
 السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْفَضْلُ فَالْمُحَدَّرِ  
 وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَلِلَّهِ الْمُحَدَّرِ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ  
 الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ النُّورُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَلِلَّهِ الْمُحَدَّرِ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ  
 الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْمَلَكُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ  
 الْحَكِيمُ وَشَرَحَ مِنْ آيَاتِ دُرِّ مَحْضَرِهِ مِنْ قَدَرِ كَمَائِكَ  
 وَبَعْدَ شَيْخِ مَغْرِبِكَ تَكْبِيرُ كَرْدِهِ اَنْدُو عَدْنِي مِينَ نَكْرُ اَنْدُو  
 اَوْلَ تَكْبِيرَاتِ نَدَا سَادِ شَيْخِ اَبُو الْعَبَّاسِ عَدْنُ تَكْبِيرِ الْحَكِيمِ  
 نَابِضُ جَمَلِ بَعْضَاتِ اِيَّاهُ جَمَلِ جَهَارِ صَدِّ جَهْلِ بَعْضَاتِ  
 عَدْنُ تَكْبِيرِ مَغْرِبِ بِالْفِ ذَلَامِ نَابِضُ جَهْلِ بَعْضَاتِ  
 بِنَايِ نَدَا جَهَارِ صَدِّ جَهْلِ وَبَعْضَاتِ وَبِرْ مَجْمُوعِ  
 عَدْنُ قَارِي مَجْمُوعَاتِ مَا هَرِ جَهْلِ بِلَيْتِ رُخْوَانِ سَدِّ بِلَيْتِ

العدد

اَنْدُو جَمَالِ بِلَيْتِ رُخْوَانِ سَدِّ بِلَيْتِ  
 سَادِ شَيْخِ اَبُو الْعَبَّاسِ عَدْنُ تَكْبِيرِ الْحَكِيمِ  
 نَابِضُ جَمَلِ بَعْضَاتِ اِيَّاهُ جَمَلِ جَهَارِ صَدِّ جَهْلِ بَعْضَاتِ  
 عَدْنُ تَكْبِيرِ مَغْرِبِ بِالْفِ ذَلَامِ نَابِضُ جَهْلِ بَعْضَاتِ  
 بِنَايِ نَدَا جَهَارِ صَدِّ جَهْلِ وَبَعْضَاتِ وَبِرْ مَجْمُوعِ  
 عَدْنُ قَارِي مَجْمُوعَاتِ مَا هَرِ جَهْلِ بِلَيْتِ رُخْوَانِ سَدِّ بِلَيْتِ  
 اَنْدُو جَمَالِ بِلَيْتِ رُخْوَانِ سَدِّ بِلَيْتِ  
 سَادِ شَيْخِ اَبُو الْعَبَّاسِ عَدْنُ تَكْبِيرِ الْحَكِيمِ  
 نَابِضُ جَمَلِ بَعْضَاتِ اِيَّاهُ جَمَلِ جَهَارِ صَدِّ جَهْلِ بَعْضَاتِ  
 عَدْنُ تَكْبِيرِ مَغْرِبِ بِالْفِ ذَلَامِ نَابِضُ جَهْلِ بَعْضَاتِ  
 بِنَايِ نَدَا جَهَارِ صَدِّ جَهْلِ وَبَعْضَاتِ وَبِرْ مَجْمُوعِ  
 عَدْنُ قَارِي مَجْمُوعَاتِ مَا هَرِ جَهْلِ بِلَيْتِ رُخْوَانِ سَدِّ بِلَيْتِ

هذا سادس من مذكرات مولانا



# در سر کلمات بر آلود

۱۰۵

۱۹	۲۲	۲۴	۱۲	۱	م	ی	ک	ح
۲۱	۱۳	۱۸	۲۳		ک	ح	م	ی
۱۴		۲	۱۷		ح	ک	ی	م
۲۱	۱۶	۱۵	۲۶		ی	م	ح	ک

الودی بتی خدا بتی دوست مطیع است دوست  
 دارند هر دوست فرغان برادر و ایندانیست که خوا و آدم علیه  
 السلام مودت یاد میشد قبل حقیقت گویند هر که خواهد  
 احسان این اسم کند باید که را طاعت و دست خلو قار بر میا  
 جانند و تمامی این که خلوق خضر دوست اند او دوست دارد  
 و از راه عداوت کینه هیچ فریاد زدن نگردد با خضر و دوست  
 او را بخلق خود عینو گردانند که فرکه او را برینند دوست فانی  
 خضر امام رضا علیه السلام فرمودند هر که هر روز جعفر  
 الف زواج بر فراد و یک و نیم بخواند یا بر طحا و هر دو بخود  
 موافقت نمایند یک از اکابر فرمود اگر کسی را دشمن قوی باشد  
 یا جمع دشمن مخفی باشد بجهت دفع انخصم بزد که چنان بود  
 دعوت این اسم کند بعد کبران عداوت و محبت مهربان گردد

علی بن محمد و ابی القاسم  
 عیسی و صاحبی چون این دعا را  
 بخواند و بخواند که قدم و نذر  
 بخواند و الا انک عانت او را شود  
 اصحابی که در این دعا خوانند  
 در جمیع منازل هر یک از چهار  
 شنبه و پنجشنبه و جمعه و در کفستان  
 جای یاد دارد و در هر یک یکصدان  
 خدمت کند و این را بخواند و طاعت  
 انصاف و در عواطف غریب اینها  
 در عزت و جاه و دولت و در کفستان  
 حاجت بکنند و در یکصدان  
 بگویند که اگر عظیم یاد و بخواند  
 می گاه و نیکو و در عواطف غریب  
 و بعضی در روز و شب بخواند  
 کردماند اصحابی که

چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در کفستان  
 چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در کفستان  
 چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در کفستان



سینہ حجازیہ

باذن الله تعالى ویکه از کابر در فضیلت اسم الوهود الحیدر  
 خواهر افرازاورد که جمعه جاو قدر و قوت خرمستان خلاق  
 و عزیز ملوک و سلاطین و گشاده کارها و دفع غم و خوف و  
 قوی بختهاست و بزرگ حاجات و رفاهیت عظیم و صفایا  
 و جلای قلب و دفع و سوسه سودا و خصوصیات بزرگ دند  
 اخر شعبا یار و زعفران عید قربان یار و زعفران ماهرا که  
 باشد بهر نیت که باشد مایع بخواند علی کبیر و هزار و دویست  
 نیت و عد است عدد و سیصد هزار و صد یازده است  
 صبر و مقاومت است ایست روز و غسل کند و روز دارد  
 و نیک مجلس خواند بخورد بنورزند و متوجه قبله ناست که آنکه  
 سخن گوید چون وقت افطار شود و از عوچتر باشد لطف کند اما  
 سخن نیانگوید چون از طعام و ناهام فارغ شود بعد از آن بخواند  
 و با تمام میرساند صباح انبیا چه تواند تصد کند هم ندان  
 هفت مفاسد مخصوصیوند و از بزرگترین آن که عجب و خلاق  
 گردد و فهم آرد اند که شخصی بوقطاع الطریق و بزرگ کردن  
 و ستاد خرم و غاف و الدین و کتاب که هر چه گفته غیر از کرد و اعظم

[illegible]

تجدد روح و جسم و کلام

مکتبہ اسلامیہ

موسى بن جابر







در سر کلمه مبارکه المحب

1. A

و چند کلمه بنیاید که مشکلات پرنیبه از آن حل شود  
دید صفا ناچار که بقصوم نبودن میاخلایم و غمناک  
و فریاد میکردند می گفتند او دود یاود و دما از میان  
پرواز رفتند و بادیه در پیش گرفته رفتند دیگر ایشان  
و اگر کسی بنده خوانند که باین نور و صغیر که فصاحت  
مداومت نماید این گریه را شرح بسیار است در این مختصر  
قد اخضا کریم باستطویل نه انجامد ایرافست نه هوسید  
و یحید و هو الفور الودود ذوالمرش الحید فقال لیا  
یهدیا الحید یحید یا ک و مترک است از گرفتن زمان  
مکان و بنسید نادو بر گوار هر کس بنیاید که آدم صفت  
بمرتبه علم آدم الانماء کلمات بیکتاب بنام رسیده  
گویند هر که خواهد عواین اسم کند بید ما بمقدار که تواند  
خدا را شفقت کند نفع رساند بجهت ناخشنود و او این  
بندگان مکرر که یازند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود  
اند هر سال که فیض بود و دفع نشود و ریاضت طالب  
مراتب بکرا و این اسم مداومت نماید بواجب و سیر و سلوک بروج

4

سودا بپردازد انبساطه تمام کند  
چون مبین ملکوت برسد حجاب  
و در حجاب بگوید و سبحان الله  
ملکوت کل عالم و الله و سبحان  
و بعد از آن حاجت خود را از خدا بخواهد  
بخواهد نمود سر این حجاب بردارد  
باشد که حاجت روا نشد آنگاه  
بگوید اگر چه زامنیکل پیش آید  
بجز این بر او نماند باشد و در  
دست نماز بگذارد و در دست اول  
بغداد حمد خود را بخواند و در  
تا و قصر آخرت بخواند و در  
دست دوم بغداد حمد خود را  
اندر ارض العرش بخواند و در  
فضا را تا آخر بخواند و در  
خواهد از برای تقدیرهای دوز  
انشاء الله تمام باشد

19

مختار السالكين















شیر علی بن ابی طالب

احصا این اسم کند باید که اول بداند که پنجم و نهم و غیره  
تعا را جایز نیست و استعا و امید از هر کس ناچلالت و موکل  
و جوهر و بجای از دنیا خدای تعالی دل او در نور و حضور  
بخشد که در هر چه نظر کند خستار را مغایره مشاهده کند  
یعنی بجای نور حق را هم بنور حق مطالعه نماید حضور امام رضا  
علیه السلام فرمود اند که نیم شب بخیر و وضو سازد و در  
تماز بگذارد و دستها خود را بسو او منظر دارد و وصل  
بگوید یا حق بر اینند و وقت نماید دل او نورانی گردد  
بعضا ما طریقی جلالتی بخانه رسیده ضمیر الناس بر  
منکشف گردد و شیخ مصر فرمود که هر که زاجر ضایع شد  
باید که امید حصول آن در نماید که نام این غیر از گوشه کاغذ  
بنویسد در میان راه اسم حق بنویسد و یک از بزرگان عمر  
این فرمود یعنی بر چهار کس کاغذ حق بنویسد تمام ضایع شد  
در میان صفی چون بیم شود با طهارت تمام آن نوشته بر کف  
نهاده و بجانب آن نماز کند چندانکه مستی نام نامی بخواند  
و اگر بر این چند مدت نماید خستار انقیاد شود و باز نشا

بایزده و منبایه الکرسی بنیست  
 پنج با نفل موالله بخواند و بخوان  
 سلام بلا فاصله چهل دلیل بر او باد  
 بگوید یا قاضی یا صبیح یا علی یا  
 اغد گفتند فیضا ما حاجت خود  
 ایضا بخواند و گفت نماز بخواند  
 پنجشنبه چها رکعت اول بخواند  
 بدو سلام رکعت اول بخواند و رکعت  
 باند ما بر خود و اخلاص رکعت  
 دوم دو اند ما بر سیم سوره  
 بر و چهارم چهارده بار بخواند  
 بعد از سلام چهار رکعت یا سوره  
 اخلاص بخواند و چهار و پانز  
 صلوات بنویسد پس سجده کند و در  
 صد بار بگوید یا علی  
 و حاجت خود را بخواند که حاجت  
 ایضا بخواند که حاجت  
 مکرر

الحسين



# در کلام مبارک الوکیل

۱۱۳

یا عوض آنچه که نیکوتر از آن باشد بود مانند اگر آنچه  
غایب شد این عمل کند از یاد بیاورد برود بداند و خوا  
است اسم حضرت عزت هر چه در حق است از هر کتاب مستخرج  
شد ان شاء الله الوکیل یعنی خدا پیش بر نداشتن چیزی که بدو  
است وکیل گشته است مریدان سوگند را این نام نیست که  
سینما از برکت این نام در هوا میرفت کشته نوح از طوفان  
نافت من بر بیم ز آتش بسلامت شد هر از برکت این نام و  
اصل تحقیق گویند هر که خواهد احصای این اسم کند اول باید  
که اعتقاد بر خدا بکند کفایت تمام مخلوقات از حضرت  
وکیل داند که در کلام مجید فوقان حیدر است و گفته  
یا الله وکیل او شیخ حمدی در شرح کبریاورد که در هیچ  
شما شصت و شش بار بخواند کفایت کند دعوی این شما کس  
است که ناسپا و وسوسه برایشا غالب نباشد و در طلب  
مستطرب نباشد علی الدوام درنگ و بجز و سرگشته اند  
اگر آنچه که بدین پیام شما و دعوی این اسم خوانست که عد  
این اسم شصت و شش است موافق عد الله باید گفت و کند

خانی باشد از غفلت و غفلت  
دعوی عزت با انکیلا اگر بار یک  
از قبیل غرض فایده و صفت را  
جسائی و در خان غرض را  
از غرض و در دعوی کامل  
هر روز که در کت نماز حاجت بخواند  
صلوات بر سر سیدنا و آل سیدنا  
الرحیم و بار صبر و استقامت  
و طلب ناز و غنا و بدو خواهد  
این عمل را در هر شب جمیع اوقات  
که خلقت ندارد و در هر وقت  
است این صبر بر هر که که بخواند  
نمیدان غار غایت بخواند که خواند  
حاجت بگردد و در کت نماز  
تکلیف سوره میخواند







# شرح کتاب الفی

۱۱۵

سند باد افشاده تا بهر شو که اراده او است او را می رسد هیچ  
 احتیاجی نیست اندازد و تا خورد و بدیدد قدرت خست جان  
 اعتبار نکند تمام نیست نگاه او را خضر قوت فلک بر عذ غلام که  
 اید شیخ بوز و شیخ مغرب چه بگوید این متفق اند که هر کس  
 دشمن تو باشد او را در پیش قهر خصم مضطر باشد بیاد  
 قد و از دست خیر کند و فرادین گویا و بهر جای که  
 اسم بخواند انجیرها را بمغادر دهد تا باید که در زمین ناله  
 و در دل دفع دشمن کند و انداخته اند دشمن را فکند اگر  
 انجیل بگذران اسم بد وقت نماید بیک پر دشمن هلاک شود  
 و اتباع او تا خیر گردند گویند خواجه نصیر الدین خود را در  
 هلاک و حجت خفا عجا انجیل کرد و آن فتنه انجیل طریقی  
 گویند هر کس بد نفس ناره گرفتار بود و سوسه شیطان  
 بدفع آن انجیلها را اسم اعظم از وقت طلوع صبح تا اذان  
 باند و بعد از تمام نماز طلوع آفتاب بگذران شما قیام  
 بعد خست او را غالب گرداند بر نفس شیطان و درین  
 سلوک سالک طرز کراین شما غافل نباید بود انقاد

البیاض جالب معرفت است که  
 میان دوزخ و جنت حدیث است  
 باشد و این همه سر است  
 میوه نماز که فکند گشتن  
 و اگر بود و با حفظ نماند  
 از روی فراوان خواند و از  
 انجیل تا خطب کتب محمد  
 هنر کند و در کتب نماز  
 کند و صد مرتبه صلوات  
 بسیار از حضور علی بن ابی طالب  
 بگوید و باند بار خواند که  
 طلب حاصل است و در غیر  
 نیست و است بسم الله الرحمن الرحیم  
 التوالت التالی الی التالی  
 انوار الارضین النورانی  
 نور علی نور

کتاب الفی

جواهر الایمان

جواهر المطالبین



# شرح حکایت کمالی

۱۱۶

المقتل القوی القائم وهم شیخ فرمود که ملا و مت  
نماید بد که این اسماء کبیر چهل و نهم بداید و در قوت  
و قدر و توانا بد در نفس کین بدان غالب اید بر هر مردی که  
و سر عجب در خواص این اسماء شرح در وصف نماید  
و مضاد عواین اسماء از مکاشفا عالم غیب را مثل این اسماء  
گرفت و در عواین اسماء متانت را مثل دولت و صلاح کین از  
زوال ملک و دولت است و در عواین اسماء قوسد شار و  
بکدام اسم و اما بعد کبیر باید خواند و هر روز یکبار و در هر یک  
محل خواند و مباحط طوع صبح و شب و هر یک از این اسماء  
این اسم و اگر چه اسم دارد در مرتبه نهاده مابین طریقی یا خود را

۲۸	۳۴	۴۰	۱۴	موجز	ما	ق	و	ی
۲۸	۱۶	۳۶	۲۶		و	ی	ما	ق
۱۸		۲۰	۲۴		ی	و	ق	ما
۳۲	۲۲	۲۰	۴۲		ق	ما	ی	و

هر کس بداند این نوع مجادله کند مقهور گردد و اگر باز  
باطل فرد و بیخوف نویسد بر شقته علم بدوند هیچ شکر

بااد

در قوت و توانا بد در نفس کین بدان غالب اید بر هر مردی که  
و سر عجب در خواص این اسماء شرح در وصف نماید  
و مضاد عواین اسماء از مکاشفا عالم غیب را مثل این اسماء  
گرفت و در عواین اسماء متانت را مثل دولت و صلاح کین از  
زوال ملک و دولت است و در عواین اسماء قوسد شار و  
بکدام اسم و اما بعد کبیر باید خواند و هر روز یکبار و در هر یک  
محل خواند و مباحط طوع صبح و شب و هر یک از این اسماء  
این اسم و اگر چه اسم دارد در مرتبه نهاده مابین طریقی یا خود را

خبر از شدت و کثرت این اسماء

چند اسماء دیگر

در وصف و شرح این اسماء



# شرح کلمات المبین

۱۱۷

یا او متفاوت شود و در وقت نوشتن بخیر شرط  
 آما سالتین نکرد اند اگر متصل بعد باشد بر در این  
 مربع عجا و غریب بسیار است مربع القوی اینست

۱۸۵	۱۸۹	۱۹۲	۱۷۸	مقد	القوام	المقد	القوی	القوام
۱۹۱	۱۷۹	۱۸۴	۱۹۰		القوام	المقد	القوام	القوام
۱۸۰		۱۸۷	۱۸۳		القوام	القوام	القوام	القوام
۱۸۸	۱۸۲	۱۸۱	۱۹۳		القوام	القوام	القوام	القوام

المبین یعنی خدا است و کار این نایبست که شیرستانها  
 و آب و ریحها از بر کباب این اسم فرید میشود و اصل حقیقت گوشت  
 هر کس خواهد خواست این اسم کند اول باید که حکم هیچ کار  
 دنیا این عالم فانی نمکند اند هر محکوم حکم خالق داند غیر  
 مباد منور داند خدا است او را بدگاه خود یقین شاق کرد  
 کند حصص امام رضا فرمود داند هر نفوذ که شیرستانها  
 این نام را در کاشی نویسد بایان نیشا نبوی که در خانه  
 باشند بدندان خود شیر زبانش شود و هر کس بجز و بی طعنه  
 واقع شد باید که چو قلز منوشتا خارج بود و بسویان

و در کتب ماوند و بغداد  
 نماز هزار بار بگوید یا عجب  
 منصور و او است بعل ابدی  
 و کلمات در شب جمعه با و در شب  
 عبدالحی و در کتب نماز در  
 هزار کتب سوره حمد بخوان چون  
 یا ایاک نعبد و یا ایاک نستعین  
 یکصد مرتبه یا در کلمه و امانت  
 کن پس حمد انعام غاود و در شب  
 مرتبه سوره نوح بخوان و بعد  
 از سلام هفت بار بخوان که  
 قل لا اله الا الله العظیم  
 بعد در شب جمعه یا در شب  
 یا ایت و بعد از نماز  
 یا علی بطلب النجاة و در شب  
 و در بعضی نسخ بنظر بسیار  
 یک بار سوره نوح



# شرح کلمات اربعه

۱۱۸

این شرح در ظرف سفید با طبع و چینه یا انیکنه بیک و غمر  
نویسد و از آب ریش کند و حکم نگاه دارد و هر روز از آن  
قدری بکشد و بر روی مالند و خوشنایا شود و در آب  
روان شود و بیخ در کارها او پیدا شود و در بیاض و زردی  
گرد و این آب هرگز در ع که رسد خدایتبارک است و جمع  
نمونه نماید گرداند و ریش که داخل که دهد اگر از آن آب ریش قد  
باب باغ زیر چند برسد که منقوش از ع بناسد هر که از آن  
قدری بر روی مالند یا بخورد قبض و بفع است و باید اگر خود  
بد شود زاید از این آب و شتر او داخل سازند یا با آب و دهان

۱۲۳	۱۲۲	۱۲۸	۱۱۰		م	ت	ی	ن
۱۳۴	۱۱۲	۱۲۲	۱۳۲		ی	ن	م	ت
۱۱۴		۱۲۶	۱۲۰		ن	ی	ت	م
۱۲۸	۱۱۸	۱۱۶	۱۳۸		ت	م	ن	ی

و اگر مجوس ریش بخواند بخواند و دعوی این است که از آن که  
در نوکل است و بناسد این اسم هر روز بعد تکبیر بخواند و بعد  
است و اگر دو عدد تکبیر و امین سیصد مرتبه و شش بشود

۴۰

و هفت بار در کمر که در و هفت بار  
مکرر نماید و بکشد و انبساط دهد  
در نصف شب و شش و دو کمر  
نماز کند و بعد بخواند و در و هفت بار  
هفتاد بار بگوید یا و کتاب و کتاب  
باید در هر ماهی که خواهد آورد  
خواهد شد البته استخار بجای  
خواج و انجلیح می شود و معاین  
دوازده روز و هر روز و شش  
کرد و سر ساهل او و در آمد  
باشد و گفت و شغل و در و  
و گفت نماز کند و در و  
و در هر که بگوید یا و الله بخواند  
منبر سوره قل هو الله بخواند  
نماز اسلام هر روز و در و  
بگوید یا و الله العالی یا و الله العالی  
و مکن یا و الله العالی یا و الله العالی  
کرد و

عمر بن حواری

عمر بن حواری

عمر بن حواری

عمر بن حواری







محمد بن محمد

محمد بن محمد

محمد بن محمد

ما جانی باشد در دنیا خشنه  
برینان طاعت و در کف نماز و  
در دهر که موی بعد از خلد سوره سوره  
و اما حق خدا و بنا که حق هیچ آیه  
الفلک اذان فی خلق النعمان  
لا اله الا انت لا تخلف الیهاد  
مخوانده و در سلام و در دنیا  
ما مهند و در بخواند و گویند و  
مولا علی انقطع الوباء الا انک  
و ما بنا الا مال الا انک ما تملک  
یا الیوم یوم من حج و انجی قلبک  
من حجک که الحج عینک ان  
نصلی علی من حجک و الی حج و ان  
فقی ما جانی منک انک ما جانی  
در الشرفا صل استا کما جانی  
هر حاجت بعد از نماز هیچ دو  
که گفت نماز حاجت  
کند

# در کتاب کمال محمد

۱۲

که اگر سلطان یا امیر از کسی در غضب باشد خواهد که نصیحت  
بشاید یا یکی از خوانین محشمه خواهد که مطیع خود کند یا یکی  
یا اگر کسی بگوید یا میگوید بقول شیخ مغر سر عذت کبریا و کوشش  
صد یا زده نوبت بقول امام رضا علیه السلام چهل شش  
و جوان کل بیوید نزد او غیر از گردن یا میور بخورد خدا  
او در جیم مهر را گردانند آلاء الله تعالی و باید شک نیاید و باید کرد

۱۱	۱۴	۱۷	۲۰		یا	و	ل	ی
۱۶	۵	۱۰	۱۵		ل	ی	ما	و
۶		۱۲	۹		ی	ل	ما	و
۱۳	۸	۷	۱۸		و	ما	ی	ل

آنچه خدای متعالی از خویش بپسندد و ستایش  
پرستشندگان و شد امیردگان این نام است که باقی اینها  
بلا بپرکت این نام میگوید اصل تحقیق گویند هر که خواهد  
لحسا این اسم کند و نباید که در زبان خود را بحد حید  
و ذا کر سازد و عجب صلحا و خاندان کرد و حضرت امام رضا  
فرمود انداخته دفع سفاقت خود یاد بگیر بنویسد و هر که

کلام



# شرح کتب اربعه

۱۲۱

بر طرف که آب میخوردند از دوازده آب ایشان افضل قول الله  
 و جرد و دعوت این اسم منافق را و فخر گویند هاست  
 شیخ فرمود اند هر که عورت یا کنیز را در حرکت زندگانی نبرد  
 صلاح بنکائی کند منع ایشان فاد نباشد بر نهی است  
 بر طعام میخواندند ایشان بد خدا میخواندند حقیقت ایشان را  
 صلاح باز آورد و هر که فاد نیست زبان خود و بنویسد فخر  
 میگوید هر که میگوید از قول فعل او اند بر خلاف نوع بر سر  
 و خونیز از آن پیش میآید و اما ضبط لظواهر خود میخواندند که دنیا  
 خاک را نیز بکشت مردم از انفسل خاطر بخند میگردند  
 یا غیر اینهمه هر که که از میخواندند بنویسند اگر این نوع بر طلا  
 نصر کرد هر طرف آب اندازد و دایم از آب میخوردند دل و زبان  
 و غیر صلاح بدان صفت آن وی و بدینگونه که مصلحت  
 الفلوس زبان و از خود میخواندند و سازد ترخ خلایق غیر بر سر  
 کرد و هر که که بکشد این و اسم الوی و الحید مدد میدهد  
 بعد تکبیر این اسم بیاندازد و چهار صد مرتبه صداست و بیا  
 و الف لام عد تکبیر چهار صد شود و با این شود و خوانند

و مطلب از دین صفتها بد  
 نمون و رکوع و سجود و احوال  
 کند و بعد از سلام پیشانی را  
 به پیشانی گذاشت و یکصد بار بگوید یا  
 ان صورت داشت و اینک را در  
 یکصد بار همین طوری بگوید و  
 بعد از آن یکصد بار بگوید یا  
 و یکصد بار بگوید یا  
 آن و غیر در جای خلوت و بیار  
 و بنویسند که در آن یکصد بار  
 از خداوند خواهد یافت و حاجت  
 است و از آنجا است که خوانند  
 خبر از آن که در و بعد از این  
 اسم که حضرت علی نام

حزب مملکت صاحب

حزب مملکت صاحب

حزب مملکت صاحب



در کتابهای معتبره

کند پیدایند در باطن او صفه و خاصه که بدار بر مشا  
گرد و پستند عهد و گرد و مذکور و با آنها شود و معرو  
امر و روز و سال طبع و عوام شود و او را بود قبول و بها و مشهور  
روزگار گردد و غم بر او را نیاید و با هم میسر و باشد شرح دانست

۱۵	۱۸	۲۱	۸		د	ی	م	ح
۲۰	۹	۱۴	۱۹		م	ح	د	ی
۵		۱۰	۱۳		ح	م	ی	د
۱۷	۱۲	۱۶	۲۲		ی	د	ح	م

المحصن في هذا الزمان علم من علم راسخين كمن يدرك  
 نامها خود بهر يك این نام خواهند خواند اصل تحقیق گویند  
 هر که احصا این نام کند اول باید که علم بر کلیات و جزئیات <sup>در</sup> <sup>الجزئیات</sup>  
 پس و محضر و دست زد و لازم و مطیع حضرت عرف <sup>شد</sup>  
 تا او را عالم بر خواص اش او متعلقا گرداند و بکار از اکابر <sup>دیده</sup>  
 هر که و در دست او و جمیع ناصد پناه و پیغمبر نوبت بخواند حقا  
 قیامت بر وی آید اگر در حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند که  
 شب جمعه هزار ناصد پناه و پیغمبر نوبت بخواند در آخر حقا

[illegible]

برای

مجلس

تونس



# شرح کتاب المبدی

۱۲۳

و سهل گیرند اما اگر کسی در دوازده روز فراز و نازل  
نیاید پنج بار بخواند اگر حشا بماند که بود دهند از غنای خود  
تواند اما مگر آسان گردود و عواین اسم مینا کسایت که در حشا  
غایب باشند علی تکبیر این اسم مفسد پنجاه وجه و بقول  
شیخ هزار و یکصد و این عدد یکبار است و شد چهار روز یا بیست  
خواند نسیا دفع شود و هر چه بشنود یاد گیرد و در حشا غلط

۲۶	۴۲	۴۸	۲۲	م	ح	ص	ی
۴۶	۲۴	۳۴	۴۴	ص	ی	م	ح
۲۶		۳۸	۳۲	ی	ص	ح	م
۳	۴	۲۸	۵	ح	م	ی	ص

المبتدئ یعنی آفرینند هر چه در علیت حاجت این نام است  
که در واح داند اشباح بیرکت این نام در می و در اهل عشق گویند  
هر که خواهد احصا این اسم کند اول باید که محضر عز و افترا  
ملاشیا و خلاصه خواند تا خدا تعالی بقدر کامله او از بلیات  
و نیکباده و نذارد محضر نام علیها السلام فرموده اند هر که  
شروع نماید رکات اول باید که این نام با اکرام و انبیا و شرف

بسیار از غسل و در کوزه غازی بنشیند  
حاجت بکند و در هر یک یکصد بار  
از حمد یا نذر سر بسطد و در هر یک یکصد بار  
خواند و در هر یک یکصد بار  
فروا الله و بعد از آن که در هر یک یکصد بار  
در سجود او را ده بار بگوید و بعد از آن  
سر برداشتن ده بار بگوید و در سجده  
تائید ده بار بگوید و بعد از آن ده بار بگوید  
و در سجده ده بار بگوید و بعد از آن ده بار بگوید  
نام نماید و بعد از آن ده بار بگوید  
جای آورد و صلوات بر محمد و آل  
او بر علی و علی و علی و علی و علی و علی و علی و علی  
خداوند بخواند و حاجت خود را از  
از بس که کافک م صفت است که  
چون کسی اشک ببارد و در هر یک یکصد بار  
غریب کند و در هر یک یکصد بار  
خداوند بخواند و بعد از آن ده بار بگوید  
چنانچه



















شرح وافي على كتاب  
الحمد لله

17A

و فرغت این اسم را نود و نه نوبت بخواند بر خود صد بار جمله  
این گنج دد و شیخ معتز فرمود هر که خواند تا در قیامت بر سر  
قیامت که روح در او دمند این نام را بیست و یکبار که بیست  
نوبت بخواند ساله و مانند از بوسید و رقبه اش را الله تعالی

۲	۲۸	۲۲	۶	۴۲	م	ح	ی	ی
۲۴	۱۴	۴	۲۶		ی	ی	م	ح
۱۲	۱۸		۶		ی	ی	ح	م
۳	۸	۱۰	۲۰		ح	م	ی	ی

اَللّٰهُمَّ بِخَيْرِ رِزْقِكَ رَزَقْنَا بَيْتَكَ يَا بَيْتُ اللهِ وَوَلِيَّائِهِ  
 اَرْفِهْ بَايْتَنَا بِكُنْدَا هَلْ حَقِيقَتِ كُنْدُ رُكْنِ خَوَاهِدِ كَلِّهَا  
 اِنْ اِسْمِ كُنْدَا بِيَدِ كِه خُو دَا دَرِ پِشِ قَلْبِ خُو چُوْن مَبِيْتِ نَمُودِ  
 خُصَالِ اَحْسَبُ كَا وَشَا اَوْ اَز مَرْوَن شَكَا ه دَارِدِ دَر دِشَا وَ اَخَرِ  
 وَاوَزِ بُو مَرْفِ خُو دَرِ نَمُودِ دَارِدِ نَا تَوَانِدَا بِيَدِ عَا كِه بَجَشِ نَا  
 سَلَا سَتِ نَمُودَا وَ نَمَايِدِ رَمِيَا سَتِ فَرْضِ نَابَا دَا دَسَرِ فَرْشِ  
 خُدَا يَحَا اَوْ اَز دَرْوَالِ اِيْمَانِ نَكَا ه دَارِدِ وَ قَلِ اَوْ اَنُورِ اِي  
 كُرْدَانِدِ دَعَا اِيْنِ اَللّٰهُمَّ نَا حَيُّ نَا قَيُّوْمُ نَا يَا اَلْجَلَّالُ الْاَكْبَرُ

100

محمد بن ابراهيم بن محمد

نور محمد







شیر کلستر ایچی

16

فرمود که این اسماء که افضل عبادت است هر مهبت که میات از عیب  
بدکار این اسماء و متعاید عالم گردد و اگر طالب غلم بدخواهر  
اسماء تمام نماید عالم گردد و فرام اذکار و عقل او را نبود که حق  
هم متعین اند هیچ چیز را و مشکل نگر در حلال اشکال خود  
گردد و اگر چیز بر او مشکل شود باز رجوع باین اسماء کند بکشد  
و از خواص این اسماء آنست که اگر کسی بدخواه این اسماء کند حال دنیا  
ضبط تواند کرد و محاسبتن بنیاط نگاه تواند داشت و عدل  
درا زمین هر روز خواهد خواند و هر روز و هر قصد چهل نوبت

۱۲۲	۱۲۵	۱۲۸	۱۱۵	۱۳۵	م	م	ی	ت
۱۲۷	۱۱۵	۱۲۱	۱۲۶		م	م	ت	ی
۱۱۷		۱۲۳	۱۲		م	م	ی	ت
۱۲۴	۱۲۹	۱۱۸	۱۲۹		م	م	ت	ی

ایلمی یعنی زند باینکه از ذات خود بر نواز سبب دیگر این باد  
که ملائکه را از برکت این نام احتیاج بخورد و بخواهند اهل  
گویند هر که خواهد که احصا این اسم کند باید که الله تعالی را زند  
جاوید اندازد و همیشه باینکه الحق را زند و دنیا و

[illegible]



شَرِّكُمْ كَلِمَةً لِقَبُولِهَا

171

زند دل گویند اهل طریقت و قیوم را اسم اعظم گفته اند  
یک انا کار بر مود که اگر بر سر پیا بخواند بعد کین ترا هفت  
البته صفت ناپید اگر بر باغ فاکس یا بالتر خوانند بعد کین  
روزنامه روزه زاف سحای در امان باشد از هر ساین مهر و مهر  
و اگر چه سر زد کند یا از نایبش ترسد بعد کین بخواند  
یابلا ز کور ساله و اندان شاء الله تعالی و علی کبر و صد یکین است

۱۲	۱۵	۱۸	۴		ی	ح	ل	ا
۱۷	۵	۱۱	۱۶		ل	ا	ی	ح
۶		۱۳	۱۰		ا	ل	ح	ی
۱۴	۹	۷	۱۹		ح	ی	ا	ل

الْقِيَوْمَ يَعْنِي خَدَايَمِ وَنَائِبِينَ فِيهِ زَوَالُ كُنُوتِ وَفَاقِ  
بِخَوْنِشَانِ نَبَرِ نَوَاصِبِ غَيْرِ نَائِبِي كَيْفِ فَرِيدِ اَزْ غَضَبِ  
نَامِ بَرِ رَاخُونِ نَبَرِ نَائِبِ اَهْلِ حَقِيقَتِ كُونِ كَدِ خَوَاهِدِ احْصَا  
اِنْ اَنْهَمِ كَنْدَانِيدِ كَيْفِ نَائِبِينَ خَدَايَمِ دَانِدِ قِيَامِ جِلْدِ عُلُوْقِ وَاقِدِ  
هَمِ وَجُودِ اَبَقِ كَانِلِهْ اَوْشَانِ اِنْ اِنْزِ قِيَوْمِ نَامِ اَوْ دَرِ  
بِنْدِ گَانِ خُودِ نَائِبِينَ دَارِ حَضَرِ اَمَامِ نِصَا عِلِيَهْ اَفْرُودِ هَكَ اِيَرِ

ج

سلاخی منہ سے نکلتا ہے

محمد بن عبد الله بن عبد الوهاب







# در کتاب الکتب

۱۲۳

ما جمله زاد این مختصر بنام و دریم تا بر فرموده است که در حدیث  
خبر ما در اینست مختصر شیخ فرمود که مختصر رسول صلی الله  
علیه و آله در اینجا و بکار بخوابیدم عرض کردم یا رسول الله  
مرا چه تعلیم نمائید که در دوزخ نماند و در جنة نماند  
مختصر فرمود که بر تو باد که هر روز چهل بگوئی یا خیر یا قیوم  
یا لا اله الا انت استغفرک از محبتی بنور معرفت که با الله  
و خواص از دنیا است و جمعی از بزرگان فرموده اند هر که خواهد  
دعای این را نماید هر روز است که صد هشتاد و نه بار بخواند  
قیام نماید با مردم اخذ طعم کند که خوردن پیش کردنیست  
صا و با وضو باشد تا تواند دخل و تکرار کند بیشتر در وقت  
سحر اگر باشد یکصد بار از شریف است که بگوید تکبیر تمام حروف

۹۵۳	۹۵۲	۹۵۱	۹۵۰
۹۵۹	۹۵۷	۹۵۶	۹۵۵
۹۵۸		۹۵۵	۹۵۱
۹۵۸		۹۵۵	۹۵۱

بر خاتم فقر و فقر کند که صورت  
انابت از پنج دانک او  
یکدانک ز باشد و افق  
نکند و بعد تکبیر بخواند

و اگر خواند که فیض و توفیق از سلاطین که نام طایر است

و در اول رسد و اگر چه اینها در حدیث  
دری که او را میگوید یا خیر یا قیوم  
و ما در او را در این مختصر شیخ فرمود که مختصر رسول صلی الله  
علیه و آله در اینجا و بکار بخوابیدم عرض کردم یا رسول الله  
مرا چه تعلیم نمائید که در دوزخ نماند و در جنة نماند  
مختصر فرمود که بر تو باد که هر روز چهل بگوئی یا خیر یا قیوم  
یا لا اله الا انت استغفرک از محبتی بنور معرفت که با الله  
و خواص از دنیا است و جمعی از بزرگان فرموده اند هر که خواهد  
دعای این را نماید هر روز است که صد هشتاد و نه بار بخواند  
قیام نماید با مردم اخذ طعم کند که خوردن پیش کردنیست  
صا و با وضو باشد تا تواند دخل و تکرار کند بیشتر در وقت  
سحر اگر باشد یکصد بار از شریف است که بگوید تکبیر تمام حروف  
بر خاتم فقر و فقر کند که صورت  
انابت از پنج دانک او  
یکدانک ز باشد و افق  
نکند و بعد تکبیر بخواند  
و اگر خواند که فیض و توفیق از سلاطین که نام طایر است







# در کسب برکت الحمد

۱۲۵

تا از شام بگو بخواند از شام تا وقت خواب بگوید  
 بخواند که در شب از دست عدو نیکو بخواند باشد تا وقت روز  
 خواند یا ای یا قیوم یا حی یا قیوم و معانای در خاطر گذارد  
 تا روز مقصود حاصل گردد و اینها را تا دم بدرست کند  
 حکم خانم سلیمان بر او و علیه السلام که هیچ خلایق طبع و فایز  
 او گردند از حکم و قضا او هر توانست که بپندارد آن خانم از  
 صورت و کودکی نگذاشت و از چشم حاضر و غایب نگذاشت

ق	ی	و	م	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸
و	م	ق	ی	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲
م	و	ی	ق	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳
ی	ق	م	و	۳۴	۳۴	۳۴	۳۴

الواجب فی حدیثی تواندست هر چه خواهد اینها می  
 که طایب و صادق از برکت اینها و بگوید و حاصل نیکو  
 اصل تحقیق گفته اند هر که از اینها این اسم باشد و آن  
 که بداند هر چه بخواهد فرزند آن دم پوشیدگان را غرض  
 ظاهر است و بی بدست خواص این چیزها میداند و پنهان

و مقابل کند تا در روز گناه  
 لغو او از دست عدو نیکو بخواند  
 خانم سلیمان از دست عدو نیکو بخواند  
 تا از شام بگو بخواند از شام تا وقت خواب بگوید  
 بخواند که در شب از دست عدو نیکو بخواند باشد تا وقت روز  
 خواند یا ای یا قیوم یا حی یا قیوم و معانای در خاطر گذارد  
 تا روز مقصود حاصل گردد و اینها را تا دم بدرست کند  
 حکم خانم سلیمان بر او و علیه السلام که هیچ خلایق طبع و فایز  
 او گردند از حکم و قضا او هر توانست که بپندارد آن خانم از  
 صورت و کودکی نگذاشت و از چشم حاضر و غایب نگذاشت

در کسب برکت

در کسب برکت

در کسب برکت











# در کلمه کمال

۱۳۸

عده بیست و یکم الف جیم دال عذ اولین که خوانده  
بگیر خوانند جعفر زیاده از د اعد و بخوانند از د عده تا  
تا باز د عده و در این باب آیند قاعد کافی است

۱۱	۱۵	۱۸	۴		د	ج	ا	م
۱۷	۵	۱۰	۱۶		۱	م	د	ج
۶		۱۳	۹		م	ا	ج	د
۱۴	۸	۷	۱۹		ج	د	م	ا

الاول حد یعنی خدا تعالی بگانه است در رضا الوهیت  
خوبش این ناید که از بر ز که صفات این نام در دل میسر  
بگذر حضرت نام رضا علیهم السلام فرماید هر که زامرض ضعیف و در  
کند هر روز صد تکبیر بگوید با واحد از آن بیمار ضعیف ناید  
و یک از اکابر گفته هر که در دنیا یا چای یا تنهاتر نهد یا از خوش  
شخصه خایف بود یاد در خلوت و توبه باشد این اسم هزار و یکبار بخواند

۱۲	۱۵	۱۸	۵	تجا بایند	د	ح	ا	و
۱۷	۶	۱۱	۱۶	جمع از شد	۱	و	د	ح
۷		۱۳	۱	این کرد	و	ا	ح	د
۱۴	۹	۸	۱۹		ح	د	و	ا

الاحد

از ما شما ما معصم انداد علی  
برسد با فایس الحجاز آذنی با  
انا صاحب المذی اذنی با  
القاسم اذنی با  
فایس حجاز ذلیل بجهت نفس  
و فایس و ذلیل و بجهت و سبک  
شکست و شش با و بجهت و شش  
بجهت و شش با و بجهت و شش  
و بجهت و شش با و بجهت و شش  
فان اول اول اول اول اول اول  
الا اول اول اول اول اول اول  
الشرط الاول منقول است که از هر  
بجهت و شش با و بجهت و شش  
و بجهت و شش با و بجهت و شش  
منقول است که از هر  
با فایس المذی با و بجهت و شش  
منقول است که از هر

حضر و غرض

حضر و غرض

حضر و غرض















شركة كوكاكولا الفاي

123

الفای یعنی خداند توانا بهر چه خواهد شد در دنیا  
 دیگر در هر حال این نامست که درین علم بر قوم خویر  
 اینست و تا وقت اهل حق گویند هر که خواهد اخصا اینست  
 تا مبدع و احترام کند باید که بداند که توانای بجهت خدا رست  
 هر چه خواست که در هر چه خواهد کند بقضای الله باشد و  
 بحکم ما برین پس باید که در دو مقصود مراد کند کار خوب و  
 سزاوار کار و تا قادر و توانا باشد دهد نیز آنچه خواهد خواست  
 فرمود اند هر که در وقت ضو ساختن بر هر عضو سبزه بگذارد  
 بر خصما غالب آید اگر چه ضعیف بود یکی از اکابر فرمود که هر که در  
 قتال جدال با خصم کند که این اسم خدا و مقام غالب کرد در خصم  
 و هر که را خصم توانا باشد در وقت سیر کشته و غایب شد از دشمن  
 اسم در وقت طهارت بداند و نام خدا و مقام خصم او را مقلوب گرداند

٧٩	٧٩	٨٢	٩٨	٨٤	ق	د	ا	ر
٨١	٩٩	٧٨	٨٠		د	ق	ر	ا
٧٠		٧٧	٧٣		ر	ا	د	ق
٧٨	٧٣	٧١	٨٣		ا	ق	ر	د

المسألة

三

محمد فاضل خاں

بعد از آنکه خود بخواند چهار شب متوالی  
غایت راوی گویند و بعد از آنکه امام  
صفت را در حق خود بخواند و در حق  
که با شاه مراد از دست بکند و در حق  
از او و از امام او خود را و در حق  
فرمودند اگر چنین باشد که در حق  
خود شهید گردد و در حق خود که  
نبا کنم این طاعت را و در حق  
هرگاه از غفلت خود میریزد و در حق  
سوره قل هو الله احد را و در حق  
سمت خود بدین بابین بر سر لیون از  
پیش در طاعت از جانب راست بعد  
از طرف چپ بر سر بعد از چپ  
بعد از آن بالای سر بعد از چپ  
خود را برای ثواب و عافیت  
که خدا قلم کند و ثواب و عافیت  
افزون باد شاه و شریف  
و در حق







در کلمه مبارکه الف

144

نختر ساختیم اگر تواند هر روز باین عدد یا مقصد بگوید این آیات  
مذکور را اگر میسر نشود این عدد را با این طریقی بر کاغذ وضع کند  
و ناخود دارد و بعد کبیر که زیاده از قدر زیاده است بخواند  
تا تواند این عدد کامل خواند که تقریباً قیاس شود که عاقبت محمود  
گردد و این را بسیار از بزرگان بخبر کرده اند نیز تقریباً این  
در سیدنا نه مقاصد یکی از این عمل حاصل شود و زیاده  
و القیاس که بهر طریقی میسر است تمام است و در این آیات این  
خلو بجای ورد و بخور رسود وجود و ضد و بعد کامل  
یا بعد تکبیر را آورد و خواص هر یک را که خصم ناخود را  
خصم تکبیر کند یا بهتر بگویم نام خصم بر نام خود مقصد دارد و در وقت  
تکبیر خواند مقصود شد عدد و خاطر آورد و هر عدد که از تکبیر  
آید بر لای شبانه نیندازد و رنگ در صبح نیندازد و اگر خواب بود  
که یاد از والا گذارد و بخانه دشمن رسد و در مقصود گردد

188	189	190	191	192	193	194	195	196	197	198	199	200
201	202	203	204	205	206	207	208	209	210	211	212	213
214	215	216	217	218	219	220	221	222	223	224	225	226
227	228	229	230	231	232	233	234	235	236	237	238	239
240	241	242	243	244	245	246	247	248	249	250	251	252
253	254	255	256	257	258	259	260	261	262	263	264	265
266	267	268	269	270	271	272	273	274	275	276	277	278
279	280	281	282	283	284	285	286	287	288	289	290	291
292	293	294	295	296	297	298	299	300	301	302	303	304
305	306	307	308	309	310	311	312	313	314	315	316	317
318	319	320	321	322	323	324	325	326	327	328	329	330
331	332	333	334	335	336	337	338	339	340	341	342	343
344	345	346	347	348	349	350	351	352	353	354	355	356
357	358	359	360	361	362	363	364	365	366	367	368	369
370	371	372	373	374	375	376	377	378	379	380	381	382
383	384	385	386	387	388	389	390	391	392	393	394	395
396	397	398	399	400	401	402	403	404	405	406	407	408
409	410	411	412	413	414	415	416	417	418	419	420	421
422	423	424	425	426	427	428	429	430	431	432	433	434
435	436	437	438	439	440	441	442	443	444	445	446	447
448	449	450	451	452	453	454	455	456	457	458	459	460
461	462	463	464	465	466	467	468	469	470	471	472	473
474	475	476	477	478	479	480	481	482	483	484	485	486
487	488	489	490	491	492	493	494	495	496	497	498	499
500	501	502	503	504	505	506	507	508	509	510	511	512
513	514	515	516	517	518	519	520	521	522	523	524	525
526	527	528	529	530	531	532	533	534	535	536	537	538
539	540	541	542	543	544	545	546	547	548	549	550	551
552	553	554	555	556	557	558	559	560	561	562	563	564
565	566	567	568	569	570	571	572	573	574	575	576	577
578	579	580	581	582	583	584	585	586	587	588	589	590
591	592	593	594	595	596	597	598	599	600	601	602	603
604	605	606	607	608	609	610	611	612	613	614	615	616

المعنى

مجلس

محمد مصطفیٰ بن عبد اللہ

100

م	ق	ت	د	ر
د	ر	م	ق	ت
ق	ت	د	ر	م
ر	م	ق	ت	د
ت	د	ر	م	ق







# در کمال مایه المخر

۱۴۶

و دارند این لوح بر اعدا غالب کرده و در این ردیف دشمنان  
افتد که بیواسطه فرادین قرار لازم دانند اگر لوح نقش  
کنند اثر خود بر واقع شود و سلطان را واجبت دهد  
این اسم بر زبان داند و بر خود و بر سپاه خود دمدا از شر خصم  
محمود ماند المخر یعنی پست در نگار شایسته و پست  
در مراتب را نیست که فرید کار از سبب بقسام فنا خواهند شد  
اهل عشق گویند هر که خواهد تر خواست نفس کند و رضا  
خدا بشما برادر نفس خود مفکد آید تا این دعا جل جلاله  
دعا و بر سبب ناخیر و بلا بندگان خود گرداند حضرت امام رضا  
علیه السلام فرمودند هر که این دعا بخواند سیدنا باشد اعمال خیرند  
باشد باین اسمها و منت نماید و در از کرد و عمل او مقصود  
گرداند یقین او بجهنم زیاد کرد و در این ممکن نباشد

۲۱۱	۲۱۴	۲۱۷	۲۰۴		م	و	خ	ر
۲۱۶	۲۰۵	۲۱۰	۲۱۵		خ	ر	م	و
۲۰۶		۲۱۲	۲۰۹	۲۱۱	ر	خ	و	م
۲۱۳	۲۰۸	۲۰۷	۲۱۸		و	م	ر	ح

اول

از آن بگشای انگشتان دست  
یا است و با این حرف که میخواند  
انگشتان در سینه بر جای آورد  
مستحق من بود و بخواهد بود  
که اگر از او شایسته از او داد  
البشر را کرد و در جهنم داد  
سوزان از این کتاب را بجهنم  
نظر و از او شایسته و سبب  
کا خد کرد و در جهنم و سبب  
خاکه او باد و در جهنم  
البشر را شود ان شاء الله  
منابر که از او گرفت را با جهنم  
آن شخص در جهنم و در جهنم  
کنند و در جهنم ان شاء الله  
منشده من کند البشر را و در جهنم  
بجهنم شخص که در جهنم  
منابر که از او گرفت را با جهنم

سوره بقره

سوره بقره

سوره بقره







# در کلمات اول

۱۴۸

گویند هر که خواهد احصا این کند باید که با خود شمر کند  
و غیر مت جزم گرداند که هر فعلی که از او در جواب خدا  
شده باشد هیچ عمل بر نیکنند یا خائنه کار و غیر صلاح باز گرد  
ود عو این اسم متا کسانیت که مددینا از خائنه کار ترستند  
سازند یا بدستجا و تمامیم کارش بخاوت ایمان گردند شیخ  
فرمود که قاری این اسم زهد حال بصفا باطن و خونی حال بود  
و ذام دل و غیر باشد با ایمان و معرفت کامل ایم متوجه  
استقامت کبریا بود و او را رضوا اکبر نصیب کند و خوب صدق  
دل گوید و منجی در دل ذکر زبان گذراند دل و برزند  
و زبان و برادر کربا بنما حق خود گرداند انشاء الله تعالی

۱۴۰	۲۳	۲۶	۱۹۲		د	خ	لا	ا
۱۵	۱۹۳	۱۹۹	۲۴		لا	ا	د	خ
۱۹۴		۲۱	۱۱۸		ا	لا	خ	د
۲۲	۱۹۵	۱۹۵	۲۷		خ	د	ا	لا

الطاهر فی خدا که پنداست منته با نادر و علامت  
در ظهور و وجود اهل بحیثو گویند هر که خواهد که احصا این

کرده و عفت بار سوره لم یکن را  
بر آنها بخوانند و در وقت خفتن در  
خوانند و منمن باشد و در وقت  
و حالش بر ایشان گردد و در هلاک  
شود و بجهت عمل نماز عالم این را  
بصفا نوبت و تمام آن مختصر  
بوی آن نوشتند و حکما در وقت خفتن  
گردد و نمازها را از رسول فدا  
تخلص من فیکل الی مثل آفان  
ما قاتل اولئک اقلکم علی الخاف  
نا آخر بر دست و در وقت خفتن  
و بخوانند و منمن باشد و در وقت  
فضا و آخر و منمن باشد و در وقت  
بخطرت سبلا السند ام من منمن  
صلی علی و منمن باشد و در وقت  
تو منمن باشد و منمن باشد و در وقت  
انیم و منمن باشد و در وقت

هر روز این دعا را بخواند

هر روز این دعا را بخواند







# شرح کتاب الباطن

۱۵۰

دشمن معهود گردد الباطن یعنی پوشیده ذات و از دنیا  
 ابصار و هضم این نام است جمله جانوران از غصه و زکوة  
 این نام بشناخته اند خداست از اهل حقیقت که می بیند هر که خود  
 نما احصا این نام کند باید که خود را چنان خلق نماید که خدا باطن  
 منو خداست باشد تا این در سجده و دعا باطن را از صلاک  
 نگاه دارد و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود اند هر که امانت جان  
 و مهتابا دینش نهاد این باوقو این روشن روبرو نگه آید

۱۸	۲۱	۲۴	۱۰		ب	ا	ط	ن
۲۳	۱۱	۱۷	۲۲		ط	ن	ب	ا
۱۲		۱۹	۱۶	۲۶	ن	ط	ا	ب
۲	۱۵	۱۳	۲۵		ا	ب	ن	ط

امانت نهادن دست و سالم ماندن دست غیر زبان نرسد  
 هیچکس آن مطلع نگردد از برکت این لوح بزرگ فرمود هر که  
 هر روز صومعه را در زبان داند بدین بدو متعالی شود  
 او را از هر چیزی نیاز گردد **لا حول الا بالله العظیم**  
 این چهار اسم خواص بسیار است سر را بر جبهه و احوال فریب دهد

این

مسلک و غیر مسند و صد بار این دعا  
 بخواند التماس طلب بر آوردده است  
 و از حاجت بر کرده و اندر دست  
 اندک از نا اعلان بخواند  
 لا تسهل الایمان جملک سئل الایمان  
 انت تسهل انحر اذا شئت سهلا  
 تسهل لنا موعد الدنيا والاخرى  
 تسهل باسلامنا فاقنا بالقدیم  
 تسهل با انتم انزل احبین  
 تسهلنا ذل و فخر حاجت خود را از خدا  
 بخواند در شرح اسماء الهی و قدوس  
 انکه هر که با نماز و دعا و دعا  
 چهار روز و شب خانه خود در هر روز  
 ده بار بگوید **الترافا و ابدا ازین**  
 داشت کند و حاجت بر آید و از فقر  
 و فاقه خلاص گردد و از فقر  
 و فاقه خلاص گردد و از فقر

هر روز این دعا را بخواند

هر روز این دعا را بخواند







# شرح کتب الالهی

۱۵۲

تا احصا اینها کند باید که محبت صالحان باشد و نیز ضلالت  
 پیش گیرد و محتاجی و وکی خود را بحد آنها گذارد و ظاهر  
 ناظر خونیک سازد تا اولی المتعال کارها او را بکمال برساند  
 او را و مهربانندگان نیز ساخته گردد و دعوی این اسم متنا  
 کسایت که خواهند بدیده لایت شدند حضرت امام رضا علیه  
 فرمودند که اینها بزرگوار نویسند بر آب کنند و چنانچه  
 و نام سر را خوشایند این و خانانه از دزد و ضاعه و سیل  
 و دزدان و جملہ افتخار بزرگ فرمود هر که این را بخواند و بنویسد  
 در سفر افتخار یابد و ثبات بخدا با خود دارد و این اسم بعد  
 کثیر بخواند هر روز این بود از قهر سلطان غل غل غل  
 چاه منصب غرق و حرق و سالم بود در بر و مجازات و عتاب  
 و نکبات آخر الزما محفوظ

۱۱۲۴	۱۱۲۷	۱۱۳۱	۱۱۱۷
۱۱۳۰	۱۱۱۸	۱۱۲۳	۱۲۲۸
۱۱۱۹		۱۱۲۵	۱۱۲۲
۱۱۲۶	۱۱۲۱	۱۱۲۰	۱۱۳۲

و کبر

و ان شئنی علی الخالق و ان شاء  
 خلق الالبان و خیرا و کسارای  
 قضای و خیرا و کسارای  
 حشا این دعا را صد بار بخواند و  
 صد بار صلوات بفرستد بر شیخ  
 ارحم الراحمین و اگر در بیست و  
 الرحمن الرحمن و اگر در بیست و  
 قادم و و الاله و قلمه قاصد  
 انت التوب و اما العبد و القدر  
 یجلی و التوب و اما کان و یجلی  
 لک صا و قد و یجلی و یجلی  
 فصل علی محمد و آل محمد و  
 اغنی با غیبات الشیخین  
 بآیتا العالمین شیخ و خواص  
 جمل اسماء و در علی بن ابی طالب  
 السلام کرد و کلام بجمع التوب  
 صلوات و شیخ  
 طاهر

عنه رضا و خیرا

عنه رضا و خیرا



# شعر کاتبی المبعوث

۱۵۳

ولایت امیطح متحر و گردند خبر بزرگ او با طرف جنوب  
عالم مندر گرد و اگر در ایند عو بصدا و غنقا تو و حجه  
نفسر خلا یون بخواند بر خدا تعالی خواند بدو خبر لایست و  
صفا باطن و بزرگو نماید که بر او منکشف گردد و علو غریب  
علم لدنی و حیات عجیب و غریب تکبیر شیخ مع صد مؤخر  
چهار صد زیار و عددان چهار هزار و چهار صد و نه عدد  
است و بعضی از اکابر گفته اند هر که روز سه نوبت بخواند و معیت  
در قل کند زانند چنانکه غیر در خاطر او خط و نکند از این

۱۱	۱۴	۱۸	۲۰		و	ا	ل	ی
۱۷	۵	۱۰	۱۵		ل	ی	و	ا
۶		۱۲	۹		ی	ل	ا	و
۱۳	۸	۷	۱۹		ا	و	ی	ل

المبعوث ایفتخار کند بزرگ خویش را بنمایند اهل  
تحقیق گویند مگر خواهد که این اسم کند باید که نا جان  
نمید بخند خود را غایب زانند در اعداد و جگر با و نحو کمال  
حضرت شاه علی علیه السلام میفرماید که لا اُحِبُّ شَأْنَ عَلیکَ

که غلو فانی و موجودات با او باشد  
مهر گردند و در این دنیا و آخرت  
از او مشاهده کرد و در هر دو عالم  
و ملاقات نماید دل و جان را  
دو شکر کرد و در هر دو عالم  
و از منکشف شود و شیخ را رغب  
و بار که بنسب است از این عالم  
و انصار از برای هر انبیا و ائمه  
عجله فرموده اند که هر کس بخواند  
در عبادت شایسته گردد و از این  
اگر کسی بخواند از او در جبهه  
باشد و یاد منبر باشد چون در یک  
بار بخواند و در هزار بار و از این  
بار شاه مهر و جنت این شخص پیدا  
شود و در جبهه که خواند این قاصد  
عشق و اگر بنسب خواند



# شکر و ملائکة السماء

۱۵۴

اَنْتَ کَمَا اَنْتَ عَلٰی نَفْسِکَ بِرَبِّکَ اَحْوَالُ وَاَقْوَالُ اَفْعَالُ مَوْفِقُ  
 حَضَرَ کَبیر مَوْجُودِ کَرْدُ عَلَیْهِ فَضْلُ الْمَصْلُوِّ وَ اَحْلُ الْخَیْالِ اَنْ اَنْ  
 مَنَّا وَ یَزَارُکَ کَرْدَانْدَ اِنْفِاسِی کَ شَمْسِ بَرِکَتِ اِنْفِاسِ مَصْنُوعِ  
 حَضَرَ اَمَامِ رَضَا عَلَیْهِ السَّلَامُ فَرَمُودَ اَنْدَ هَر رُزِی کَ دَرْ اَحَالَتِ حَیْضِ وَ  
 اِنْفِاسِ سَبَا کُویْدَا بِمَنْ فَا نَدَا زَجَلَه اَفْتَا اَخْصُو اَز اِسْتِخَاضَه وَ کَ  
 اَزَا کَا فَرَمُودَ هَر کِمَ نَدَا رَغَمَتَ نَایِدَ بَعْدَ تَکْبِیرِ اَوَّلِ اِسْمِ نَاجِطِ اَوَّلِ  
 کَرْدَنِ اَز غُلِّ وَ غُشِّ کَدُورِ وَ جَمِیعِ عَیْنِ اَخْطَا اَمَرِ بَاطِنِ وَ هَر کِمَ نَفْسِ  
 کُنَدِ حَوَ اِیْنَ اِسْمِ بَرِکَتِ عَیْنِ اَبَلُورِ وَا کَرْدَنِ نَدَا مَدِ بَرِ نَفْسِ  
 بَعْدَ تَکْبِیرِ اَجْرَمَتِ نَکَا هَدَارْدُودِ عَمُودِ رُزِ یَا دَر شَبِّ مِهْمَنِ  
 کُنَدِ خَاصِلِ اَیْدَا وَ اَمَرِ تَبِ عَادِ صُورِ وَ مَعْنِی وَ شَمْعِ مَقَرِ فَرَمُودَ  
 لَمَعْدُ دَر دُخْلَانِ مَرْتَبِی اَخْطَا اَمَرِ نَهْلَنْدِ کَرْدَنِ وَا کَرْدَنِ شَبِّ خَانْدَنِ  
 عَادِ رِیَابِ دَر اَجَلِ طَبَقِ حَرِیْقِ کَ بِحَقِّ نَوِیْسَنَدِ وَ بَعْدَ تَقْدِیْسِ هَر رُزِ

۱۳۷	۱۴۳	۱۴۴	۱۳۰	۱۴۶	م	ت	ع	ا
۱۴۳	۱۳۱	۱۳۶	۱۴۱		ع	ا	م	ت
۱۳۲		۱۳۸	۱۳۵		ت	ع	ا	م
۱۳۹	۱۳۴	۱۳۳	۱۴۵		م	ت	ع	ا

و عدد

دلا و جهان دو هنر گردید کردان  
 عالم مشکل بر او انا شود در شان  
 ز یاد شود و اگر با غسل در طاهر  
 بایست صد و بیست و یکبار و بیست و یک  
 بخواند و بگوید و بخواند و بخواند  
 فرمان بدار و می گوید و دریا و دریا  
 بگویند و بگویند و بگویند و بگویند  
 باری که کل شیء و دارند در بعضی  
 نفع زیاده و قوت از قوت و قوت  
 در یک شده است [الحکم] و قوت  
 اگر کسی گفت که است باشد در  
 نظر من احسن باشد و در  
 هر روز بگوید و بگوید و بگوید  
 و جلالت و وسعت در وی باشد  
 شود و در نظر خلق بگفت باشد  
 و هر که را و در بیست و یک

عمر کبریا و سید

عمر کبریا و سید

عمر کبریا و سید



# شرح کلمات البر

۱۵۵

وعدت بکبر که بخواند و قرار و دیت و هشتاد و هشت عدد است  
یا متع و در قرار و سیصد و بیست و هشت عدد است المتع  
که خوانند عوت نمایند و عوا این اسم منا کسانست که در سلو  
یاد دنیا خوانند که بعد جبر کال سندن بد عوانینا مقام  
و اگر بعد تکبیر نتوانند خوانند بعد و سبط که اصل عد است  
خوانند که یا نصدا بجاه و یکونیت است یا بقول شیخ بعد کبر  
زاده از هزار بار است بخواند البر حاله جلاله بعضی خلای  
بنگو کنند یا خلای بن خویش و بنگو او بهر جا و هر کس بسید است  
و این است که خورد از بزرگ این نام به نرد که رسید اندام  
تحقیق گویند که خواند احصا ایضا کند اول باید که شفق  
و مرتخت خلای در ربع نداد و تا تواند شکار اسیر کرد  
و نصدا بد هد نایر رحم و برادر میا البر درج کند و در  
الحلک ای جای هد مشر که امت فرایند عوا این اسم منا  
کسانست که از آفت هر و قتل جاه و منصب سندن خواصام  
رضا علیه السلام فرمود اند هر که این اسم را بر گوید و بخواند  
چون بسن بکوح رسد ایمن از آفت و زکار و بزرگوار

دی شود و دیگر نیک و شرف و دولت  
گردد یا الاله الا لیه الرفع جلاله  
استحقاق و کبر و جبر و شرف  
و با شایسته بود و عجل با مع  
روید و عجل از غار جبر و دین و عجل  
این اسم را با خلای و بخواند و با  
در مطلب و هر کس که در حاجت  
الله عاجز بود و در حاجت  
الله و العفو و در حاجت  
چهار بار که هر کس که  
خلق باشد و در هر روز  
و از بار باشد و در هر روز  
این صفت از آرد و شرف و عجل  
گردد و این نام را بسن و در عجل  
بصفت بنویسد یا عجل و در عجل  
و با در عجل و در عجل  
عجل



چندین روز و شب

چندین سال و روز

دین کنند و بجای آن نان شادی و  
 بدو خوشا و روزی یک گندم و دو ذره برای  
 روزه بپزند و با آب زعفران بخورند  
 چون روز سیم شود بخواند و غسل  
 کند و در آن روز غسل نماید با آب زعفران و  
 کند و دست راست و چپ را بشوید که اگر  
 بار آن گندم و در سیم بار آن گندم  
 هفت و نیم باشد و اگر آن  
 شوق و راحه باشد و اگر آن  
 که در آن روز باشد و اگر آن  
 خانه آن عاجز باشد و اگر آن  
 اسم را بشوید و اگر آن  
 چوبی نو باشد و اگر آن  
 و اگر آن گندم را بشوید  
 و اگر آن گندم را بشوید

# در کتاب التواب

که چون طفل متولد گردد سه روز هفتاد بار بخواند  
 و نفس بر او دمدا نطفه از اوقات بلیتا محفوظ ماند تا حد  
 باوغ و شیخ مغز گوید هر که مذمت نماید در شهر و علانیه مذکر  
 این اسم خضیا و تعابو و رساند آنچه طلبکار است و اگر بعد از  
 که شصت روز و نه نوبت است باید که بخواند روزی نه بار  
 مقصود حاصل گردد و آنچه مطلوب است بواسطه نمود

۵۰	۵۳	۵۶	۴۲		ی	ا	ب	ر
۵۵	۴۴	۴۹	۵۴		ب	ر	ی	ا
۴۵		۵۱	۴۸		ر	ب	ا	ی
۵۲	۴۷	۴۵	۵۲		ا	ی	ر	ب

التواب یعنی خدا توبه کنند توبه پذیرند است این توبه  
 که توبه کردم علیه السلام بزرگ است این اسم قبول کردند اهل  
 گویند هر که خواند تا الحسا این اسم کند باید که اگر روزی از راه  
 سه و غفلت توبه واقع شود روزی شام گریه انداخته و گریه  
 بدگاه بگریه آورد و سر بچاند و توبه کند بدست توابع و غیر  
 و بیست و هفت روز و جوهر رخ نکند و اگر بخواهد آن بندگ







# در شکر ابرار کمال منفعت

۱۵۸

و بد چنانکه خواست این را نیست که بنیمنان بر کافران از برکت  
اینها ظفرافنده اند این اتم مناسب است که از ظالمان انتقام  
خواهند اهل تحقیق گویند هر که خواست احصای این نام کند  
که هر که بر هیچ کس جفا نکند در حق مخلوق هیچ بد جایز ندارد  
و آنچه تواند از نیکو در مخلوق دروغ ندارد تا حق سبحا و تعالی  
از او شک و ایهت و شجاعت نکند و باطن با انتقام  
مظلوم از ظالم باشد احصا و ام رضا علیه السلام فرمود اندک  
بر جفا خشم صبر نتواند کرد این اسم در یکصد مرتبه بخواند  
یکساعت بخواند چون سه جعفر بگذرد خشم بر او می افتد و اگر در  
فرمود هر که زاقور مقاومت نماید دشمن نبود و دشمن او نباشد  
بسیار باشد خشم خود را ضعیف می یابد و بگوید هر روز

م	ن	ت	ق	م
ق	م	م	ن	ت
ن	ت	ق	م	م
م	م	ن	ت	ق
ت	ق	م	م	ن

۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰
۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰
۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰
۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰

۱۹۵

سعد

میان حضرت خیرا شب بادر برسد  
و انصاف او داشت که هرگاه چیزی  
از کسی در برده باشد بخواهد بکشد  
برسد از عین و عین و عین و عین  
سوزانما بخواند در روز و شب  
بر کرد و انصاف خیر و بدی  
که گمان دردی داشته باشی  
بنا بر شانی فالو آنجایی  
الله و الله و الله و الله  
الکتاب و حجاب محمد و آلی  
دردی اوی بد بخورد و اگر خیر  
مسلوم است که در داشت و اگر  
شمار که قتل و اگر از انصاف  
و اگر خشم و اگر خشم و اگر  
خوب کند و اگر کسی که گمان دردی  
داری بد که بخورد اگر خشم و اگر  
خشم و اگر خشم و اگر خشم

همه روزها بخواند مال در روز

همه روزها بخواند



# شرح واکاوی لغوی

۱۵۹

شست و چنانوقت است که دست نماید و شمر چنان صلیح و منتهی  
 گردد که عفو کند هر چه بگوید و خدا تعالی کردار و برادر بگوید  
 العفو یعنی خدا در گذشت کردار مخلوقا است و عفو  
 بسیار از گناه ترسد این نامی است که با بوضوح و برینندگاه  
 برکت اینها خواهند رسید و هر چه عفو گویند هر که خواهد  
 احصا این نام کند باید که بداند که هر چه از بندگی خدا است  
 عفو میکند و خداوند است و صد هزار چنان در میگذرد  
 چون بگوید از بند عفو فرماید تا نامه اعمال و بران که در داند و  
 سبحان در کلام میگرد فرموده است هل جرأاً الاخوان الا  
 الاخوان و اثری بماند چون بند از ضیق قرار بر دست  
 فرماید حصوا امراضاً علیکم لتلا فرموده اند هر که گناه  
 بسیار بود چنانکه در دنیا است و در دوزخ نود با الله چون  
 اینها بسیار گویند یا میباید در دوزخ است بزرگ فرموده

۳۸	۴۲	۴۵	۴۱	۴۷	ال	ع	ف	و
۴۴	۳۲	۳۷	۴۳		ف	و	ال	ع
۳۳		۴۰	۳۶		و	ف	ع	ال
۴۱	۳۵	۳۴	۴۶		ع	ال	و	ف

۴۷

و اگر بخواهد شمر چنان صلیح و منتهی  
 گردد که عفو کند هر چه بگوید و خدا تعالی کردار و برادر بگوید  
 العفو یعنی خدا در گذشت کردار مخلوقا است و عفو  
 بسیار از گناه ترسد این نامی است که با بوضوح و برینندگاه  
 برکت اینها خواهند رسید و هر چه عفو گویند هر که خواهد  
 احصا این نام کند باید که بداند که هر چه از بندگی خدا است  
 عفو میکند و خداوند است و صد هزار چنان در میگذرد  
 چون بگوید از بند عفو فرماید تا نامه اعمال و بران که در داند و  
 سبحان در کلام میگرد فرموده است هل جرأاً الاخوان الا  
 الاخوان و اثری بماند چون بند از ضیق قرار بر دست  
 فرماید حصوا امراضاً علیکم لتلا فرموده اند هر که گناه  
 بسیار بود چنانکه در دنیا است و در دوزخ نود با الله چون  
 اینها بسیار گویند یا میباید در دوزخ است بزرگ فرموده



هفت روز در شهر

هفت روز در شهر

هفت روز در شهر

مستور باشد اگر این اسم را بسیار  
خواند بخت آباد و اگر کسی بخون  
تاک باشد از دشمنی و قتل نماند  
مستور باشد که کند و نماز کند و چون  
از نماز فارغ شود چاه بار بار این اسم  
بخواند از دشمن و خوف دشمنی  
کرد و دشمن بر وی و دشمنی  
با واحد اللطیف اول کل شیء و یقین  
انتم هشتم اگر کسی خواهد که  
دو کار فایده نام نام باشد بگوید  
آن سر روز روزه دارد و هر  
روز با وضو و سجده و این اسم  
بخواند خداوندی خالص و اول  
روا کند و اگر پادشاه یا وزیر بخواند  
کرد و دولت مستطیر نماید این  
اسم را و در کلین و درین بنکار و  
در آنکس نشان داد و روز

# شرح دعا که از قرآن

ج ۱

که خداوند این اسم موجب بید بقیات عالم است ان شاء الله  
القرآن و فی حدیثی است و مهربان با خلقان نماید ان شاء الله  
و بجا با اهل دنیا و طغیان و استغیاب نماید که اهل شفاعت  
محمد صلی الله علیه و آله را یابند و خواهند یافت اهل تحقیق  
هر که خواهد که احصا این نام کند یابد که بدانند که خدا تعالی  
در دنیا شامل است مؤمن و کافر و منافق و فاجر و منافق  
گردانند اما در قیامت بمصاحف و سوره ها و این نام که هر توبه و  
پیش گیرد و بفرمان خدا و فرزان رحم کند در حق ایشان و عاقل  
کند حاضر ملک خوف عاقل قبول کند و از اجتناب  
بیاض و در حضور امام رضا علیه السلام فرمود اند که خواهند  
که مظلومین از جحش الی بر همانند بار این اسم را بگویند  
برابر و انظار شفاعت و در حق مظلوم قبول کند و اول  
بگویند و عواین اسم مناسب است که ضعیف الحال و نحیف  
باشند و بیگانه از کار فرمود هر که گرفتار باشد بد خصم و  
مایه جوش و در جحش ظالمی نماید بدست کافر و مبین  
بخواند این اسم را بعد کبیر و نیکبیر کبیر و هزار بار و زیاد است

و قبول



# شکر کلمه مالک الملک

۱۶۱

بقول شیخ مفرغ تکیه فرار و مقصد چهل مرتبه  
است افضل روز خدا بیچاره که داند نظام را فجا یا بد  
مخوس از برکت این اسم و هر که باشد یا خا که کفر  
مهر یا نکرد در روز جمعه این اسم را بعد از نماز و بیست  
الکلام بر شیخ یا بر ابر یا بر خدا یا بر شیخ یا بر خدا یا بر  
اب خود مطیع و مستغفر گردد و از فرمان و البسه یا و نه یا کند

۷۱	۷۴	۷۷	۶۲		ر	و	ز	ف
۷۶	۶۵	۷۰	۷۵		و	ر	ف	ز
۶۶		۷۲	۶۹		ف	و	ر	ز
۷۳	۶۸	۶۷	۷۸		ز	و	ر	ف

مالک الملک یعنی پادشاه پادشاهان شکند کرد  
هر چه از وقت بگذرد و موضوعی نیکو داشت هر شکسته دل بچانه  
اهل حقیقت که بند هر که خواهد که احصای این نام کند باید هر که  
خارج خود بکشد عرض کند خدا تمنا بعضی از بندگان خود  
همکار است و در هر که خجالت خود را بجد خود عرض نمکند  
زیر که بخت و می دانند که خدا بیچاره را چنانچه او بر خیر تمام

شکر افکار و دل در خدمت خدا  
بماند یا نام یا لا اله الا الله  
لله دقایق اسم هم که در دنیا  
از دوشهر سازگار است باستان  
اسم نامیک و زعفران نیکاست  
جی و نشو و یا چهره دروید  
ابد یا نامیک یا چهره دروید  
هر که خصوص نکند یا صدق  
چهره یا نامیک یا چهره دروید  
هر که خصوص نکند یا صدق  
دی که در دگر در حق وی بگو  
نخواند گفت باید زوی بگو  
از سر مثال سرب و از نام بار  
ان نفس کند و نام خطا را بنویسد  
در دگر نامی همدردی در زمین  
دین کند زبان ایشان و در  
که در هر که در حق

چهره یا نامیک یا چهره دروید

چهره یا نامیک یا چهره دروید

چهره یا نامیک یا چهره دروید



شركة ماكينات الخياطة

بنام خدا و از آنچه در ضمیر ایشان گذشته و خواهد گذشت اینست  
که پادشاهها عالم از بركت و جلالت این نام برپادشاه و سلطان  
میدانند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود اندر که اینستا  
دنيا خوانند و دنیا توانگر گردد و منصب نایب و وزیر بگردد و فرمود که  
این اسم را بخوانند تا یاد کند که ما مالک الملکة الجلال والاكرام  
تعالی شان و برین نام وقت نمایند که بر پادشاه و سلطان  
و بجا و منصب عزت و توانگری در عالم صورت و معنی و انصاف  
او بود اگر خواهد که نصرت در قلم ملوک و سلاطین و تغییر قلوب  
خلایق کند شرطی که مذکور شد در اسم لرجم بخواند و در وقت  
بلند دارد و در دنیا نفس کشد و چون نفس را ضعیف سازد روح  
گیرد و بخود روح قوت یابد و روح بعلوم علو تواند کرد و کار او  
مالا گیرد و روز بر فردر برتر باشد حضرت رضا علیه السلام  
وصایت نمودند بر شما باد که در عرض حاجت ما الفتنه نمایند  
و الحاح کنید ز گفتن یا ذا الجلال والاكرام که سلب طاعت خدا  
بشیخ مفیر فرمود که در مسجد نیست بجا از بگوید یا ذا الجلال  
والاكرام هر چه که خواهد و اگر دو کام و اگر ده و اگر ده و اگر

تاریخ ۱۳۰۲

سخن گویند با ما رفتن مالاشی  
 نفعی در این نیست و الا امکان آن  
 است که با ما اگر کسی اندیشمن  
 باشد باید هفت روزه در وادی  
 در آن بنشیند و دعا بخواند و دعوت  
 باز این رسم بخواند و دعوت  
 تمام شود و شمس مظهر و دعوت  
 و اگر کسی در آن باشد با این  
 ملا و من نمایند که نه نه نه  
 تا که بر آتش آتش عظیم آیم  
 الفضول و وصف عظیم آیم  
 و از دهم آیم که به بخواند  
 با با خود دارد از عظیم آیم  
 باشد و اگر یکی نظرند و باشند  
 و با جا دوری کرد و باشند این نام  
 و با هفت جوئی نفس کرد و با خود  
 دارد و با هفت از وی  
 و بعد

محمد حسن دکنی

محمد بن عبد الله بن محمد

حضرت مولانا محمد عظیم الدین



شیخ کا مکتبہ افسط



عَدَّ اِيْنَ اِسْمَ دَر مَرِیچِ جِهَادِ رَجَا وَضَعِ كُنْد و ذَر مَرِیچِ بَرِ

٢٨٠	٢٨٢	٢٨٤	٢٨٦	٢٨٨	٢٩٠	٢٩٢	٢٩٤	٢٩٦	٢٩٨	٣٠٠	٣٠٢	٣٠٤	٣٠٦	٣٠٨	٣١٠	٣١٢	٣١٤	٣١٦	٣١٨	٣٢٠	٣٢٢	٣٢٤	٣٢٦	٣٢٨	٣٣٠	٣٣٢	٣٣٤	٣٣٦	٣٣٨	٣٤٠	٣٤٢	٣٤٤	٣٤٦	٣٤٨	٣٥٠	٣٥٢	٣٥٤	٣٥٦	٣٥٨	٣٦٠	٣٦٢	٣٦٤	٣٦٦	٣٦٨	٣٧٠	٣٧٢	٣٧٤	٣٧٦	٣٧٨	٣٨٠	٣٨٢	٣٨٤	٣٨٦	٣٨٨	٣٩٠	٣٩٢	٣٩٤	٣٩٦	٣٩٨	٤٠٠	٤٠٢	٤٠٤	٤٠٦	٤٠٨	٤١٠	٤١٢	٤١٤	٤١٦	٤١٨	٤٢٠	٤٢٢	٤٢٤	٤٢٦	٤٢٨	٤٣٠	٤٣٢	٤٣٤	٤٣٦	٤٣٨	٤٤٠	٤٤٢	٤٤٤	٤٤٦	٤٤٨	٤٥٠	٤٥٢	٤٥٤	٤٥٦	٤٥٨	٤٦٠	٤٦٢	٤٦٤	٤٦٦	٤٦٨	٤٧٠	٤٧٢	٤٧٤	٤٧٦	٤٧٨	٤٨٠	٤٨٢	٤٨٤	٤٨٦	٤٨٨	٤٩٠	٤٩٢	٤٩٤	٤٩٦	٤٩٨	٥٠٠	٥٠٢	٥٠٤	٥٠٦	٥٠٨	٥١٠	٥١٢	٥١٤	٥١٦	٥١٨	٥٢٠	٥٢٢	٥٢٤	٥٢٦	٥٢٨	٥٣٠	٥٣٢	٥٣٤	٥٣٦	٥٣٨	٥٤٠	٥٤٢	٥٤٤	٥٤٦	٥٤٨	٥٥٠	٥٥٢	٥٥٤	٥٥٦	٥٥٨	٥٦٠	٥٦٢	٥٦٤	٥٦٦	٥٦٨	٥٧٠	٥٧٢	٥٧٤	٥٧٦	٥٧٨	٥٨٠	٥٨٢	٥٨٤	٥٨٦	٥٨٨	٥٩٠	٥٩٢	٥٩٤	٥٩٦	٥٩٨	٦٠٠	٦٠٢	٦٠٤	٦٠٦	٦٠٨	٦١٠	٦١٢	٦١٤	٦١٦	٦١٨	٦٢٠	٦٢٢	٦٢٤	٦٢٦	٦٢٨	٦٣٠	٦٣٢	٦٣٤	٦٣٦	٦٣٨	٦٤٠	٦٤٢	٦٤٤	٦٤٦	٦٤٨	٦٥٠	٦٥٢	٦٥٤	٦٥٦	٦٥٨	٦٦٠	٦٦٢	٦٦٤	٦٦٦	٦٦٨	٦٧٠	٦٧٢	٦٧٤	٦٧٦	٦٧٨	٦٨٠	٦٨٢	٦٨٤	٦٨٦	٦٨٨	٦٩٠	٦٩٢	٦٩٤	٦٩٦	٦٩٨	٧٠٠	٧٠٢	٧٠٤	٧٠٦	٧٠٨	٧١٠	٧١٢	٧١٤	٧١٦	٧١٨	٧٢٠	٧٢٢	٧٢٤	٧٢٦	٧٢٨	٧٣٠	٧٣٢	٧٣٤	٧٣٦	٧٣٨	٧٤٠	٧٤٢	٧٤٤	٧٤٦	٧٤٨	٧٥٠	٧٥٢	٧٥٤	٧٥٦	٧٥٨	٧٦٠	٧٦٢	٧٦٤	٧٦٦	٧٦٨	٧٧٠	٧٧٢	٧٧٤	٧٧٦	٧٧٨	٧٨٠	٧٨٢	٧٨٤	٧٨٦	٧٨٨	٧٩٠	٧٩٢	٧٩٤	٧٩٦	٧٩٨	٨٠٠	٨٠٢	٨٠٤	٨٠٦	٨٠٨	٨١٠	٨١٢	٨١٤	٨١٦	٨١٨	٨٢٠	٨٢٢	٨٢٤	٨٢٦	٨٢٨	٨٣٠	٨٣٢	٨٣٤	٨٣٦	٨٣٨	٨٤٠	٨٤٢	٨٤٤	٨٤٦	٨٤٨	٨٥٠	٨٥٢	٨٥٤	٨٥٦	٨٥٨	٨٦٠	٨٦٢	٨٦٤	٨٦٦	٨٦٨	٨٧٠	٨٧٢	٨٧٤	٨٧٦	٨٧٨	٨٨٠	٨٨٢	٨٨٤	٨٨٦	٨٨٨	٨٩٠	٨٩٢	٨٩٤	٨٩٦	٨٩٨	٩٠٠	٩٠٢	٩٠٤	٩٠٦	٩٠٨	٩١٠	٩١٢	٩١٤	٩١٦	٩١٨	٩٢٠	٩٢٢	٩٢٤	٩٢٦	٩٢٨	٩٣٠	٩٣٢	٩٣٤	٩٣٦	٩٣٨	٩٤٠	٩٤٢	٩٤٤	٩٤٦	٩٤٨	٩٥٠	٩٥٢	٩٥٤	٩٥٦	٩٥٨	٩٦٠	٩٦٢	٩٦٤	٩٦٦	٩٦٨	٩٧٠	٩٧٢	٩٧٤	٩٧٦	٩٧٨	٩٨٠	٩٨٢	٩٨٤	٩٨٦	٩٨٨	٩٩٠	٩٩٢	٩٩٤	٩٩٦	٩٩٨	١٠٠٠
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

که در جنب است بطرف نویند ما خود را در این عالم بواز  
جنگ بلیه اقات آخر الزمانا جهد کند و در سر افتد  
خویشا مشر نویند حامل این تیغ نبرد و ضیاع شریف مقبول  
الفضل گردد که کارهای او بگشاید اگر عدل است اما اعتدال نام  
خود نام هر که خواهد در سر هر تیغ در پیج بنهد انکه میسر  
او گردد و در اول هر دعا که اذ الجلال والاكرام دایم تر گوید  
و در ترعصه صورت داند این ترعصه خاص بسیار است لفظ  
یعنی خداوند بلند او زند هر چه شخصی از یک و یکی که بلند  
چنانچه در از این ترعصه است اهل تحققی گویند هر که خواهد  
که احصا این اسم کند اول باید که اعتقاد چنین دارد و یقین داند  
چون بود و معتقد عالمیای می رسد خواهد رسید بوم القدر هر روز





# کتاب الفسطی

۱۶۵

و در موم کان افرومود گرفته با خود اند و بعد تکبیر

۵۲	۵۵	۵۸	۶۴	ط	س	ق	م
۵۷	۶۵	۵۱	۵۶	ق	م	ط	س
۶۶		۵۳	۵۰	م	ق	س	ط
۵۴	۶۹	۶۷	۵۹	س	ط	م	ق

کنند آن نجاة یابد چون عتق از چهل و نه کند بر نواح  
مطلع گردد و بزرگ دولت رکار او ظاهر گردد و از خلق  
بهره مند گردد اما باید که او را از خلق هیچ طمع نباشد و هر  
خواهد خدا خواهد چون بنده است اعتقاد صادق کند  
تا خلق خود را مطیع و فرمانبردار و گرداند شیخ مضر گوید  
هر که اسم فقط و جامع را در مربع بیضی وضع کند

۶۲	۷۵	۵۸	۷۱	۵۴
۵۵	۶۳	۷۶	۵۹	۶۷
۶۸	۵۶	۶۴	۷۲	۶۰
	۶۹	۵۲	۶۵	۷۳
۷۴	۵۷	۷۰	۵۳	۶۶

کارهای پریشان خجسته گردد  
انچه وقت ملتهب گردد و این  
مربع جبهه گردیده و در  
وغایب اش عظیم آید و  
وضع است و در مربع وضع

و در موم کان افرومود

و در موم کان افرومود

و در موم کان افرومود

و در موم کان افرومود گرفته با خود اند و بعد تکبیر  
کنند آن نجاة یابد چون عتق از چهل و نه کند بر نواح  
مطلع گردد و بزرگ دولت رکار او ظاهر گردد و از خلق  
بهره مند گردد اما باید که او را از خلق هیچ طمع نباشد و هر  
خواهد خدا خواهد چون بنده است اعتقاد صادق کند  
تا خلق خود را مطیع و فرمانبردار و گرداند شیخ مضر گوید  
هر که اسم فقط و جامع را در مربع بیضی وضع کند  
کارهای پریشان خجسته گردد  
انچه وقت ملتهب گردد و این  
مربع جبهه گردیده و در  
وغایب اش عظیم آید و  
وضع است و در مربع وضع









# شیر کلمه الگنه

۱۶۸

الغنه یعنی خدایه دنیا از همه کس و همه چیز در همه حال این نام را  
 که اهل بیت از اندوگناهان نازل بر رکت این اسم بل کرده  
 اهل تحقیق گویند هر که خواند این اسم اینها کند اول نایب  
 بدان که غنه مطلقا است غیر و همه چیزان دنیا ماندان اند  
 و بدان معنی که او را بیکر کرد و طمع را از خلق بیرون اختیار خود  
 بیکس گویند و هیچ چیز از غیر خدا طمع ندارد تا این در غله و در  
 از خلق و غنه کرد و انداخته تمام رضا علیه السلام فرمود  
 اند که بیلای طمع گرفتار نباشد بستانا گشته باشد تا آنکه هر  
 کس بیند از او چیزی طلبد اگر چه بظاهر طلب دارد اما در باطن  
 طامع بود این اسم را هر روز بخواند بر عضو از اعضا خود  
 دست و پا و در قطع طمع کرد و دعوی این اسم مناسب است  
 که اینها از تو غنا باشد و بزرگ فرمود هر که بیلای طمع و شد  
 گرفتار نباشد از دین و فقر و نیاز و ریاضه و عیال مندر ضرر  
 دار باشد و حال اضطراب چون ضامن خدا باشد و بستاند  
 و بستانا تمام انقدر که تواند بگوید غنه خداست او را این  
 بخواند شاخان شما و الله تعالی چنین فرمود اند ذکر الگنه

بعد

اسم بیست و نهم که می خوانند  
 روز هر روز یکبار بخوانند و در وقت  
 و اقبال برین دعا باشد و در وقت  
 غلایع غنی و بیکار باشد و در وقت  
 کس با وضو بخواند و در تمام  
 مکه و مدینه و کربلا و کاشان و در تمام  
 القلوب و از غنوت و غنی  
 علیه و در تمام کربلا و کاشان  
 بیست و چهارم که می خوانند  
 مداومت نماید و هر چه بخواهد  
 و عبادت و توان کرد و هر چه بخواهد  
 پسنداید و در تمام کربلا و کاشان  
 این اسم را بر بستانا بخواند و  
 بخواند و بستانا و در تمام کربلا و کاشان  
 مهربان کند و در تمام کربلا و کاشان  
 با بستانا و در تمام کربلا و کاشان  
 حسیب و در تمام کربلا و کاشان  
 حسیب و در تمام کربلا و کاشان

همه روز و در تمام کربلا و کاشان

همه روز و در تمام کربلا و کاشان

همه روز و در تمام کربلا و کاشان





# در کلمات المعنی

۱۷.

اهل تحقیق گویند هر که خواست احصای این اسم کند اول  
باید که بداند که مخفی بر حق اوست تمام مخلوقات و اشیا بوسیله  
او زاییده گردیده اند و چون این مخفی ذات پدید که هر چه  
باشد از نیازمند باز ندارد و قادر است تمام مردم قیام نماید  
استدعا خلق را اجابت کند مخفی علی الاطلاق و او از خلق نیست  
گرداند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود اند هر مخفی را  
خلق نامند گشته هر روز هزار بار بگوید بر من و او را خدا  
نام توانگر گرداند و اگر بیشتر شود که بعد فارغ شود و غنی گردد

۲۷۶	۲۷۷	۲۸۱	۲۸۷	۲۲۵	م	ع	ن	ی
۲۸۱	۲۸۸	۲۷۳	۲۷۸		ن	ی	م	ع
۲۵۹	۲۸۷		۲۷۲		ی	ن	ع	م
۲۷۶	۲۷۱	۲۷۰	۲۸۳		ع	م	ی	ن

فما یلزم من تحقیق این اسم باشد الغنی الکافی المخفی حی  
سره کشور فرمود هر که طلب کند که با کفایت معاش و برآمدن  
و حصول مقاصد را بداند که روز جمعه بعد از فرض نافله  
کند و در خلوت رود و با همه دعا می نماید بگوشت نبیند و...

در کلمات

ما دام العزم و قصد و اراده و جود  
در باب این مخفی و از موده است  
بسم الله الرحمن الرحیم  
خلفه طاهر است و در حق و غایب  
اگر و نکر و حجت و غایب  
باشد این اسم را بخواند و در هر  
بسم الله الرحمن الرحیم  
ختم و مکتوب و در هر  
و شمع و خاند که با غنی است  
الثالث علی آیه فلا تثنی علی الله  
اسم این اسم را در هر روز  
باشد و در هر روز و در هر روز  
ماز که در این اسم را در هر روز  
بسم الله الرحمن الرحیم  
و اما در باب این اسم را در هر روز  
بسم الله الرحمن الرحیم  
و اما در باب این اسم را در هر روز

محمد و ولد و...

محمد صالح و...

محمد و...





# در کلمات مباهله المعنی

۱۷۲

خواهد مع عافیت نباید گفت چنانچه بنور دیده اوند و گوشت  
روز پیوسته با سیغال قیام نماید یعنی در وجهه بیدار کند و  
پنجشنبه تا تمام رساند و عا کند شب جمعه الله سبحانه و تعالی  
اودا توانگری گرامت نماید از خلقان بدینا گرداند اما توانگری  
که اودا بوقایع تصدیه و عطا بیا و اودا بود در سلیم  
و باطن روشن و گو خواهد که دولت و مقام تو بپایند باشد  
و از آن بر خور در زیاده باید که اسماء را در انگشت شصت که از پنج  
یکم و در نباشد در روز جمعه بیدار کنی و حروف را بنویسد با  
طریق حد تقصیر کند انگشت در انگشت کند صد بدو

۱۹۸	۱۹۱۱	۱۹۱۳	۱۹۱۰	غنه	کا	۲	غنه
۱۹۱۳	۱۹۲	۱۹۷	۱۹۱۲	۲	غنه	کا	کا
۱۹۳		۱۹۰	۱۹۵	غنه	۲	کا	غنه
۱۹۱۰	۱۹۵	۱۹۴	۱۹۱	کا	غنه	غنه	۲

خلال بفرماندگان و اخاتم و پال و ماجومت که دارد  
اگر دو خاتم سازد بر و شهر و شارح زودتر حاجت شود  
و هر دو وایت مثال نمود شد بعد نکیر و دیگر این اسماء

عذر و عذر

عذر و عذر

عذر و عذر

فرار با رعنا داد در سن بخواند  
که هلال شود و بخورد و در سنی  
مفصله با در بر شکر بخواند و بخورد  
مطلوبه دهد و سنا و شود با نام  
کل شیار غنای بقیه غنای غنای غنای  
اسم سنی بکلیا که از او شیب  
باشد و خواهد که بر روی غنای  
ابد و غنای شیب و غنای غنای  
وانگاه غنای غنای غنای غنای  
بوشد و غنای غنای غنای غنای  
دود و غنای غنای غنای غنای  
بخواند و غنای غنای غنای غنای  
طفره با مد و غنای غنای غنای  
حکامه با غنای غنای غنای غنای  
انسان که غنای غنای غنای غنای  
اسم سنی و غنای غنای غنای غنای  
بخواند و غنای غنای غنای غنای

ملازم

# در کلمات کلمات

۱۷۳

مذوق نماید اگر میسر نشود بعد کثیر میخواند البته باید که نزد  
 نکند بو خوش بکار دارد و مرچندگاه این از امانات کثیر در  
 میام موئین و مؤمنان هوانت ضبک اند و بعد کثیر بخواند  
 و اگر در کار یکی نام نهی زند دست همد و در جمعه غسل  
 کند نماز که مذکور شد بگذارد این اسم را بنشد تکبیر که مالک و کلام  
 شصت و شش هزار و نصد و بیست و هشت عدد است بخواند و کثیر  
 صد و مؤخر چهار و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 یکصد و بیست و چهار و دویست و بیست و بیست و بیست و بیست  
 بخواند این چنان اسم الف الف الف الف الف الف الف الف الف الف  
 آن را خدا شفا بخواند این از سر و مقاصد از روزی که خدا

الف	الف	الف	الف
الف	الف	الف	الف
الف	الف	الف	الف
الف	الف	الف	الف

تج عطا فرماید و صاف کتاب نقل میکند از شیخ احمد که او  
 فرمود مرا از جهت معاشن حی از متعلقا خاطر متفرق بخواه شیخ

عابد غویب که گاهی یادش آید  
 آنچه خواهد از برای او پیش کرد  
 در مدتی که مداومت نماید و  
 آنچه پیش خواهد نوشت و  
 بعد از آنکه همه پیشه مشغول باشد  
 بعد از آنکه تمام شود و یاد خواهد  
 شد و با عالی الشان و قور کل  
 شکی علقه بقیه اسرار و کثرت  
 که در بخورد و یاد داشت  
 عین شسته اند و یاد داشت  
 کار و بستی یاد داشت و یاد داشت  
 دل و فکری یاد داشت و یاد داشت  
 باران اسم و باران و یاد داشت  
 اسم را در میان دل و یاد داشت  
 گشاده کرد و یاد داشت











شیر کلید کیا آفت

LVV

تقدیر نشد باشد پس باید که خدا بیجا دامد و بگریزد  
خدا خاطر جمع دارد که نه خیر توانستند نمایند نه شر و نقص  
خود را از هوا منع کنند تا مانع بلا و نیا و آخرت او دفع کنند  
حضرت امام رضا علیه السلام فرمود اند هر که از اینجانب نامشاکار  
باشد هنگام خواب این نام را بگوید سازگار شود و بزرگی  
فرمود در زمان نزول آفت مثل لشکر پیگانه و بزر و بیا و آمد  
ملج و باران و باد و طوفان هر بلائی که باشد از آن ترسد  
این اشقام قیام نماید سلامت تا اندان ملتیه و اگر در میان جمع حضور  
افتد از هر جا که بمید و وقتش تا این اسم قیام نمایند غالب آیند

۲۲	۲۱	۲۰	۱۹
۲۵	۲۴	۲۳	۲۲
۲۷		۲۶	۲۵
۳۰	۲۹	۲۸	۲۷

۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

یا مینا ایشان صلوات الله علیهم انما الله کما الضایفه و سئل  
الروح و خور و مصیبت هر که خوابد این غایت که زمین و آسمان  
روکتانینا قایمند اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این

[illegible]



# شرح کتاب الفوائد

۱۷۸

کنند باید که از او هیچ مضر یکس نیست بزرگ باشد که نفعی  
 تا حاضر غرضها و حاضر خلق از او بعد از بزرگی فرمود  
 که فکر را طلب راه و مشی غالی و زیاده و منزلت خویش  
 و ابریا خود خواهد مرست این اسم را صد بخواند از خوار و مت  
 این کرد و بدو کس سعادت و منزلت عالی برسد حضرت امام رضا  
 علیه السلام فرمود اندر هر که از اجاد منصب باشد زوال آن برسد  
 در شب جمعه هر شب آیام البیض این اسم را صد بار بگوید و نیت  
 نماید بر نماید دیگر روزها و شبها بخیر بخواهد تا دولت  
 ثابت و منزلت عالی او برقرار ماند باری ز شفاء الله

۲۲۹	۲۵۲	۲۵۸	۲۷۲	ال	ض	ا	د
۲۵۱	۲۶۳	۲۶۸	۲۵۳	ا	د	ال	ض
۲۶۴		۲۵۰	۲۶۷	د	ا	ض	ال
۲۵۱	۲۶۶	۲۲۰	۲۵۶	ض	ال	د	ا

النافع یعنی رسانند منفعتی باشد چهر صورت خیر واد  
 و جبرش و مکر و با بر نایست که در نایابیر کاین نام نهایت  
 اهل حقیقت گویند هر که خواهد که احصای اسم کند باید که

بنام

نبویسد در روز یکشنبه و از اول  
 ماه هر که فایده و منکر و بعد و مهم  
 از او در مقام و عکس از وی را طلب  
 شود و اگر کسی را در دست و شود  
 و محال سخن ندارد و محال و شود  
 اگر کسی مریض باشد بکار خیر و  
 و بخورد و در وقت نوشتن این  
 و بایست بخواند یا حسن یا مجید  
 هر که بخواهد در هنگام  
 روز چهارشنبه در هنگام  
 و نیت آفتاب و بخورد که در  
 و نیت بخواند و در چهارشنبه  
 ظاهر آنکه کبریت و اگر کسی بخواهد  
 باشد نبویسد و در چهارشنبه  
 عدد بار باید و در چهارشنبه  
 و اگر بخواهد در روز از دشمن  
 که در دست و شود و

چهارشنبه و مریض

چهارشنبه و در هر روز

چهارشنبه و در هر روز

# در کتاب کبریا انشا

۱۷۹

بذات اعتقاد کند که خیرش و نعمت و غم نشود و بلا و زحمت  
 که هر کس می رسد از دست تقدیر است و نتواند بر آن باشد از  
 خود نفعی بینندگان خدا رساند و اینکه او مخلوق باشد و خدا  
 تعالی در دنیا و آخرت با او نیکی کند چو نیک و نیک بود  
 پسند حضرت موجود علیه فضل الصلوات فرمود اند  
 انما الاله بالاسماء حضرت امام رضا علیه السلام فرمود هر کس بیا  
 علی الحسین در شب چهارشنبه بخواهد دعا و اقصو ما سئاه کبریا  
 چون گوئیم گوید اگر در میان صد هزار دشمن و دین و ضرر  
 رسد دعوی این اسم مناسکت است که دعا از خصم نوهیم یا  
 یکا از اکابر فرمود هر که در سفر در وقت خیرید و خیر و در  
 ذاعت بدو این اسم دهد و متکبیر و یا بود در آن کار و سونیا  
 و در آن گشت دخل پیدا بدین مال و هیچ نقصان نرسد اگر گشت  
 که در کشتی باشند که هر یک ده هزار بار این اسم بخواند و اگر  
 سه تن یا دو تن یا یک تن این اسم صد بار بخواند این گردانند و  
 شد و آفته ها ندانند و شیخ معرب فرمود که کثرت زائش علی  
 نگین بخواند سبب نگرانی شود اما باید که این اسم در شهر

این دو اسم بخواند با قیوم با اولی  
 هر که با قصد دوزخ  
 بنویسد در دوزخ است  
 زوال و در دیوار خانه که از جانب  
 قبله باشد و او در درگاه خانه  
 قدم بگذارد و در هر روز بخواند  
 که در آن ملک و اگر نخواست که در  
 دوزخ نماند و از دوزخ دور  
 دهد که کجاست که با خدا  
 این دو اسم بخواند با اولی  
 در وقت طلوع آفتاب و یا بعد  
 نگاه دارد زبان بدو که بخواند  
 پسند شود و جماعت را دعا و  
 به یکدیگر و اگر از غم آلوده باشد  
 باز باید و دو کدر

چند اسمی از کبریا

چند اسمی از کبریا

چند اسمی از کبریا



در کتابک انفع

14.

اقصاب در شرف حل و خوشی بر لوح نقش کند این جزو

٥٠	٥٣	٥٦	٥٩	٥٨	ع	ف	ا	ن
٥٥	٥٢	٥٩	٥٤		ف	ع	ن	ا
٥٦		٥١	٥٨		ع	ف	ا	ن
٥٢	٥٧	٥٥	٥٧		ا	ن	ع	ف

و در حال خواندن رخام سفید رو یا کاشی سفید را  
قد را بکلاه و بپوشد در نظر خود نهاده مردم در نظر کند  
و هر روز یکصد تکبیر بخواند و شب بسترش را کند و روز پنجشنبه  
تمام کند شب جمعه که تواند از ششصد تکبیر بخواند دعا کند الله  
یا حاجت مقرر کند و اگر شب جمعه نتواند بخواند نو نکر شود و در دنیا  
و اگر شب جمعه بخواند خدا بیعت او داد در ظاهر و باطن و او نکر کرد  
و جمله خصما و مقهور کرد و نفع شد همه خلق او را در این  
حالت دست دهد که ایم خواهد کرد مردم را و منتفع گردند بحاجت  
و باطن صفا و افسوس که فیض او به همه شایر شد که با و مقادیر  
نشانند که و این اسم عظیم را خواص بسیار است و حد تکبیر ناخوش  
صد است صد است و مؤمنان را و دوستش است



محمد بن محمد بن جابر

برای

محمد مصطفیٰ

او بسیار شود در وقت نوشتن  
 این دو اسم بخواند یا باری یا  
 کبیر ۸۸ هر یک صد و  
 بنویسد در شب بخشنید که نماز در  
 افزون باشد و با خود نگاه دارد  
 محبتی که کار کند و خشن  
 بوی نرسد و اگر مشک و زعفران  
 بنویسد و در هر یک صد و در هر  
 سفید بنویسد و در هر یک صد و در هر  
 جمیع اوقات و این دو اسم بخواند یا  
 نوشتن این دو اسم بخواند یا  
 باری یا اگر ۸۸ بنویسد در  
 شش صد و ۸۸ بنویسد در  
 جای خالی و در یکشنبه یا اگر  
 و در خوانده خود کند هر روز  
 و او در نزد باری و در وقت  
 نوشتن این دو اسم  
 بخواند

# شَرِّ کَلِمَاتٍ النُّورُ

وعدتکبر التافع مع الف لام فرار وصد شصت عدت مع  
 صد مؤخر فرار شصت پنجاه وستر عدتکبر یا تافع مع  
 نذاه و شصت عدت مع صد مؤخر فرار و یا صد  
 چهل سه عدت و شصت عدتکبر تافع هفتاد و پنجاه و شصت عدتکبر  
 یا تافع نه فرار و دو بیت پنجاه و شصت عدتکبر التافع  
 یا نذ فرار و صد هجده عدت و فارحیرت بر یا نذ و الف  
 لام النور ایضا خداوند بیدار و روشن است و بیست و نه تا  
 و بر نذ جانها از خطای بندگان آنرا که خواهد این نایت که  
 مؤمن علی السلام در بیان آن از صور اتق ایما الله شصت  
 حقیقت گویند هر که خواهد حصا این اسم کند باید که معتقد  
 بر آنکه جمله موجودات نور و ظاهر گشته اند دست نیاز و تواضع  
 دامن بر نیای و عظم نیای تمامند و بر نور محض دارند  
 پیوسته بر آن باشند که خود را از ظلمت گناه نگاه دارد اهل طهر  
 و شیخ نیز چنین فرمود اند که هر که شب و روز نور حق را بخواند  
 و بعدتکبر این اسم تکرار کند نور در ناظر ظاهر گردد و اگر نذر  
 نماید آن نور در قهر باشد اگر تفسیر شود البته حق جبهه پیوسته

یا کافی ماری در  
 در عالمی خالی که مردم در خواب  
 باشند بیک روح عزیز و ناخود  
 و در نظر مردم ملوحت و غیبت  
 و اعتباری پیدا کند در حقیقت  
 نوشتن این اسم بخواند یا خشان  
 و در وقت طلوع آفتاب در سجده  
 که در امان بماند و اگر جاهل باشد  
 نوشتن این دو  
 یا کافی ماری در  
 در عالمی خالی که مردم در خواب  
 باشند بیک روح عزیز و ناخود  
 و در نظر مردم ملوحت و غیبت  
 و اعتباری پیدا کند در حقیقت  
 نوشتن این اسم بخواند یا خشان  
 و در وقت طلوع آفتاب در سجده  
 که در امان بماند و اگر جاهل باشد  
 نوشتن این دو



# شیر کلمه مبارک الهی

۱۸۲

نماید و اگر در روزها بدین اسم ندا و مت نماید در ایام مذکور  
و شنبها بعد کبریا نکر او کند نور در ناظر او پیدا کند  
دل او بنواهی روشن گردد و ناظر او و شعله نور بر او گردد  
و شیخ در شرح کبریا اسماء الله آورده که هر کس این اسم را بگوید  
القاضی طبع صورت کبریا کند که نمود میشود ال ال ال ال  
ق و ای بع ض بر نفس کبریا بر آن الله تعالی و ال ال ال  
تا بکلیت عظیم نفس کند و جبهه در وقت طلوع فتا و در وقت  
نفس کردن غسل کند جامه پاک در پوشد تا خود در وقت  
استراحت خاصه صبح بخواند شروع کند و هر کس که خواهد نفس  
صلاحین و خلاصه بخواند و استبرأ بلکه در استخلاص از آنجا که  
حکم بر نفس ایشان که باشند و مراتب بلند گردد و نجات یابد

۶۳	۶۷	۷۰	۵۶		ر	و	ن	ال
۶۹	۵۷	۶۲	۶۸		ن	ال	و	و
۵۸		۶۵	۶۱		ال	و	و	و
۶۰	۶۰	۵۹	۷۱		و	و	ال	ن

الهای بیخیزند و در آنجا آیند با سبب نفع و ضرر میشد

انقائ

بخواند آداب آن با خالق  
هر که در وقت دعا و در وقت  
بلجا اگر کبریا بخواند در روز  
باشد بمبارد برسد و در روز  
با قدرت و وسعت باشد و در روز  
فوتش این دعا اسم بخواند با حق  
یا آیت  
بخواند و در شب بخواند از هر کس  
در کورستان دفن کند بخواند  
از مردم در حجاب است بر وی میکند  
شود و بدین دعا در وقت  
فوتش این دعا اسم بخواند با حق  
بلیغ با علام  
هر که صبح بخواند و در وقت  
درد و در وقت بخواند و در وقت  
هر کس که بخواند و در وقت  
نکند

نکند و در وقت بخواند

نکند و در وقت بخواند





# شرح کتاب الایمان

۱۸۴

۱۲	۱۵	۱۹	۵		ی	د	۱	هـ
۱۸	۶	۱۱	۱۶		۱	هـ	ی	د
۷		۱۳	۱۰	۲۱	هـ	۱	د	ی
۱۴	۹	۸	۲		د	ی	هـ	۱

که یا هاد خواند مناسب است الی بدیع یعنی تا فرماید هر چه  
 بناست فی اصل این باب است که اسماء آنها بگویند و زمینها با شجر  
 مزین به برکت این یافتند یوسف پیغمبر علیه السلام از زندان  
 به بزرگوارانی اسم نجات یافت و سلطنت و عزت و بزرگواری  
 امام رضا علیه السلام فرمودند هر که در وقت غافقتان با  
 بگوید دعا و مستحبات کرد اهل جنت گویند هر که خواهد  
 این اسم کند باید که بداند که خضر بدیع این عالم را از کم عدم  
 بصر وجود را آورد بنوعی نظیرند از دانه نظیر هر چه  
 به نظیر خواهد بود و زبان اغراض کو نام کنند مخلوقا و نا  
 خضر بدیع علی الاطلاق او را از نظیران گردانند و بزرگی  
 فرمود هر که را اندر هیچ نا غنی پیش آید و در آن مضطر گردد  
 او دانند و گاه او فرو بسته بود و خواهد که آن امر مقدم رسا

عن

باشد بصلح میل شود و اگر  
 در میان مخصف نهادن شش هزار  
 شود و در وقت نوشتن این دو اسم  
 بخواند یا قافیا یا غریب ض  
 هر که مصلحت و حاجت دارد بنویسد  
 شش هزار و تسبیح بر جوب آید  
 مثل علی بر خاتمه خالی بود یار  
 ملکه و در هر چه پیش که داشته  
 باشد باز روی رسل و در میان  
 هم غریب کند و در وقت نوشتن  
 این دو اسم بخواند یا مدیل یا نوق  
 هر که نوزده و عفران و  
 در شب جمع شکر با کمال خضر  
 در دین صلوات الله علیه و روح  
 پیغمبر و اگر آن نوشته در آب  
 بریزد و اگر آن نوشته در  
 آید از در بخورد و نوزده

عزیز در هر روز

نزدیک خداوند

سید کاظم علی صاحب

119

غسل کنند و در کت نماز بگذارند و بچهار موکلی هفتاد بار  
بار بگویند یا دج التماوات الارض یا چه تواند از وجه حلال  
صد دهد بعد از اتمام خم و چون نصد بجا آورد بکشد بار  
دیکوینا برود کار و ساختن کند و شیخ سقر فرمود از برای  
هر هم کلی ایمن و دایم از عطر و گلای کاغذ کشد یا

يا	يد	يا	يا
يا	يا	يا	يا
يا	يا	يا	يا
يا	يا	يا	يا

خود اند و روز جعفر این  
کلمات بخواند یکسریه  
نخل بخواند چنانچه در  
این عوین گوید اگر  
الملك ملطت خواهد شد

تغذیه و آب و نمک شایسته و ۴ مرتبه و مقصود که این خم بخورند  
هم در آن غصه تمام کفایت گردد و در آن کبر و سیکل آب صاف و

۲۱	۲۳	۲۷	۱۴	ب	د	ی	ع
۲۶	۱۵	۲۰	۲۵	ی	ع	ب	د
۱۶		۲۲	۱۹	ع	ی	د	ب
۲۳	۱۸	۱۷	۲۸	د	د	ع	ی

[illegible]

محمد بن عبد الله



# در کلمات مبارک الباقی

۱۸۶

الباقی یعنی خدا همیشه باشد منت قیصر تبدیل این  
 نام نیست که اهل بهشت از برکت این نام همیشه دارند از قبول  
 قیامت این کردند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود اند  
 هر شب صد بار بگوید عمل او مقبول گردد و اهل بهشت گویند هر که  
 خواهد که احصا این اسم کند باید که بداند که با وفای باشد  
 او است ملک او است و است و او است و او است و او است  
 عَمَّ هَالِكٍ لَا رَجَاءَ لَهُمْ وَهُمْ فِيهِمْ كَاذِبِينَ  
 اکابر گفته هر که هر شب این اسم صد بار بگوید و جمع هزار بار  
 خدا بیعت دعا او را مستجاب گرداند و عملها او مقبول حضرت عز  
 گردد و حضرت عز بنظر خدا در نظر کند از جایه مقبول گردد و  
 عذرا این اسم مع الف و لام صد چهل چهار بار بگوید صد چهل بار

۲۸	۳۱	۲۲	۲		ب	ا	ق	ی
۳۲	۲۱	۲۷	۳۲		ق	ی	ب	ا
۲۲		۲۹	۲۶		ی	ق	ا	ب
۲	۲۵	۲۳	۳۵		ا	ب	ی	ق

و لام صد سیزده عذراست الف و ایش یعنی خدا باز شنید

دارا

جمعه را بخورد دارد هر که بخورد  
 شود و هر که مراد های او بر آید  
 و حاجت بسیار بپسندد و در وقت  
 نوشتن این دو اسم بخواند با  
 عظمت یا عجیب و غریب  
 نوشت بخورد هر که خواهد حق  
 با خود دارد هر که در وقت  
 حل و عار بدهد و در وقت  
 نوشتن این دو اسم بخواند یا  
 شود یا غیاث یا معین  
 هر که صد و هشتاد و یک بار  
 بخواند و با خود دارد از بیکار  
 و فلان نجات یابد و در وقت نوشتن  
 و یا که بخواند یا ملک یا  
 این دو اسم بخواند هر که صد  
 یا معین  
 یا کافی بخواند

هر که مراد های او بر آید

خدا را از سر بگذرد و نجات

# شرح کلمه بركات الوارث

۱۸۷

داروها است اخلاق و عمل محقق گویند که خواهند که احصا این  
نام کنند باید که بدانند که مخلوق و مجموع عطا اند خدا سبحان و انچه  
خواهد بخواند نام حضرت وارث نثار خواهد که کلمه کبریا و الله اعلم  
بشأن الواجد الفاعل چون چنین عطا کند باید که ادب نگاه دارد  
از ملک خدا چیز را بخود اضافه نکند ملک و مال و علم حیا  
و اذات قد و سمع و بصر و کلام همه بوارث باز گذارد تا حاضر  
وارث بر ملک سر می گذارست فرماید و حیا ابد مفوض گرداند  
وارث بنیاسازد و علم کند از زلف دارد و بنی که فرموده اند  
هر که می تواند پیش از طلوع آفتاب بنیاسازد و او حیرت گردانی  
در حیا و نماز و انکه خداوند کند اسم خاص در شب بخوابد  
زمان شهاب حاضر خواهد شد و از آنها نگذارد و در قبر لطف خواهد  
او کرد و باید که در آخر ذکر این اسم هفت بار باشد و بیست بار بخواند  
رب لا تذر فی قری و انت خیر الوارثین تا از رحمت او بهره

و	ا	ر	ث
ر	ث	و	ا
ث	ر	ا	و
ا	و	ث	ر

دارد از هر دو عطا می شود  
و در دلت بودی را کشاده کن  
و در وقت نوشتن این دو اسم  
بخواند با کمال توجه و ادب  
هر که هفتاد و یک بار بخواند  
در شب چهارشنبه و پنجشنبه  
از ملک خدا چیزی را بخود  
نوشته این دو اسم بخواند  
بناقص  
روز جمعه پیش از طلوع آفتاب  
بنویسد و بخورد و در هر حال  
که خواهد روزی اگر دو بار بخواند  
با و از این سی و دو هفت بار  
زیادتر و از پنج وعده که در میان  
درد وقت نوشتن این دو اسم  
بخواند با کمال توجه و ادب  
هر که صد و شصت و یک بار بخواند

محمد باقری از کماله خانی

محمد باقری از کماله خانی



# در کلمات الشیخ

۱۸۸

الشیخ یعنی خدا صواکار بر راه راست این نام است که  
 حضرت خضر علیه السلام ابر چون در نظام است برکت این نام را  
 اهل تحقیق گویند هر که خواهد که احصای این نام کند اول باید که  
 زام خدا بایستد که خدا تعالی را ست باشد البته مذکور نباید  
 بود و گاه در طاعت و گاه در مصیبت ناخلاق و بکری و  
 نروغی باشد بود در خود را چنان باید نمود که گفت دیگر نکند  
 و یکی باید نمود در زام خدا تعالی تا حضرت رسید و برادر  
 باشد گرداند دعوی این است که کانی که طالب زام باشد  
 و کانی که سر رشته بر کم کرده اند ندانند که احوالشان چگونه  
 خواهد بود و یکی از کار بر فرموده که هر که در کند بعد از نماز  
 و بتلاوت این باب قیام نماید قطع نکند بعد از تمام امیر قرآن  
 بار اسم را بنویسد دفع و تدبیر و سرانجام کارها است تمام  
 و ایبریت هو الذی سخر الخیر کما کلو افسد الخیر ما و  
 سخر خیراته حلیه تلبسوها و ترعى الفلک و آخر  
 فيه و لیبتغوا من فضله لعلکم تشکرون و اگر چه بیتی  
 استخاره قرار دارد بخواند دفع و ضرر آن کار بر او روشن گردد

المعجود

نویسد در شمس و شنبه و باخود  
 نگاه دارد از خدا امراض و بخت  
 بایستد خواند علم بر روی نشان  
 گشت در وقت نوشتن این و  
 اسم بخواند با احتیاط با آغلا و  
 هر که سبزه دارد و بنویسد در روز  
 شنبه و در میان معصیت خدا و در وقت  
 که در او در بر آید و در وقت  
 که در او در بر آید با  
 نوشتن این دعا و اسم هر که  
 حکم یا شکوه  
 باین دعا بخواند و باخود دارد  
 از غیب و افکار در و علی  
 نجات بر روی نشان بخواند  
 وقت نوشتن این دعا و اسم هر که  
 دفع یا نفعی  
 قلمی بنویسد در هر وقت  
 که باشد و بگوید  
 داد

هذه خاتمة ما في هذا المجلد

هذه خاتمة ما في هذا المجلد





شعر ۸۰ و ماکب الصبر

19-

محکم دلائل سے مزین متنوع و منفرد موضوعات پر مشتمل مفت آن لائن مکتبہ

2

۱۵۰

[illegible]

و کرنا و نحو هلاکت از به این اسم باشد اکتد به نیت آنکه  
 به و سه فرزند باز خواند خواند جوئی سه فرزند با نام رسد  
 رسد که باب برسد تا باب او رسد چون عدل کل تمام شود  
 حضرت صبور و زیاد زان باب بر ضرب و الجینان خاطر که است  
 کند اگر محض دیگر خواند آنکه در هم خدایتا صبر جلیل که است  
 کند و عواین اسم استا که اینست که صبر نک است و استند بدل  
 و منحنی و شد در این اسم اعدا این فن عدل معین نکرد اندو  
 گفتند که به صد بیت و نه عدالت بیاندای به صد بود  
 عدالت صبور ویت و نود هشت عدالت نکیر و طریق  
 شیخ فرزند و شصت و پنج عدالت و بطریق منحنی مقرب العصور  
 فرزند و شصت و چهار پنج عدالت و یک کبیر استند فن حضرت  
 صد و پنجاه و دو عدالت و سی و نه فرمود که از برای هر  
 مائمه که که و اقصا و بیان علمین هر طهر چار و خلوص و صوفی  
 کبیر بخواند باید چنانست که از موضع خوب و خوشتر صد که  
 اجابت و حصول فرادیر و مشکف کرد و اینعدا و بعضی تجریر  
 کرد اند و لوح العصور و در خاشیه نمود شد و شرح این اسم

۷۳	۷۷	۸۰	۸۴	ص	پ	و	ر
۷۶	۸۱	۷۳	۷۸	و	ر	ص	پ
۸۹	۸۲	۷۵	۷۲	ر	و	ب	ص
۷۵		۷۸	۸۱	پ	ص	ر	و

بیتا دامت

# در بیان مایه و مایه و مایه

۱۹۱

بنا است این کتبه و هوا که جمع لبصر هم المولى و نعم  
 النجیر فصل در بیان خواص سما چند که در زمان  
 پیامد است اما محمد بنو و انجا مصطفی علیه السلام  
 بعثت بواسطه نادر کرد شد تا فوایدان بمومنین و مومنا  
 که بر این مطلع گردند بر سر هر ملک وقت دعویان اسم کند  
 صد بیت دزد در میان روز هفت هزار زبان باطن او  
 مصفا کرد و موضوع کرد بصفا ملائکه اما باید که در میان او  
 اکثر اوقات با باشند معدا و شفا باشد تا روح و قوت گیرد و  
 قابلیت دیند ملائکه و سایر ملکوت حاصل آید تا کابر فرمود  
 باید که حشاد دعویان اسم را بر عطران برپا دهان نوید بخند  
 تا از جمعه بدان خاطر کند و ثوابت جبهه صفا باطن بهنگامان  
 چنان نویسد که تا جمعه دیگر افطار کند تا شریک باشد مایه و  
 مایه و س هر کدام وقت نماید بد دعویان اسم بعد نیکو  
 دو بیت چهل هفت روز میگردد دارا که سر کند و ملکوت  
 و مکتوب کرد در علامات سحر و روشن شود بروی هیچ  
 و نه دلیل نشان و در این دعو شریک خورد و گوشتان

معا لکنی کردن در کار خواص  
 الفان ملک داشت که اگر کند  
 و نیکو آید با فوایدان بمومنین و مومنا  
 که بر این مطلع گردند بر سر هر ملک وقت دعویان اسم کند  
 صد بیت دزد در میان روز هفت هزار زبان باطن او  
 مصفا کرد و موضوع کرد بصفا ملائکه اما باید که در میان او  
 اکثر اوقات با باشند معدا و شفا باشد تا روح و قوت گیرد و  
 قابلیت دیند ملائکه و سایر ملکوت حاصل آید تا کابر فرمود  
 باید که حشاد دعویان اسم را بر عطران برپا دهان نوید بخند  
 تا از جمعه بدان خاطر کند و ثوابت جبهه صفا باطن بهنگامان  
 چنان نویسد که تا جمعه دیگر افطار کند تا شریک باشد مایه و  
 مایه و س هر کدام وقت نماید بد دعویان اسم بعد نیکو  
 دو بیت چهل هفت روز میگردد دارا که سر کند و ملکوت  
 و مکتوب کرد در علامات سحر و روشن شود بروی هیچ  
 و نه دلیل نشان و در این دعو شریک خورد و گوشتان

در بیان مایه و مایه و مایه

در بیان مایه و مایه و مایه

















# در کلمات ابرها

۱۹۷

دلیل و بعضی بجا آفرین گفته اند اگر چه خصم قوی خوانند یا  
 تر از سلطان و غیره ذایع خوانند اگر از بر اچا و رفت بسیار  
 خوانند نسبت با آنها دلیل گوید عدد تکثیر بجهت اسم صد و هفت  
 چها یا ای نیکو اگر بجای نیکو ذایع گوید ضرر و صد و هفت  
 و البته دعا و مستحایا نیز هفتاد و نه اسماء الله تعالی  
 چنان فرمود اند که این اسم معطی الا حاجت است هر گاه که دعوی  
 این اسم کند مقصود حاصل شود و دعوی این اسم نیز روزی است  
 هر روز سیزده بار و ناپسند و می شود و اول آنست که در  
 ایام هر پنجشنبه این عدد در خلوت با تمام رسانند و در دم  
 بمنزل شری رود و در یکبار بخواند و حلا عارض کند که البته  
 ندان هفتصد حاصل شود و از جمیع ابواب حاصل شد  
 مراد از دفع مکر و هاسته بار و در فرستند بعد از آنکه  
 وضو ساخته باشد و در اینست **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ**  
**مُحَمَّدٍ بَعْدَ کَلَامِکَ وَ الطَّافِکَ قَبَارِکَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**  
**وَسَلِّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ کُلِّ دَعْوَةٍ فَاِنَّهُ الْفَائِزُ**  
 و صد تا این کلمات بگوید بعد تمام یا قدیم الاخر

کلمات دیگر و نوشته میشود  
 اینست یا عیسی یا عیسی  
 و بعضی نقل کرده اند که در هر خطبه  
 یا در هر نماز یکصد و هفتاد و نه بار  
 بخواند یا ای نیکو اگر بجای نیکو  
 ذایع گوید ضرر و صد و هفت  
 و البته دعا و مستحایا نیز هفتاد و نه  
 اسماء الله تعالی چنان فرمود اند که  
 این اسم معطی الا حاجت است هر گاه که  
 دعوی این اسم کند مقصود حاصل شود  
 و دعوی این اسم نیز روزی است هر روز  
 سیزده بار و ناپسند و می شود و اول  
 آنست که در ایام هر پنجشنبه این  
 عدد در خلوت با تمام رسانند و در  
 دم بمنزل شری رود و در یکبار بخواند  
 و حلا عارض کند که البته ندان هفتصد  
 حاصل شد و از جمیع ابواب حاصل شد  
 مراد از دفع مکر و هاسته بار و در  
 فرستند بعد از آنکه وضو ساخته باشد  
 و در اینست **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ**  
**وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ کَلَامِکَ وَ الطَّافِکَ**  
**قَبَارِکَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**  
**وَسَلِّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**  
**بَعْدَ کُلِّ دَعْوَةٍ فَاِنَّهُ الْفَائِزُ**  
 و صد تا این کلمات بگوید بعد تمام  
 یا قدیم الاخر

در هر خطبه

چندین بار

چندین بار





# شرح اسرار چند

۱۹۹

فست بکشد و این هشت اسم درج کند که در اول آن اسم ها  
و با خود دارد این گرد از قشها اخر الزمان و در چشم مرها  
عزیز و با هیت نماید اگر یاد شایر سر علم او نیز در شکر یک  
متوهم گردند متعیر شوند این یاد شایر مظهر منصوص گردد  
دانند این شمن بر اعدا غالب آید اگر درویش بود توانگر گردد  
بصورت و مخنه و از خلق مستغنی شود اگر در دوزخ افتاد  
پوشید مقطر ساختن همان روز در پیمید با خود دارد  
اسما و در ساختن شایر نماید فضا صد که در انکسار کند  
محصول پیوند و آنچه در خاطر کند برای دیگران کند  
شش اسم است که اول او عین است مراد از اسم آن نور و نور نام است

ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع
ع	ع	ع	ع	ع	ع

الاند قدر و بکنام  
و در دعا استغنا  
و غیر اسم خداوند  
تکابیا استعد  
او عین است این شش

اسم و دانند که در مرتبه شش در شش نویسد و با خود دارد خدا

رفع شود و این اسم را در  
اند که با ملا و شایر کرده و در  
عزیز و با هیت نماید اگر یاد شایر  
دعای بیاید دفع شود و در  
خبر در دوزخ افتاد و در  
طبیعی و در دوزخ افتاد و در  
درد بگری و با خود دارد  
اند از در دفع شود و در  
دست راست و در دوزخ افتاد  
دو کعبه و در دوزخ افتاد  
موت نوع و در دوزخ افتاد  
و با خود دارد و در دوزخ افتاد  
شایر و در دوزخ افتاد  
جهت بیاید و در دوزخ افتاد  
جهت بیاید و در دوزخ افتاد









# شرح الواح پانزده گانه

۲۲

الغیر ابواب بود نوشتن بیاض و شمع و خواص و نوشته خوانند  
و آنچه در خواص کین بگوشت تا خواص و عوام بهر نمایندگی  
اول نو دونه نام بار نهادن کرد اند که در نماشان خواص  
درج شد است و اینها و شریف است و اینها حکما کثیر خواص  
نام کرده اند هر که از او وضع کند بستر گردید بیل مال و نوسان  
شرف افتا نوید و از جمله ثمره و قضا بستر نویند  
خوابین معطره محله شرف هر و امر و انزال و دفع  
شرف و مرغ و جمله اول کتاب دیوانه بستر عطا نوید و

هو الله الذي له	الرب العفو	الحق القوم الغنى	الودود الولى
الامور الخ	المقدم الحق	الحكم الواسع الشا	الحبيب الولى
البارى الشا	القوم السلام	الرشيد	المغنى
النور الصديق	الباطن المحصى	الملك القدوس	الواحد العد
المعين الملك	النافع المتكبر	الحمد الحاضر	الحفظ الممت
ذو الجلال	العلو العظيم	الجامع الرقيب	الضوء القهار
الماجد الصادق	الاول الاخر	المقدر الباسط	القابض البصير
اللطيف الحكيم	الحق المذك	الحافظ الوارث	اشكور الماجد
القوى العبد	الوارث المحيى	الغنى الشا	الوقار الجليل
الوكيل الخ	القانع المهيمن	الغنى البديع	الرازق الخالق
المؤخر	الغنى الصادق	المؤمن الممتز	العلم المبدى
المعطي	المكرم الخالق	الطاهر البنا	الرشيد الكريم

الحق

و كذا هم باسطا و اما باختر نوید  
و همان طرف که در دستکند باختر نوید  
مختص است بجهت در گوش و حواس  
امام محمد باقر و منقول است که  
در گوش دست بر گوش باله و  
در گوش و این دعا بخواند عود  
صفت بار این دعا خواند و  
بالله الذي سكن له ما في الارض  
الخير ما في السموات والارضين  
هو الله العليم الخبير  
انت که بجهت در گوش و حواس  
باستمنای بجهت صفت نوید بجهت  
و در گوش حکما که آن نوید بجهت  
که آن نوید و آن آقا شافع و  
البصر و الفؤاد کل او تلك  
كان عنه مشكوكا اكرهوا  
كان عنه مشكوكا اكرهوا  
مختص است بجهت در گوش و حواس  
هو الله العليم الخبير

محمد زکریا

محمد زکریا

محمد زکریا





# شیر الراح بابی شانزدهم

۲۰۴

زده نایق اهو نوشته بانو مطر ساخته رواج فند خوض  
بنا بیند اگر در میان قاضی نهد از در سالم ماند لوح چها

امری	۲۵۱	۳۱۶	۲۴۴	۷۱۱	رباعی
۳۱۶	۷۱۲	۲۵۰	۳۱۷	۲۴۹	۴۰۰
۳۱۶	۷۱۲	۲۵۰	۳۱۷	۲۴۹	۴۰۰
۳۱۶	۷۱۲	۲۵۰	۳۱۷	۲۴۹	۴۰۰
۳۱۶	۷۱۲	۲۵۰	۳۱۷	۲۴۹	۴۰۰
۳۱۶	۷۱۲	۲۵۰	۳۱۷	۲۴۹	۴۰۰
۳۱۶	۷۱۲	۲۵۰	۳۱۷	۲۴۹	۴۰۰
۳۱۶	۷۱۲	۲۵۰	۳۱۷	۲۴۹	۴۰۰
۳۱۶	۷۱۲	۲۵۰	۳۱۷	۲۴۹	۴۰۰
۳۱۶	۷۱۲	۲۵۰	۳۱۷	۲۴۹	۴۰۰

جمعه که فرم فصل نخست متصل بعد باشد از در و بنویسد  
خود دارد بمقاصد واصل گردد لوح پنجاه و یک گشت

۱۰۵۱	۸۲۰	۹۷۱	۱۰۴۸	۱۰۲۱	۱۰۵۱
۱۰۵۱	۸۲۰	۹۷۱	۱۰۴۸	۱۰۲۱	۱۰۵۱
۱۰۵۱	۸۲۰	۹۷۱	۱۰۴۸	۱۰۲۱	۱۰۵۱
۱۰۵۱	۸۲۰	۹۷۱	۱۰۴۸	۱۰۲۱	۱۰۵۱
۱۰۵۱	۸۲۰	۹۷۱	۱۰۴۸	۱۰۲۱	۱۰۵۱
۱۰۵۱	۸۲۰	۹۷۱	۱۰۴۸	۱۰۲۱	۱۰۵۱
۱۰۵۱	۸۲۰	۹۷۱	۱۰۴۸	۱۰۲۱	۱۰۵۱
۱۰۵۱	۸۲۰	۹۷۱	۱۰۴۸	۱۰۲۱	۱۰۵۱
۱۰۵۱	۸۲۰	۹۷۱	۱۰۴۸	۱۰۲۱	۱۰۵۱
۱۰۵۱	۸۲۰	۹۷۱	۱۰۴۸	۱۰۲۱	۱۰۵۱

المفلا

اینضا در وقت نماز شام بدین  
سازد لغایت هفت خود را با انگشت  
بگیرد و با زبان بر آن بخواند و  
بالای چشم خود را در و بخندد  
چنین کند صحت یابد نمل از این  
از آن صبح تا وقت غروب آفتاب  
نمایند و صبح اینضا بنام نویس  
حکیم گفته که هر که این عمل را  
کند مکرر بدو را افسوس نماید  
باب اینضا الحنا گفته اند  
نخستین که گفته اند و طهر و فقه  
نوشته باشد بگوید در گفته اند  
آن را مانند در و در و در و در  
لاک و شود و در و در و در و در  
نظا الفود و در و در و در و در  
و بخندد و در و در و در و در  
اورد و در و در و در و در

هفت هفت و فقه حافظ  
هفت کنا بر کار و در و در  
هفت کنا بر کار و در و در







شمس الواعظین

FV

زرقاچه و دوپه و در دل خلوت با او و غایب راه  
دور نبودید هر روز که باشد اما باید که فردی در میان است  
نباید منفصل باشد بر فقر نص کند یا بر اطمینان

حسبنا الله	ونعم	الوكيل	
١٥٧	٩٤	١٢٢	٤٥
٩٥	١٤٢	٤٨	١٢٣
٤٧	١٢٣	٩٤	١٤٥

و اگر نشود بکار خدا پس  
و ناخودايد که بجز  
است از مود و لوح  
فهم اين است  
لوحی و غیره

افکنند و میاد و کس و دعویا خصما و طلب حاجت و قمار و  
ملوک و امر و عیال و اهل قلم و طلب و تحلال و کفایت

و غیر نیز بود نزد خلا	و لطیف بسیار	۱۲۸	۶۷	۳۱۶	۸۵
و سلامت بود اندک		۱۲۸	۶۷	۳۱۶	۸۵
بدگوینان بنویسد		۱۲۸	۶۷	۳۱۶	۸۵
باینکه افتاد خوشحال		۱۲۸	۶۷	۳۱۶	۸۵
نابشده با خود دارد		۱۲۸	۶۷	۳۱۶	۸۵
قائم اینها بداند آله		۱۲۸	۶۷	۳۱۶	۸۵

--



در سرالواح

PM

لَوْحِ يَازِقِي هُمْ اَكْرَبُ بَهْتِ كَرْتَارِ يَاشُدْ خَوْفِ  
كُشَن دَارْدِ بِنُوشِدِ يَنْ لَوْحِ زَاوِ يَاجُودِ دَارْدِ مَآبِرِ سَعْدِ

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
الذي كنا لنهتدي لہ  
لو اننا كنا لنهتدي لہ  
لو اننا كنا لنهتدي لہ

بُوبَدَانِ وَهَمِ

1991	1992	1993	1994
1995	1996	1997	1998
1999	2000	2001	2002

خطِ کشتنِ ایمان گد

ازیرکنا نیلوج

مخواند از جمله قصص و بیست و یک کتایم که در انشاء الله  
الوح و وازی هم بنویسد همه کتایش کارها و مستحق

بسم الله الرحمن الرحيم	اذاجا بنصر الله والفتح ورأيت	التائبين في دري الله اذاجا بنصر	عندك استغفر الله كان
١٢٠٥	٢٥٤٤	٧٨٧	٢٢٥٤
٢٥٤٣	١٢٠٢	٢٢٥٧	٧٨٨
٢٢٥٤	٧٨٩	٢٥٤٢	١٢٠٣

[illegible]

محمد خاں خواجہ صاحب

三

محکم دلائل سے مزین متنوع و منفرد موضوعات پر مشتمل مفت آن لائن مکتبہ

# در الواع یا کاند

۴۹

منقر و مطیع او گرداند اگر آنکس نیکو داند کند هر  
چهل یکبار بخواند انواع قهر کارها و بظهور آید و نفعی از عالم عیب

و الق بین قلو	یا الق بین قلو	یا الق بین قلو	یا الق بین قلو	یا الق بین قلو
۲۹۱	۲۲۹	۳۶۳	۱۹۵۰	۷۹۸
۹۵۱	۷۹۴	۳۹۲	۲۲۲	۲۶۴
۲۳۱	۳۶۵	۱۹۵۲	۷۹۵	۲۸۸
۷۹	۳۸۹	۲۲۷	۳۶۶	۱۹۵۳

اورد و نماید  
سپین  
این پنج ذریع  
بمشک و زعفران  
بر پوست اهو  
نویسد بو  
زهر را ماقدر

سعد و از خوش و در بود از برای محبت تمام داد و خسته  
گشایش کارها و زیاده و کم و قوت حافظه و قهر سلاطین

ع	قز	قد	ع
۷۰	۸۷	۸۴	۷۸
۸۵	۷۷	۷۱	۸۶
۷۶	۸۲	۸۹	۷۲
۸۸	۷۳	۷۵	۸۳

چون با خود آید و بخور  
مطر شالوچ چها  
از شهر و قضا حنج  
از سلاطین و اقضا  
و عا بود بر اعدا و انطا

زیادتر گشاید که در دهگاه مفاد  
بارین مهمل یا بر بدن طفل خون  
هین خاصیت را داد و در دهگاه  
دهگاه نصف باران در دهگاه  
در طفل بنده و بجهت خاصیت  
ازم رو گویند بسیار  
مالی و در قول که از من  
و کار از اهل سبک ما علما در واکس  
و بد زبان باشد و در دهگاه  
باب باران حل و در دهگاه  
خوش زبان شود و بجهت خاصیت  
قطع خون اندام و بجهت خاصیت  
حل الفیل و بجهت خاصیت  
دم فلان از فلان و در دهگاه  
خون قطع شود و در دهگاه  
شکل یا بجهت خاصیت  
نشان

چهار بار بخور

چهار بار بخور

چهار بار بخور

چهار بار بخور



# شرح الواح بنی هاشم

۲۱۰

کارها بنویسد رُسُ مَرِخ یا افتا و اگر مَرِخ در خِل و است  
و قوس بنویسد مرزات و از اترک بزیاید بر هر کس غایبند  
**لوح یازدهم** همه الف و محبت دفع سحر و چشم  
و مهر با خلائی و دوست خوانین محبت و فرزاد و کابو

۴۰	۱۴۰	۲۰	۳۰
۶۰	۱۶۰	۴۰	۵۰
۸۰	۱۸۰	۶۰	۷۰
۱۰۰	۲۰۰	۸۰	۹۰

عوام الناس هر  
از این قبل بود در  
نصف یا بیشتر بایند که  
بنویسد اگر تیر و افتاد  
بنویسد اگر اندود  
حاصل کرد و لوح

**فصل غد و شن کبیر** از طریق هر روز یک بار بگوئیم  
و از این بعد و این نسخه مذکور شد و بنده قواعد احتیاج اول  
مرد و راه طم ف ش و هو ل ی ب و ی ن ص ت  
ص ح ج ز ک س و ث ظ ط ر ی ج ح ل ع و خ غ ا ک و  
ت ک ی ر با غ ر ا ب ا ج ش و ج ی ن ا غ ر ا ب ک ن د ا ک و ب ط و ی  
ش ی خ ت ک ی ر خواهند کرد طریقی طایع چنین آمده اند

لا

جسایند بگرده و طب طب طب  
طب طب طب طب طب طب طب  
بر چنین شش خطش قطع کند و اینها  
از همان خون بنویسد این کلمات را  
و بر پیشانی بنویسد و منقطع شود  
بنا بباغبار کبیر اسکن نماید  
و قلند در درج المانع او را که  
رعاف و هجو کبیر بپند و چنین  
و دفعای او بپند و بپند و چنین  
سر کبیر کا و را سوخته خاکستر او را  
و بیخود عدد رعاف باز اسکن نماید  
و در بپند و در خواص با ن فانی  
او و در کبیر بپند و در بپند و در بپند  
سر با بر طریقی از اینها بپند و در بپند  
و در ناسخا با بپند و در بپند و در بپند  
عالم و در بپند و در بپند و در بپند  
تکلیف و در بپند و در بپند و در بپند

هذه الف و محبت و کبیر

هذه مرقی خلائی

هذه کبیر

شیخ ابی الفوارس

FIN

اقتضاوی لم نع نادیه ح زک سف تیج لے  
درش شد ص ط خ ل م ب خ ط ع ض ق ابتدا بکیر  
حضر سیدالتا ذات علی ای بن فن امیر سید خیر دو  
نوع تکیر مینا ایم اول چون خواهد که اسمی از اسمانکیر کند  
مثلا بطریق میر اعظم یکی اینست که هر چه ح می نویسم  
از صد و موخر حاصل نی شود و تکرار از ح می نویسم  
ببرون کنند باقی را تکیر کنند و هر چه ح می نویسم  
اول و متولد از صد و موخر حاصل شود و از ح می نویسم  
حساب کنند عدد تکیر گویند تکیر مکیتر <sup>عدد متولد</sup>  
حضر سیدالعلماء آنکه حروف را از عجا ح می نویسم  
نمیکنند تکیر میکنند تا اینکه حرفی آید عدد <sup>متولد</sup>  
صغیر از آخر میگویند مثلا الله الصمد <sup>ح می نویسم</sup>  
تکیر کردیم تا نمودار باشد حروف منظر <sup>ح می نویسم</sup>  
مجتهدان عجا نمیکنند که آن مجتهدان را ل ه ا ل ص م د تکیر  
و صفت تکیر از آن معلوم نام ل س ل ل ه ا ب ی و و ح و ن  
نام مجتهدان نمیکنند و ا ل م ل ص که از منظر اصل اسم

[illegible]



در سر و بنا فوعدا

Y Y

و هنوز تکبیر نیافته و یک نوع تکبیر شیخ صالح دلام ال ا  
مضرب است که چون خواهند تکبیر ال دس ه ال ا م  
کند ز نام و آخر هر دو حتماً می کنند ال ال داس ه  
در این تکبیر مؤخر می گیرند اما صد ال م دص ال ا  
نمی گیرند و مؤخر را باز تکبیر نمی کنند ال ال دس ه ال ا  
و در آخر در حشاد می آورند و عدد ال دس ه ال ا م  
تکبیر از آن می گویند و السلام ال م له ال ا م  
و مشایخ مضربه نوع تکبیر می کنند نوعی که همه آن  
متفق اند ایست که نمود می شود مثال نوع دیگر است که حرف

شده ی د سال م	ع ی ن ل ا م ی	و ض ک د و م و ح ل
ش م ط ی ا د س	ع ا ی ی ن م ل ا	ع ا ن ی
ش س م و د ا ل ی	ع ا ل ی م ی ن	ع ی ا ن
ش ی س ل م ا د ه	ع ن ا ی ا م ل ی	ع ن ی ا
ش ه ی د س ا ل م	ع ی ن ل ا م ی	ع ا ن ی

ملفوظ میگیرند مثلاً علی را عین و لام و یا میگیرند و این  
نوع تکثیر را زام و آخر حتماً میکنند و از صد یک حرف

فصل فی الزمان  
والباقی

20

فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ رَجَعْتُمْ إِلَىٰ خَالِكِكُمْ

فأعاده الله مرة بياضاً ومرة

# شرح و بها فو اعد

۲۱۳

میگیرند از مؤخر مکرر می افکنند مجموع را عدد تکبیر  
 میگویند نوع دیگر آنست که اسم را که تکبیر کردند چنانکه سطر  
 اول از اخیر بر وزن صد مؤخر نمیگیرند همین تکبیر حتما  
 میکنند عدد تکبیر میگویند تکبیر شیخ ابو العباس است  
 که چو خواهد که اسم چند نام تکبیر کنند تا حرف تکبیر  
 لوح هند حرفی را که در سطر باشد یا در بعد از آن فای را در سطر  
 یا در و خاکیر از آخر و بعد از آن تکبیر کنند اگر خواهند که چند  
 اسم را در لوح هند تکبیر نمایند مثلاً الاحد الله  
 الکریم الله الله م م ی د د ده من ص ل ح این  
 سطر را اگر در لوح خواهند نامچین نویسند اگر تکبیر  
 خواهند کرد مکرر بر و کنند تا چنان سوال م ی د د ده من ص ل ح  
 و تکبیر کنند سطر اول بر و آید صد مؤخر تکبیر و  
 کنند سطر آخر چنان کنند تا فای را حتما کنند عدد تکبیر عبا  
 کنند دیگر اسم تکبیر از داخل و تکبیر سطر و گیرند  
 و تکبیر اجزای غیر بخاطر بود مانند این مختصر حیثاً ان نبولیه  
 بکرم مؤمنان و عبا یا فاران که اگر سه و بنید قلم صفود

باید به مشهور است و در حقیقت باید بداند  
 اسم نباید در مورد و در اینجا جمع  
 نموده و در آنجا طرح و اگر چند  
 اگر طایفه نامند به مشهور و اگر چند  
 باید بداند به مشهور و اگر چند  
 نظر بسط و به مشهور و اگر چند  
 در این علم و به مشهور و اگر چند  
 بسط و در این علم و به مشهور و اگر چند  
 و این اشکال را با نام و به مشهور و اگر چند  
 بعضی نفسی نمایند و به مشهور و اگر چند  
 بالاین مرصع نمایند و به مشهور و اگر چند  
 سطر و از آنکه اگر سطر و به مشهور و اگر چند  
 عین و اگر سطر و به مشهور و اگر چند  
 بطول انجامد و اگر سطر و به مشهور و اگر چند  
 نبودی شفا باید بداند و اگر سطر و به مشهور و اگر چند  
 مشهور و به مشهور و اگر سطر و به مشهور و اگر چند  
 از تکبیر و به مشهور و اگر سطر و به مشهور و اگر چند



# در احیای کتاب مستطابا

۲۱۴

کند و آنچه باید با صلاح آوردند نظم و خطائی به  
 بیندازند همدم صلاح آورد و روی گمزانند از  
 روی ماه ای هیا نتوان کرد دور کرد و غبا و در  
 خوشحالی و دعوت اسماء از خدا بیعتا مؤمنین و مشایخ  
 امزش خواهند و اعتماد بر کرم خداوند است که بعد  
 از قرانت اسماء عظام دغای هیچ مؤمن را نخواهد  
 کرد بحکم حدیث مصطفی علیه فضل الصلوات و اکمل  
 التحیات قال رسول الله صلى الله عليه واله ليس شيء  
 اكرم عند الله من الدعاء يعني نبيته هیچ چیز نزد خدا و  
 تعالی گرامی تر از دعا و مصداق کلام نبی و از کتاب اسماء  
 اینست قال الله تبارك وتعالى قال ربكم اذعوني اسمي  
 لئلا اكون الذين يستكبرون عن عبادتي سيد خلقي جنم  
 داخرين فارینه مبارکه اینست که فرمود پروردگار شما  
 بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را بیدستی که انا که کردن گشته  
 کند از بر سنش من بود باشد که در دوزخ و در دوزخ د  
 حاله که خوار و نیکو نام باشند استلال است که خداوند

که ان اشکال الدانو شمس بر سینه  
 می بیند که از خدا اگر بخندد خلاص شود  
 و اگر کتاب را به عیب و ایراد است هلا  
 مکال هطام کل هو مفسد  
 بجهت دم خصم در بخت الفخ  
 آورد ما است که اگر بخت را با زنی  
 غار من شده باشد گوش و ارج  
 عکس سوزن کن در جای که اگر  
 راست و قدم کرد باشد گوش  
 چپ و راست و سوزن کند و اگر  
 چپ و قدم کرد باشد گوش راست  
 چپ و قدم کرد و خصم و دم کرده  
 دلو اگر هر دو سوزن را سوزان  
 باشد هر دو گوش را آگ کرده  
 باشد بفضل خدا را آگ کرده  
 کند بفضل خدای ربنا محبت  
 انشاء الله تعالى  
 قال الله على سجدتي انما  
 هذا اخو انا اخو  
 ههنا

نکته در خصوص این موقی







الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا إِتْرَافُكَ وَتَعَالَى حَيْدُكَ

عَدَا لَكَ كُلُّ مَنْ يَخْلُقُ وَتَعَالَى عِشْقُكَ وَتَعَالَى

يَسْمَعُ لَوْ مَقَرَّ بِهِ رَأْسُكَ

الْقَطْعُ بِأَنْتَ سَلَامٌ قَدِيمٌ

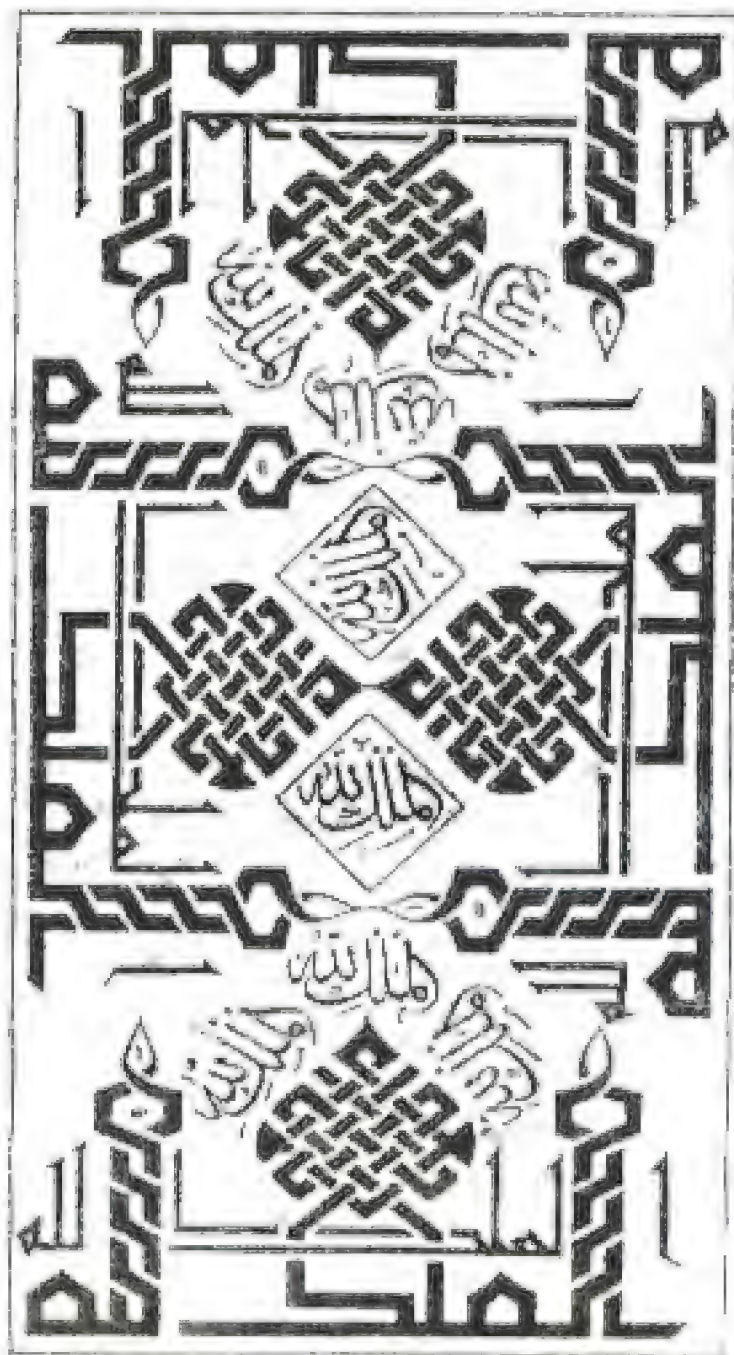
يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

عَلَّمَكَ حَمْدُكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ



صَدَقَ اللهُ الْعَمَلُ الْعَظِيمُ

وَبَلَغَ رَسُولُ النَّبِيِّ الْكَرِيمِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
فهرست متن کتاب

در شرح کلمه مبارکه الباری ۲۸	در شرح کلمه مبارکه الباری ۲
در شرح کلمه مبارکه المصور ۳۹	در شرح کلمه مبارکه المصور ۳
در شرح کلمه مبارکه الغفار القهار ۴۰	در شرح کلمه مبارکه الغفار القهار ۴
در شرح کلمه مبارکه الوهاب ۴۱	در شرح کلمه لا اله الا هو ۶
در شرح کلمه مبارکه الرزاق ۴۴	در آیات مستحتملة لا اله الا هو ۸
در شرح کلمه مبارکه الفتاح ۴۶	در شرح کلمه مبارکه لا اله الا هو ۱۱
در شرح کلمه مبارکه العليم ۴۷	در شرح کلمه مبارکه الله الصمد ۱۴
در شرح کلمه مبارکه القابض ۴۸	در خواص آیه مبارکه آیه الكرسي ۱۶
در شرح کلمه مبارکه الباسط ۴۹	در شرح خواص لفظ جلاله ۱۸
در شرح کلمه مبارکه المنان ۵۰	در شرح عالم الغیب والشهادة ۲۰
در شرح کلمه مبارکه الرافع ۵۴	در شرح کلمه مبارکه الرحمن ۲۲
در شرح کلمه مبارکه الموفق ۵۵	در شرح کلمه مبارکه الرحيم ۲۶
در شرح کلمه مبارکه الهادي ۵۸	در شرح کلمه مبارکه الملك ۲۸
در شرح کلمه مبارکه السميع ۶۰	در شرح کلمه مبارکه الفتوح السلام ۲۹
در شرح کلمه مبارکه البصير ۶۵	در شرح کلمه مبارکه المؤمن ۳۰
در شرح کلمه مبارکه الحكيم ۶۷	در شرح کلمه مبارکه المهيمن ۳۱
در شرح کلمه مبارکه العدل ۶۸	در شرح کلمه مبارکه العزيز ۳۲
در شرح کلمه مبارکه اللطيف ۷۰	در شرح کلمه مبارکه المتكبر ۳۶
	در شرح کلمه مبارکه الخالق ۳۷



۱۱۲	در شرح کلمه مبارکه الحق	۷۲	در شرح کلمه مبارکه الخیر
۱۱۳	در شرح کلمه مبارکه الوکیل	۷۴	در شرح کلمه مبارکه الحکیم
۱۱۴	در شرح کلمه مبارکه القوی	۷۵	در شرح کلمه مبارکه العظیم
۱۱۷	در شرح کلمه مبارکه المتین	۷۶	در شرح کلمه مبارکه العظیم
۱۱۹	در شرح کلمه مبارکه المولی	۷۹	در شرح کلمه مبارکه الغفور
۱۲۰	در شرح کلمه مبارکه الحمید	۸۰	در شرح کلمه مبارکه الشکور
۱۲۲	در شرح کلمه مبارکه المحصى	۸۱	در شرح کلمه مبارکه العلی
۱۲۳	در شرح کلمه مبارکه المبدی	۸۳	در شرح کلمه مبارکه اللبیر
۱۲۵	در شرح کلمه مبارکه الحمید	۸۶	در شرح کلمه مبارکه الحفیظ
۱۲۷	در شرح کلمه مبارکه المجیب	۹۰	در شرح کلمه مبارکه المقتیت
۱۲۹	در شرح کلمه مبارکه الممیت	۹۱	در شرح کلمه مبارکه الحسیب
۱۳۰	در شرح کلمه مبارکه المحی	۹۴	در شرح کلمه مبارکه الجلیل
۱۳۱	در شرح کلمه مبارکه القیوم	۹۶	در شرح کلمه مبارکه الکریم
۱۳۵	در شرح کلمه مبارکه الواحد	۹۸	در شرح کلمه مبارکه الرقیب
۱۳۶	در شرح کلمه مبارکه الهابد	۹۹	در شرح کلمه مبارکه المجیب
۱۳۸	در شرح کلمه مبارکه الواحد	۱۰۰	در شرح کلمه مبارکه الواسع
۱۳۹	در شرح کلمه مبارکه الاحد	۱۰۲	در شرح کلمه مبارکه الحکیم
۱۴۱	در شرح کلمه مبارکه الصمد	۱۰۵	در شرح کلمه مبارکه الودود
۱۴۲	در شرح کلمه مبارکه القادر	۱۰۸	در شرح کلمه مبارکه المجیب
۱۴۳	در شرح کلمه مبارکه المقتدر	۱۰۹	در شرح کلمه مبارکه الباعث
۱۴۵	در شرح کلمه مبارکه المتقدم	۱۱۱	در شرح کلمه مبارکه الشهید

در شرح کلمه مبارکه الهادی ۱۸۲	در شرح کلمه مبارکه المؤخر ۱۴۶
در شرح کلمه مبارکه البديع ۱۸۴	در شرح کلمه مبارکه الأول ۱۴۷
در شرح کلمه مبارکه الباقي ۱۸۶	در شرح کلمه مبارکه الظاهر ۱۴۹
در شرح کلمه مبارکه الوارث ۱۸۷	در شرح کلمه مبارکه الباطن ۱۵۰
در شرح کلمه مبارکه الرشيد ۱۸۸	در شرح کلمه مبارکه الولي ۱۵۲
در شرح کلمه مبارکه الصبور ۱۸۹	در شرح کلمه مبارکه المتعال ۱۵۳
در شرح کلمه مبارکه ياسبح ياقدوس ۱۹۱	در شرح کلمه مبارکه البر ۱۵۵
در شرح کلمه مبارکه يارب ۱۹۲	در شرح کلمه مبارکه التواب ۱۵۶
در شرح کلمه مبارکه ياخذان ياامنان ۱۹۳	در شرح کلمه مبارکه المنتقم ۱۵۸
در شرح کلمه مبارکه يا ديان ۱۹۵	در شرح کلمه مبارکه العفو ۱۵۹
در شرح کلمه مبارکه يا برهان ۱۹۷	در شرح کلمه مبارکه الرؤف ۱۶۰
در شرح مربع هشت اسم خداوند ۱۹۸	در شرح کلمه مبارکه مالک الملك ۱۶۲
در شرح مربع شش اسم خداوند ۱۹۹	در شرح کلمه مبارکه المقسط ۱۶۳
در شرح مربع نود و نه نام خداوند ۲۰۰	در شرح کلمه مبارکه الجامع ۱۶۷
در شرح الواح پانزده گانه ۲۰۱	در شرح کلمه مبارکه الغني ۱۶۸
در شرح الواح پانزده گانه ۲۰۳	در شرح کلمه مبارکه المغني ۱۶۹
در شرح الواح پانزده گانه ۲۰۴	در شرح کلمه مبارکه الفتاح ۱۷۳
	در شرح کلمه مبارکه المعطي المانع ۱۷۴
	در شرح کلمه مبارکه المانع ۱۷۷
	در شرح کلمه مبارکه النافع ۱۷۸
	در شرح کلمه مبارکه النور ۱۸۱



۷	بجوت گشایش کارها	۲۰۷	در شرح الواح پانزده گانه
۷	بجوت تسخیر سلاطین	۲۰۸	در شرح الواح پانزده گانه
۷	بجوت رسیدن بدولت	۲۰۹	در شرح الواح پانزده گانه
۸	بجوت رسیدن بدولت و ثروت	۲۱۰	در شرح الواح پانزده گانه
۹	بجوت ادای دین و مخنی شدن	۲۱۱	در شرح و بیان قواعد تکبیر
۹	بجوت برآورده شدن حاجات	۲۱۲	در شرح و بیان قواعد تکبیر
۱۰	بجوت ایمنی از شر سلاطین و ظالم	۲۱۴	در اختتام کتاب مستطاب
۱۰	بجوت سلامتی از زرد و سیاه	۲۱۵	در اختتام کتاب مستطاب
۱۰	بجوت هر مطلب و حاجتی	۲۱۴	در بیان فتاویٰ طبیعی الواح
۱۱	بجوت هر مطلب و حاجتی	۲۱۵	در شرح کلمه مبارکه اجد الکبیر
۱۲	بجوت هر مطلب و حاجتی	۲۱۵	در شرح کلمه مبارکه اجد الصغیر
۱۴	بجوت هر مطلب		
۱۴	بجوت هر مطلب		
۱۴	در بیان اسم مبارکه اعظم		فهرست مباحث کتاب
۱۴	در بیان طلب خیر		ختم کلیات مبارکه
۱۴	در بیان دفع شر		بسم الله الرحمن الرحیم
۱۵	در بیان گشایش و آسان کار	۵	بجوت هر مطلبی
۱۵	در بیان برآوردن قضای حاجات	۵	بجوت هر مصلحتی
۱۵	در بیان هر مطلبی که داشته باشید	۸	بجوت هر گرفتاری و بلیه
۱۶	در بیان زیادتش دولت و حشمت	۶	بجوت خلاصی از دست ظالم
۱۷	در بیان بزرگی و سلطنت	۷	بجوت ادای دین
		۷	بجوت ایمنی از بلاها

۲۴	در بیان وسعت رزق	۱۷	در بیان قضاى هر قرض و هر حاجتى
۲۴	در بیان رسیدن بحکومت در پست	۱۷	در بیان طلب جاه و بزرگى
۲۵	در بیان وسعت رزق و ادای دین	۱۸	در بیان احترام بزرگان
۲۵	در بیان دفع دشمن و طلب جاه	۱۸	در بیان هر مهم عظیمى
۲۵	در بیان ایمنى از بلاها	۱۹	در بیان حفظ و هر مطلب
۲۶	در بیان مهربانى کردن و مخلوق	در بیان ادای قرض و دولت <sup>در خصوص</sup>	
۲۶	در بیان ادای دین و وسعت رزق	۱۹	در بیان غلبه شدن بر دشمن و هر
۲۶	در بیان تسخیر حکام و سلاطین	حاجت	۲۰
۲۷	در بیان نجات از قرض و درویشى	۲۰	در بیان زیادتى ذهن کودک
۲۷	در بیان خلاصى از حبس و گرفتارى	۲۰	در بیان حل شدن مشکلات
۲۷	در بیان غلبه شدن بر اعداء	۲۱	در بیان بینى کاف و لون
۲۸	در بیان بی نیاز شدن از مخلوقات	۲۱	در بیان تسخیر حکام
۲۸	در بیان دفع فقر و ادای دین	۲۱	در بیان اطلاع یافتن بر معادن
۲۹	در بیان پیدا کردن صفای باطن	۲۲	در بیان برآورده شدن هر حاجت
۲۹	در بیان دوستى دشمن و شفای بیمار	۲۲	در بیان وسعت رزق و روزى
۳۰	در بیان سلامتى از امراض و بلاها	۲۲	در بیان دفع دشمن و عزت
۳۰	در بیان دفع دشمن و غلبه بر خصم	۲۳	در بیان جمیع مهمات
۳۰	بجهت هر مطلبى	۲۳	در بیان وسعت رزق
۳۱	بجهت رسیدن بمقصد	در بیان گشایش رزق کار و ایمنى	
۳۱	بجهت رسیدن قضاء و جواب	از بلاها	۲۴
۳۲	بجهت بی نیازى از خلق	در بیان رسیدن بدولت و ثروت	۲۴



۳۹	بجوت برآمدن حاجات نزد سلطان	۲۲	بجوت غلبه بر خصم و تسخیر
۴۰	بجوت طلب اولاد	۲۳	بجوت ریاضت عقل و فهم
۴۱	بجوت برآمدن قضا و حاجت	۲۴	بجوت عزت نزد سلطان
۴۲	بجوت کثرت مال و دولت	۲۵	بجوت فتح و نصرت
۴۳	بجوت ایمنی از عذاب قبر	۲۶	بجوت گم شدن اشیاء
۴۴	بجوت برطرف شدن تب لازم	۲۷	بجوت طلب کردن اولاد
۴۵	بجوت رفع هم و غم	۲۸	بجوت ادای قرض
۴۶	بجوت غلبه بر خصم	۲۹	بجوت وسعت رزق و صحت
۴۷	بجوت برآمدن هر مرادی	۳۰	بجوت ایمنی از سحر و جادو
۴۸	بجوت دولت و مال دنیا	۳۱	بجوت هر مطلبی
۴۹	بجوت دست یافتن هر مرادی	۳۲	بجوت خور از سلطان
۵۰	بجوت دفع احتلام	۳۳	بجوت سلامتی از شیاطین
۵۱	بجوت تحک و ادای قرض	۳۴	بجوت داشتن فرزند صالح
۵۲	بجوت برآمدن هر حاجت	۳۵	بجوت هلاکت اهل ظلم
۵۳	بجوت بقای اولاد	۳۶	بجوت یافتن دولت و جاه و شمت
۵۴	بجوت برآمدن مطلب بزرگ	۳۷	سرف مشتری و ثلث و
۵۵	بجوت غلبه بر خصم	۳۸	تسلیس و شمره زهره
۵۶	بجوت دفع دشمن	۳۹	بجوت هر حاجت
۵۷	بجوت توانگری و غنی شدن	۴۰	بجوت زیادتی اولاد و اتباع
۵۸	بجوت دفع فقر و پیریشانی	۴۱	بجوت رسیدن بفرز و گوسفند
۵۹	بجوت هر مراد و مقصودی	۴۲	بجوت توفیق یافتن زیارت
۶۰	بجوت وسعت رزق و روزی	۴۳	کعبه خانه خدا

۵۲	بجوت عقد اللسان	۴۵	بجوت برآوردن حاجت
۵۲	بجوت رای قرض و خلاصی از زندان	۴۶	بجوت یافتن دولت و ثروت
۵۳	بجوت برآوردن در ماندن	۴۶	بجوت خلاصی از جسد راسی
۵۳	بجوت از آلت غم و اندوه	۴۶	بجوت شرادان روزی و رزق
۵۴	بجوت هر حاجت و مطلب	۴۷	بجوت خلاص شدن از بلیات
۵۴	بجوت استدامه دولت	۴۷	بجوت شفای صریض
۵۴	بجوت ادای دین	۴۷	بجوت برآوردن شدن حاجت
۵۴	بجوت ادای دین	۴۸	بجوت دفع دشمن
۵۵	بجوت هر حاجت و مطلبی	۴۸	بجوت دفع فقر و غار
۵۵	بجوت وسعت معیشتی	۴۸	بجوت وسعت و معیشت
۵۵	بجوت زیادت مال و رزق	۴۹	بجوت ادای قرض و وسعت رزق
۵۶	بجوت برآوردن شدن حاجت	۴۹	بجوت فتوحات عظیمه
۵۶	بجوت عزت یافتن نزد خلائق	۴۹	بجوت قزوان و ثروت
۵۷	بجوت هر حاجتی	۵۰	بجوت هلاکت دشمن
۵۷	بجوت پیروزی بر اعداء	۵۰	بجوت خوشحالی و توانگری
۵۷	بجوت خلاصی از زندان	۵۰	بجوت هر مطلب مهمی
۵۸	بجوت وسعت رزق	۵۱	بجوت برآوردن جمیع مطالب
۵۸	بجوت دفع خصم و ظلم	۵۱	بجوت دفع دشمنی
۵۸	بجوت قضای خواج	۵۱	بجوت دوستی خلائق
۵۹	بجوت غلبه بر خصم	۵۱	بجوت غلبه بر لشکر دشمن
۵۹	بجوت هلاکت کردن دشمن	۵۲	بجوت ادای قرض و توانگری
۵۹	بجوت هر حاجت و مطلب	۵۲	بجوت هلاکت دشمن
۶۰	بجوت برآوردن قضای خواج		



۶۸	بجهت تسخیر خلائیق	۶۱	بجهت کفایت معلوم
۶۸	بجهت غلبه بر خصم	۶۱	بجهت دفع دشمن و نجات از زندان
۶۹	بجهت گم شده	۶۱	بجهت ستفاد بیمار
۶۹	بجهت دفع شر ظالم	۶۲	بجهت بر آوردن شده حاجت
۶۹	بجهت یافتن دولت	۶۲	بجهت عزت یافتن نزد خلائیق
۷۰	بجهت گشتودن بخت دختران	۶۲	بجهت ادای قرض و دفع شر
۷۰	بجهت هلاک شدن ظالم	۶۲	بجهت زیادتى و وسعت رزق
۷۱	بجهت اطلاع یافتن بر باره کار	۶۲	بجهت رفع دست تنگی و نکیبت
۷۱	بجهت کشف شدن علوم	۶۲	بجهت بر طرف شدن بواسیر
۷۲	بجهت دفع دشمن	۶۲	بجهت دفع دشمن
۷۲	بجهت تسخیر قلوب و وسعت رزق	۶۲	بجهت لذت انگری و توفیق یافتن حج
۷۲	بجهت حصول مطالب	۶۴	بجهت زیادت مال دنیا
۷۲	بجهت هر مطالب راجع	۶۴	بجهت یافتن مال دنیا
۷۲	بجهت ابدی و سر شیطان	۶۴	بجهت بر آمدن مطالب و حاجت
۷۲	بجهت وسعت معیشت	۶۵	بجهت هر حاجتی
۷۴	بجهت یافتن هر مطلب	۶۵	بجهت یافتن رد غایب
۷۴	بجهت یافتن هر مطالب	۶۵	بجهت گشایش کارها
۷۴	بجهت عزت و نصرت	۶۶	بجهت استجابت دعاء
۷۴	بجهت برکت زراعت زارع	۶۶	بجهت رفع محنت و غم
۷۵	بجهت دفع شر ظالم و دشمن	۶۶	بجهت هر مهم و مقصد
۷۵	بجهت شفا یافتن بیمار	۶۷	بجهت حصول یافتن مطالب
۷۵	بجهت یافتن عزت	۶۷	بجهت هر مطلب و حاجت
		۶۸	بجهت وسعت رزق

۸۳	بجھت نجات از سوارڈ	۷۵	بجھت یافتنی جمع مہمات
۸۳	بجھت وسعت رزق	۷۶	بجھت برآمدن حاجت
۸۴	بجھت طلب روزی و جاہ و سیاح	۷۶	بجھت ضیق و معیشت
	بجھت یافتنی قضای خواہج دنیا و آخرت	۷۶	بجھت ہر امر مشکلی
۸۴	بجھت تسخیر قلوب امراء و بزرگان	۷۷	بجھت دفع دشمن
۸۴	بجھت دفع دشمنان	۷۷	بجھت عزت و بزرگی خرد خلائق
۸۵	بجھت گشایش کارها	۷۷	بجھت قضاء و خواہج
۸۵	بجھت یافتنی ثروت و دولت و	۷۸	بجھت کفایت مہمات
۸۵	وسعت و معیشت	۷۸	بجھت خلاصی از مہلکہ
۸۶	بجھت محفوظ بودن از بلاها	۷۸	بجھت زیادت مال و دولت
۸۶	بجھت ایمنی از سیاح و گزندہ	۷۹	بجھت گشایش کارها
۸۶	بجھت ہر مطلب و حاجت	۷۹	بجھت شفای یافتنی بیمار
۸۶	بجھت اہل قرص و شفای بیمار	۷۹	بجھت یافتنی دولت و ثروت
۸۷	بجھت ایمنی از درد و جمیع بلیات	۸۰	بجھت یافتنی توانگری
۸۷	بجھت یافتنی ہر مطلب مہم	۸۰	بجھت یافتنی وسعت رزق
۸۸	بجھت ہلاک شدن دشمن	۸۰	بجھت برطرف شدن تیرگی چشم
۸۸	بجھت محفوظ بودن از آفات	۸۱	بجھت خلاصی از فقر
۸۹	بجھت برآمدن قضاء و حاجات	۸۱	بجھت یافتنی مطلب و حاجت
۸۹	بجھت انجام شدن مقاصد	۸۱	بجھت غلبہ یافتنی بر دشمن
۸۹	بجھت یافتنی ہر مطلب مہم	۸۲	بجھت ہر مطلب
۹۰	بجھت دفع کردن دشمن	۸۲	بجھت یافتنی ہر حاجت
۹۰	بجھت یافتنی رد گم شدہ و غایب	۸۲	بجھت اطاعت سلاطین و
۹۰	بجھت زیادت دین و دھوش	۸۲	دوستی شدن دشمن
۹۱	بجھت یافتنی قضای خواہج	۸۳	بجھت از دیاد دولت و طلب
			آجاہ و رفعت



۱۰۰	بجوهت عرض در سال دنیا	۹۱	بجوهت سنگی و استنگی
۱۰۰	بجوهت وسعت در معیشت	۹۱	بجوهت بر آورد شده جمیع خواج
۱۰۱	بجوهت یافتن قضا و حوائج	۹۲	بجوهت بر آمدن بر طالب مشروطه
۱۰۱	بجوهت تسخیر قلوب سلاطین	۹۲	بجوهت ایمنی از دشمن و چشم بد
۱۰۱	بجوهت یافتن رفعت و جاه و منصب	۹۲	بجوهت یافتن هر معنی و مطالب
۱۰۲	بجوهت آسان شدن کارهای مشکل	۹۳	بجوهت سلامتی از جمیع افات
۱۰۲	بجوهت یافتن قضا و حوائج	۹۳	بجوهت بر طرف شدن خون از سلاطین
۱۰۲	بجوهت ادای قرض و وسعت اوق	۹۳	بجوهت دفع کردن فقر و پریشانی
۱۰۳	بجوهت ارای قرض و غلبه بر خصم	۹۴	بجوهت دفع کردن فقر و پریشانی
۱۰۳	بجوهت خوف از حکام و سلاطین	۹۴	بجوهت یافتن عزت مر ملائق
۱۰۴	بجوهت آسان هر دشواری	۹۵	بجوهت یافتن بزرگی و عظمت
۱۰۴	بجوهت آسان شدن هر امر مشکل	۹۵	بجوهت تهریب یافتن تر سلاطین
۱۰۵	بجوهت بر آمدن هر حاجت	۹۵	بجوهت یافتن هر حاجت
۱۰۵	بجوهت یافتن رفعت و عزت و دولت	۹۵	بجوهت یافتن هر حاجت و مطالب
۱۰۵	بجوهت دوستی مابین زن و شوهر	۹۶	بجوهت دفع نمودن فقر و پریشانی
۱۰۵	بجوهت دفع دشمن	۹۶	بجوهت دفع و هلاکت دشمن
۱۰۶	بجوهت رفع هم و غم و خوف از مرگ	۹۷	بجوهت غلبه بر خصم
۱۰۶	بجوهت یافتن جاه و عزت نزد بزرگان	۹۷	بجوهت یافتن حاجت و مطالب
۱۰۶	بجوهت عیب شدن نزد ملائق	۹۷	بجوهت دفع شر دشمن
۱۰۷	بجوهت یافتن هر حاجت	۹۸	بجوهت یافتن سلامتی از افات
۱۰۷	بجوهت یافتن تسخیر قلوب	۹۸	بجوهت یافتن هر مطلب و حاجت
۱۰۸	بجوهت یافتن هر حاجات	۹۹	بجوهت یافتن حاجت و مطالب
۱۰۸	بجوهت آسان شدن هر کار	۹۹	بجوهت ایمنی از بلاء
۱۰۹	بجوهت رفعت و عزت و جمیع علتها	۹۹	بجوهت هر مطلب و حاجت
۱۰۹	بجوهت غنی شدن و توانایی	۱۰۰	بجوهت یافتن حصول مطلب
۱۱۰	بجوهت قضا و حوائج		

۱۲۰	بجوهت تسخیر قلوب سلطان	۱۱۰	بجوهت خلاصی از مهالک
۱۲۱	بجوهت قضای حاجات	۱۱۱	بجوهت مطیع شدن زن و فرزند
۱۲۱	بجوهت هر مطلب و هر حاجات	۱۱۱	بجوهت یافتن فتح و فتح و نصرت
۱۲۱	بجوهت اصلاح زن بد خو و بد گو	۱۱۱	بجوهت رسیدن به مقاصد
۱۲۲	بجوهت عزت یافتن نزد خلائق	۱۱۲	بجوهت بر آمدن حاجات
۱۲۲	بجوهت یافتن هر مطلب	۱۱۲	بجوهت رسیدن حاجات
۱۲۲	بجوهت دوستی با خلائق	۱۱۳	بجوهت رسیدن به دولت و ثروت
۱۲۲	بجوهت عزت یافتن نزد امراء	۱۱۳	بجوهت رفع فقر
۱۲۳	بجوهت سهولت و حسنات	۱۱۳	بجوهت بازگشت غلام گریخته
۱۲۳	بجوهت رفع نسیان و فراموشی	۱۱۳	بجوهت یافتن جمیع مهمات
۱۲۳	بجوهت یافتن هر مشکلی	۱۱۴	بجوهت رفع و سوسه طلب افری
۱۲۴	بجوهت یافتن فرزند صالح	۱۱۴	بجوهت قضای و حاجات
۱۲۴	بجوهت رفع فقر و فاقه	۱۱۵	بجوهت غلبه شدن بر دشمن
۱۲۴	بجوهت حامله شدن زنان	۱۱۵	بجوهت هلاک شدن دشمن
۱۲۵	بجوهت وسعت روزی و رزق	۱۱۵	بجوهت یافتن مطالب کلیه
۱۲۵	بجوهت قضای دین	۱۱۵	بجوهت رفع شدائد و سلامتی از بیماری
۱۲۶	بجوهت ادای دین و وسعت روزی	۱۱۶	بجوهت استدامه از دولت
۱۲۶	بجوهت اطلاع یافتن بر حال غایب	۱۱۷	بجوهت هر نوع حاجتی و مطلب
۱۲۷	بجوهت توسعه رزق و دفع فقر	۱۱۷	بجوهت زیاد شدن شیر مادر
۱۲۷	بجوهت خوف از سلطان	۱۱۸	بجوهت قضای خواجع
۱۲۸	بجوهت ایمنی از جمیع بلاها	۱۱۸	بجوهت فتح در کارها
۱۲۸	بجوهت تسخیر جمیع خلائق	۱۱۸	بجوهت اسان شدن وضع حمل زنان
۱۲۹	بجوهت غلبه شدن بر خصم	۱۱۸	بجوهت خلاص شدن از محبوس
۱۲۹	بجوهت هلاک دشمن	۱۱۹	بجوهت قضای خواجع
۱۳۰	بجوهت تسخیر جمیع خلائق	۱۱۹	بجوهت ادای قرض
۱۳۱	بجوهت صحت بیمار	۱۱۹	بجوهت از شیر گرفتن کودک
۱۳۱	بجوهت سلامتی منزه از آفات	۱۱۹	بجوهت خوش خوئی همس
		۱۲۰	بجوهت هر نوع حاجات



۱۴۳	بجوهت حصول مطلب و رفعت	۱۴۱	بجوهت آمدن غایب و پیدا کردن گمشده
۱۴۴	بجوهت علیه شدن بر دشمن	۱۴۲	بجوهت حصول مرادات
۱۴۴	بجوهت جاه و منصب	۱۴۲	بجوهت پسر زشت شدن بر دشمن
۱۴۴	بجوهت پسر و زی بر سلاطین	۱۴۲	بجوهت داشتن عاقبت امر
۱۴۴	بجوهت حصول رتبه	۱۴۲	بجوهت داشتن اولاد بیشتر یا خیر
۱۴۴	بجوهت دفع از شر دشمن	۱۴۳	بجوهت طلب کردن رزق
۱۴۵	بجوهت حصول مراد و قضای خواج	۱۴۳	بجوهت یافتن حاجات
۱۴۵	بجوهت ایمنی از ترس و خوف	۱۴۳	بجوهت تسخیر سلاطین
۱۴۵	بجوهت علیه بر خصم	۱۴۴	بجوهت اجابت مضمون دعا
۱۴۶	بجوهت آوارگی دشمن	۱۴۴	بجوهت احتلام و دفع آن
۱۴۶	بجوهت زیاد شدن عمر	۱۴۴	بجوهت محبت
۱۴۶	بجوهت تسخیر قلوب	۱۴۵	بجوهت قطع رعاف
۱۴۷	بجوهت هلاکت دشمن	۱۴۵	بجوهت مقهور شدن دشمنان
۱۴۷	بجوهت پیدا کردن غایب و هر کار صعب	۱۴۵	بجوهت غنی شدن و توانگری
۱۴۷	بجوهت هلاکت دشمن	۱۴۶	بجوهت دای کیسه و جیب
۱۴۸	بجوهت معزول شدن حاکم ظالم	۱۴۶	بجوهت حصول مطلب نزد کسی
۱۴۸	بجوهت انجام مطالب قضا	۱۴۶	بجوهت حامله شدن زنان
۱۴۹	بجوهت مقهور شدن دشمن	۱۴۷	بجوهت گشایش در کارها
۱۴۹	بجوهت قضای خواج	۱۴۷	بجوهت هر امر سنگلی که روی دهد
۱۵۰	بجوهت سلامتی و دشینه و امانت	۱۴۸	بجوهت رفعت و عزت
۱۵۰	بجوهت وسعت رزق	۱۴۸	بجوهت صحت و سلامتی بیمار
۱۵۱	بجوهت برآمدن حاجات	۱۴۸	بجوهت قضای خواج
۱۵۱	بجوهت طلب کردن مال و توسعه احوال	۱۴۹	بجوهت هر مطلبی و هر حاجتی
۱۵۲	بجوهت برآمدن قضای حاجات	۱۴۰	بجوهت دعوت اسم خواندن
۱۵۲	بجوهت ایمنی از بلاها	۱۴۱	بجوهت از دیار رزق و ورری
۱۵۳	بجوهت تسخیر فلائق	۱۴۲	بجوهت انجام مقاصد و مطالب
۱۵۳	بجوهت خوف از سلاطین	۱۴۲	بجوهت خوف از سلاطین
۱۵۳	بجوهت زیادتی جاه و مرتبه	۱۴۲	بجوهت علیه شدن بر دشمن

۱۶۴	بجهت دفع اختلام و دوسواس	۱۵۴	بجهت تسخیر و تحبیب
۱۶۵	بجهت رفع بستیگی کارها	۱۵۴	بجهت فراغ دستی و وسعت
۱۶۵	بجهت غایب رگ ریخته و دزد برده	۱۵۵	بجهت هر حاجت و مطلب
۱۶۵	بجهت رفع فقر و پریشانی	۱۵۵	بجهت رفع بدخوی و راء خلق
۱۶۶	بجهت سلامتی از آفات	۱۵۵	بجهت ایمنی از آفات
۱۶۶	بجهت آمدن غایب	۱۵۶	بجهت تحبیب و دوستی
۱۶۶	بجهت تحبیب و دوستی	۱۵۶	بجهت شفاى مریض
۱۶۶	بجهت شفاى مریض	۱۵۷	بجهت آمدن غایب
۱۶۷	بجهت همراهان شدن مابین زن و شوهر	۱۵۷	بجهت رسیدن خبر غایب
۱۶۷	بجهت غنی شدن و توانگری	۱۵۸	بجهت پیدا شدن مال دزد برده
۱۶۸	بجهت رسیدن بدولت و عزت نزد خلق	۱۵۸	بجهت معلوم شدن دزد
۱۶۸	بجهت رسیدن بدولت	۱۵۹	بجهت زیادتى حافظه
۱۶۸	بجهت تحبیب و دوستی	۱۵۹	بجهت پیدا شدن گم شده
۱۶۹	بجهت آمدن و آواره شدن از وطن	۱۶۰	بجهت خوف از دشمن
۱۶۹	بجهت عزت یافتن نزد خلق	۱۶۰	بجهت خلاصی از حبس و اسیری
۱۷۰	بجهت رسیدن بدولت و ثروت	۱۶۰	بجهت استقامت از دولت
۱۷۰	بجهت اصلاح میان دولتمداران	۱۶۱	بجهت سازگاری زن و شوهر
۱۷۰	بجهت فتح الرجال و پیدا شدن گم شده	۱۶۱	بجهت تسخیر حاکم
۱۷۱	بجهت دوستی و عقد اللسان	۱۶۱	بجهت عقد اللسان
۱۷۱	بجهت گشایش بستیگی کارها	۱۶۲	بجهت مقهور شدن دشمن
۱۷۱	بجهت هلاکت دشمن	۱۶۲	بجهت تسخیر قلوب خلائق
۱۷۱	بجهت دوستی و مودت	۱۶۲	بجهت ایمنی از جزام و برص و
۱۷۲	بجهت غلبه شدن بر خصم دشمن	۱۶۲	پیشم زخم و سحر
۱۷۲	بجهت عزت و دولت یافتن	۱۶۴	بجهت ایمنی از آفات و بلیات
۱۷۲	بجهت هر مطلب مهم	۱۶۴	بجهت تسخیر قلوب
۱۷۲	بجهت رفع بستیگی کارها	۱۶۴	بجهت رسیدن به حاجات
۱۷۴	بجهت تسخیر خلائق		بجهت خلاصی از دست سلاطین و



۱۸۳	بجوت باطل شدن سحر و جادو	۱۷۶	بجوت شفای مریض
۱۸۴	بجوت عزت یافتن نزد مردم	۱۷۶	بجوت خلاصی از نشسته شدن
۱۸۴	بجوت خواب دیدن حضرت رسول	۱۷۵	بجوت مطیع گشتن جمیع
۱۸۵	بجوت عزت نزد سلطان	۱۷۵	بجوت معروف شدن
۱۸۵	بجوت هر معلوم و مطلب	۱۷۵	بجوت ادای دین
۱۸۶	بجوت هر مراد و مطلب	۱۷۶	بجوت رفع غضب دشمنان
۱۸۶	بجوت نجات از زندان و بند	۱۷۶	بجوت رفع موهبات
۱۸۷	بجوت ایمنی از مکر خلائق	۱۷۶	بجوت عزت یافتن نزد سلطان
۱۸۷	بجوت سلامتی بانع و رعایت	۱۷۷	بجوت ایمنی از بلاها
۱۸۸	بجوت نجات یافتن از امراضی	۱۷۷	بجوت مهر بانی زین و شوهر
۱۸۸	بجوت برآمدن هر حاجات	۱۷۷	بجوت عزت یافتن نزد خلائق
۱۸۹	بجوت برکت کیسه	۱۷۷	بجوت هر مطلب
۱۸۹	بجوت گشودن بخت دختران	۱۷۸	بجوت شفای مریض
۱۹۰	بجوت بوی بد زیر بغل	۱۷۸	بجوت جابه و مضرب دولت
۱۹۰	بجوت رفع زکام و بیماری	۱۷۸	بجوت دفع دشمنان
۱۹۰	بجوت رفع ضیق التلا و نفس	۱۷۹	بجوت ایمنی از ضرر دشمن
۱۹۱	بجوت علاج قی و قولنج	۱۷۹	بجوت مهر بانی زین و شوهر
۱۹۱	بجوت دفع نرله و بادها	۱۷۹	بجوت عقد اللسان
۱۹۲	بجوت علاج تقطیر لول	۱۸۰	بجوت دفع سحر و جادو
۱۹۲	بجوت لول کردن کودکان	۱۸۰	بجوت هر مطلب
۱۹۳	بجوت بیدار شدن از خواب	۱۸۰	بجوت مقهور و خضم
۱۹۳	بجوت دفع بی خوابی	۱۸۱	بجوت عزت و درست خلائق
۱۹۳	بجوت هر امر معلوم و مطلب	۱۸۱	بجوت محفوظ بودن از بلاها
۱۹۴	بجوت دفع احتلام	۱۸۱	بجوت آمدن غایب
۱۹۵	بجوت دفع مهر و عین گرفته	۱۸۲	بجوت عزت و حرمت
۱۹۵	بجوت سنگ انداختن جن به خانه	۱۸۲	بجوت تقرب نزد سلاطین
۱۹۶	بجوت ایمنی از بلاها	۱۸۲	بجوت محبوبی و اسیر
		۱۸۳	بجوت وسعت و نهت



۲۰۵	بجهت دفع دشمن و چشم زخم	۱۹۶	بجهت دفع چشم زخم
۲۰۶	بجهت دفع درد گلو	۱۹۷	بجهت معالجه تب
۲۰۶	بجهت بیرون آمدن زالو	۱۹۷	بجهت خوف از سلاطین
۲۰۶	بجهت درد دندان	۱۹۷	بجهت تب مریض
۲۰۷	بجهت دوستی فرد خلق	۱۹۹	بجهت تب غیب
۲۰۷	بجهت اصلاح میان دو کس	۱۹۹	بجهت غلبه بر دشمن و توانگری
۲۰۷	بجهت درد دندان	۱۹۹	بجهت تب و لرز
۲۰۸	بجهت خلاص شدن از گشته شدن	۲۰۰	بجهت غلبه یافتن بر دشمن
۲۰۸	بجهت گشایش کارها	۲۰۰	بجهت صحت یافتن بیمار
	بجهت درد دندان و دندان سایندن کور	۲۰۰	بجهت درد سر
۲۰۸	اندر خواب	۲۰۱	بجهت ایمنی از غرق شدن
۲۰۹	بجهت زبان گشودن اطفال	۲۰۱	بجهت سلامتی کودک
۲۰۹	بجهت علاج زن سلیطه و بد زبان	۲۰۲	بجهت رفع صداع
۲۰۹	بجهت قطع رعاف	۲۰۲	بجهت دفع شدن درد گوش
۲۱۰	بجهت الفت و صحبت دفع سحر	۲۰۲	بجهت هر حاجت و مطلب
۲۱۰	بجهت مهربانی خدایق		بجهت بیرون آمدن هر چیزی که
۲۱۰	بجهت درد سینه	۲۰۲	در گوش رفته باشد
۲۱۱	بجهت درد دل	۲۰۳	بجهت یافتن جابه و رفعت
۲۱۱	بجهت طیبیدن دل	۲۰۳	بجهت دفع کردن دشمن
۲۱۲	بجهت فتح الرجال	۲۰۳	بجهت هزار بار در گوش زخته باشد
۲۱۲	بجهت درد زن آبستن	۲۰۳	بجهت بر طرف شدن درد چشم
۲۱۲	بجهت دوستی میان زن و شوهر	۲۰۴	بجهت قوت ذهن و حافظه
۲۱۲	بجهت شفای بیمار	۲۰۴	بجهت گشایش کارها
۲۱۳	بجهت معرف احوال بیمار	۲۰۴	بجهت دفع کردن دشمن
۲۱۳	بجهت معرف احوال مریض	۲۰۴	بجهت ریختن موی پلک چشم
۲۱۴	بجهت ورم خصیه باد فتق	۲۰۵	بجهت دفع بیماری و بادها
۱۱۷	مکروهی کلیه خطوط ایجاد	۲۰۵	بجهت دفع درد صورت



# خواص و خواشی

وخواص سوره های قرآن کریم  
وخواشی آن وخواص بعضی از  
ادعیه واذکار

مکتبہ عربیہ  
کانسی روڈ کوئٹہ پاکستان  
قیمت ۳۰۰ روپے